



# پاسخ به شبهات

مطرح شده توسط توحید قریشی

کاری از پایگاه جامع فرق ، ادیان و مذاهب

[www.Adyannet.com/Book](http://www.Adyannet.com/Book)

بیشگفتار

شبهات مشترک مسلمانان با طرح شبهه بین شیعه و سنی در مناطق...

نشین ایران اقدام به پخش شبنامه‌هایی می‌کند، که حاوی مطالبی است که بزرگان برداران اهل سنت ما نیز آنها را رد کرده‌اند، این عملی استکبار به خیال این که می‌توانند از آب گل آلود ماهی بگیرند، این کار را با تلاش زیاد انجام می‌دهند، که بر برداران شیعه و سنی واجب است با هوشیاری و پیروی از سلف صالح خود از آنان تبری جویند. در این مقاله متخصصین با بهره‌گیری بیش از چند صد منبع معتبر برداران اهل سنت به پاسخ‌گویی قسمتی از این تهاجم پرداخته‌اند.

پاسخ به شبهات مطرح شده توسط وهابیون که به صورت شب‌نامه در قالب یک مقاله بین اهل سنت توزیع شده، و شبهات توسط اینجانب [۱] استخراج که پاسخ آن به شرح ذیل ارائه می‌گردد. در مقاله یاد شده شبهات ذیل متوجه عامه مسلمین از اهل سنت و شیعیان شده است.

گروه کتابخانه

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

# شبهات مطرح شده

پاسخ به شبهات مطرح شده توسط وهابیون که به صورت شب‌نامه در قالب یک مقاله بین اهل سنت توزیع شده، و شبهات توسط اینجانب [۱] استخراج که پاسخ آن به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

در مقاله یاد شده شبهات ذیل متوجه عامه مسلمین از اهل سنت و شیعیان شده است.

### شبهات مطرح شده

- ۱- آیا اموات بعد از فوتشان می‌شنوند؟
- ۲- آیا اموات تمام نجواها و صداها به هر زبانی را می‌شنوند و درک می‌کنند؟
- ۳- آیا انبیاء و اولیای الهی بعد از فوتشان سخن دیگران را می‌شنوند؟
- ۴- این که در سوره مائده-آیه ۵۹ از زبان پیامبران (علیهم السلام) بیان شده که از عملکرد امت خود بعد از فوتشان خبر ندارند، به چه معناست؟
- ۵- این که از قول حضرت عیسی (علیه السلام) در آیه ۱۱۷ مائده بیان شده که چیزی از عملکرد امتش بعد از فوت خود نمی‌داند، به چه معناست؟
- ۶- آیا حدیث ۴۶۲۵ صحیح بخاری که از زبان پیامبر نقل می‌شود که حضرت در قیامت از امتش سوال می‌کند و خداوند می‌فرماید: «إنک لاتدری ما احد توا بعدک» صحیح است؟
- ۷- قرآن کریم درباره شنیدن پیامبر اسلام و اولیای الهی بعد از فوتشان چه می‌گوید؟
- ۸- احادیث شیعه و سنی در این خصوص چه می‌گویند؟

- ۹- در حدیث ۴۶۲۵ صحیح بخاری که بیان شده: «... إِنْ هَوْلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مرتدینَ عَلَیْ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَرَقتَهُمْ» یعنی منظور از اینان کسانی هستند که بعد از فوت پیامبر اکرم و در زمان خلافت صدیق، مرتد شدند و ابوبکر (رضی... عنه) و سایر صحابه وفادار رسول... (صلی... علیه و سلم) با آنان جنگیدند، مراد از افرادی که مرتد شدند چه کسانی است؟
- ۱۰- آیا بعد از پیامبر اصحاب و مردم مرتد شدند؟
- ۱۱- قرآن مردگام مومن را بعد از مرگ بشارت به نداشتن غم و اندوه می دهد (واقعه ۸۸ و ۷۹، فاطر - ۳۰) اگر اموات صدای زندگان دنیا را بشنوند، از احوالشان خبردار شوند، آیا راحتی و آسایش خواهند داشت؟ و این اعتقاد خلاف قرآن نیست؟
- ۱۲- ادله عقلی و نقلی برای شنیدن سخن اهل دنیا توسط مردگان چیست؟
- ۱۳- آیا شنیدن جزئی اموات امکان دارد مانند سلام یا تلاوت قرآن و...؟
- ۱۴- آیا شنیدن دعا و درخواست اهل دنیا از مردگان امکان دارد؟
- ۱۵- بفرض شنیدن، آیا مردگان قادر به انجام کاری برای اهل دنیا هستند؟
- ۱۶- آیا شنیدن اموات به صورت جزئی از راه دور امکان دارد؟
- ۱۷- آیا شفاعت طلبی و حاجت خواستن از اموات جایز است؟
- ۱۸- آیه شریفه ی «إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ و لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ» (آیه... سوره... ) آیا دلالت بر عدم اجابت حاجت و شفاعت توسط حضرات معصومین دارد؟

## شبهات و هابیت ..... ۷

- ۱۹- آیا آیه ۲۲ سوره فاطر « و ما أنت بمُسمعٍ من فی القبور » تصریح بر عدم شنوایی مطلق اهل قبور دارد یا استثناء شده؟ اگر استثناء باشد ادله آن چیست؟
- ۲۰- آیا بر اساس ادامه آیه ۲۲ سوره فاطر « ولا یسمع الصم الدعاء اذا و لو مدبرین » اموات کفار می شنوند ولی نفعی نمی برند؟ یا از آنجا که به کران تشبیه شده اند، مطلقاً نه می شنوند و نه نفعی می برند؟
- ۲۱- آیا احادیث مربوط به سماع مردگان و شنیدن سلام و جواب دادن مردگان به آن، مستند هستند و یا دچار ضعف سند بوده و قابل اعتنا به شمار نمی روند؟
- ۲۲- آیا آیه های ۱۳ و ۱۴ سوره فاطر نفی شنیدن اولیاء و صالحین پس از مرگ را دارد؟
- ۲۳- آیا آیه ۲۳ سوره نوح دلالت بر نفی خواندن اولیاء و صالحین دارد؟
- ۲۴- حدیث شماره ۴۵۳۹ صحیح بخاری «...صارت الأوثان التي كانت فی قوم نوح فی العرب...» از جهت سند چگونه است؟ آیا می تواند دلالت بر عدم سماع اموات و توصل به اولیاء و صالحین داشته باشد؟
- ۲۵- آیه در آیه ۱۹ سوره نجم «افرأیت اللات و العزی...» بر اساس آنچه در صحیح بخاری (۴۸۵۹) آمده، نام مردان خیر عرب بوده؟
- ۲۶- آیا آیه ۱۳ سوره زمر «والذین اتخذوا من دونه اولیاء...» دلالت بر نفی توصل و طلب حاجت از اولیای الهی و صالحین دارد؟
- ۲۷- آیا آیه ۵۷ سوره اسراء «اولئک الذین یدعون یتغون الی ربهم الوسیله...» دلالت بر نفی توصل و حاجت دارد؟

## شبهات و هابیت ..... ۸

۲۸- آیا آیه ۱۷ فرقان و ۴۰ و ۴۱ سباء و ۱۱۶ مائده، دلالت بر اعتراض ملائکه

و انبیاء نسبت به توسل کنندگان و طلب کنندگان حاجت از ایشان دارد؟

۲۹- وضعیت سندی حدیث ۳۶۸۳ صحیح بخاری چگونه است؟ و آیا می توان

به آن برای عدم شنوایی و استجابت مردگان استناد کرد؟

۳۰- آیا بر اساس این حدیث، ادراک فقط مخصوص آن مردگان (در چاه

بدر) و شنیدن سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده و یا بر همه اموات ثابت

است؟

۳۱- آیا آیه ۸۰ سوره نمل دلالت بر عدم سماع اموات و استجابت صالحین و

اولیای الهی دارد؟

۳۲- آیا اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم، بر عدم سماع اموات اجماع

داشته اند؟ موارد خلاف اجماع کدامند؟

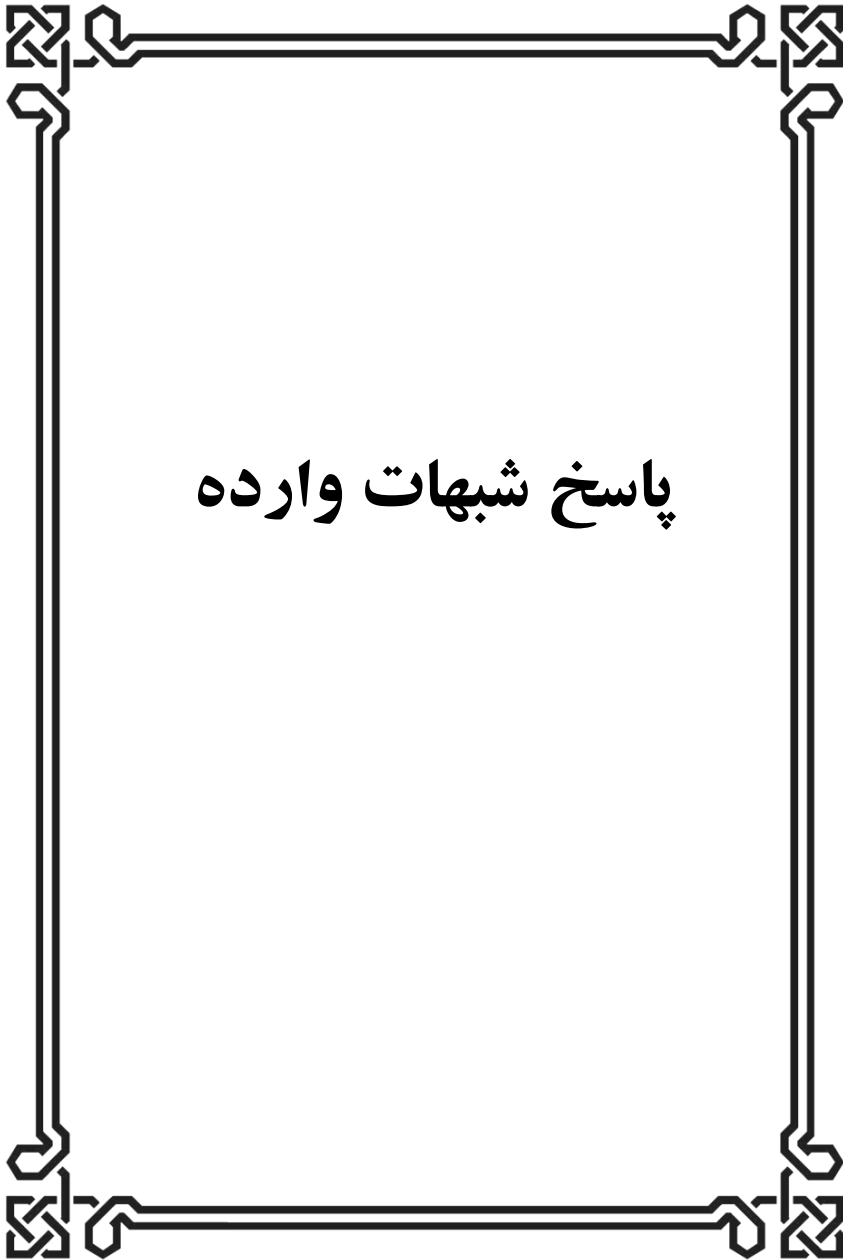
۳۳- آیا می توان ادعا نمود که شفاعت طلبی و حاجت خواهی مورد اتفاق

امت اسلامی بوده است؟

۳۴- آیا شفاعت خواهی و حاجب طلبی از ویژگیهای صوفیان جاهل است و

یا در قرآن و احادیث معتبر به آن پرداخته شده است؟





## پاسخ شبهات وارده

### پاسخ :

از آنجایی که این شبهات تازگی نداشته و شبهاتی دیگر شبیه به این شبهات نیز وجود دارد و آنچه انسانهای حیران و سرگردانی مانند طراحان این شب نامه‌ها تکثیر کرده‌اند؛ کپی‌برداری از مقاله وهابیون در مورد عدم سماع مردگان است در عین حال ، لازم است که به بررسی دقیق شبهاتی از این دست پرداخته و جوابی کامل داده شود تا وهابیون مانند این وهابی‌ها نتوانند مسلمین خصوصاً اهل سنت را به گمراهی و ضلالت بکشانند، لذا به بررسی ریشه‌ای این مطالب می‌پردازیم و جواب را تحت عنوان مقاله‌ای خدمتتان ارائه می‌نماییم.

### فهرست پاسخ به شبهات:

با بررسی ریشه تاریخی این تفکر وهابیت

۱. ادله وهابیون و نقد آنها

بررسی ادله این نظریه

پاسخ علمای اهل سنت از این آیات

۲. مردگان علاوه بر قدرت شنیدن، پاسخ زندگان را نیز داده‌اند

الف: دلیل قرآنی

ب: ادله روایی

۳. ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و شنیدن و دیدن عالم مادی:

الف: ادله قرآنی

ب: ادله روایی

۴. ادله حیات پس از مرگ

الف. آیاتی که دلالت بر حیات بعد از مرگ می کنند  
ب: روایاتی که دلالت بر حیات پس از مرگ می کنند  
۵. نظر علمای اهل سنت در مورد شنیدن مردگان

۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

۲. مسلم بن الحجاج نیشابوری:

۳. ابن تیمیه

۴. ابن قیم الجوزیه:

۵. ابن کثیر دمشقی سلفی

۶. ابن جریر طبری

۷. انصاری قرطبی

۸. آلوسی بغدادی

۹. محیی الدین نووی

۱۰. ابن حجر هیثمی

۱۱. محمد بن حسن شیبانی

۱۲. ابن بطال قرطبی

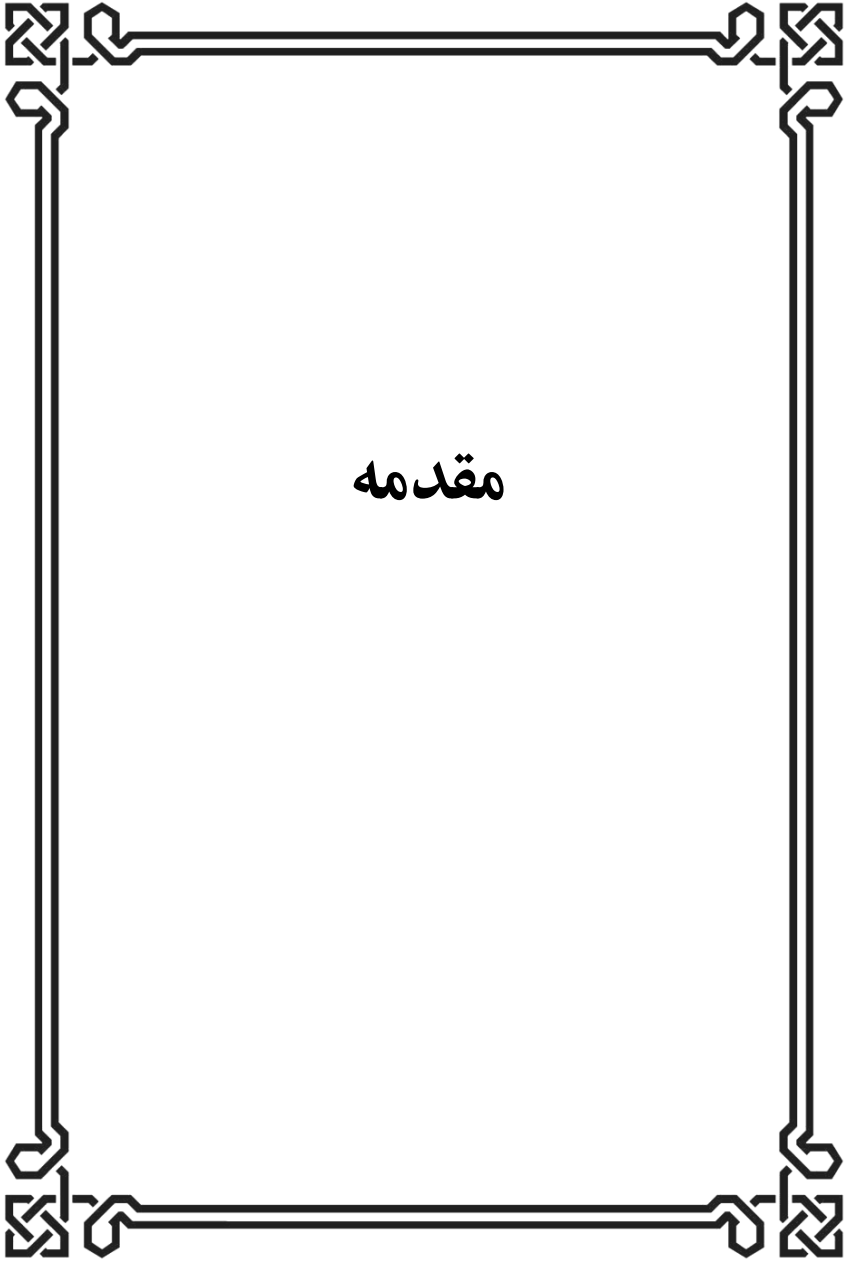
۱۳. جلال الدین سیوطی

۱۴. أحمد بن إدريس صنهاجی

۱۵. تمیمی حنبلی

۱۶. جکنی شنفیطی

۱۷. محمد بن عبدالوهاب



مقدمه

## مقدمه:

فرقه وهابیت بر این باور هستند که انسان بعد از مردن، درک و قدرت بر ارتباط با این عالم را ندارد؛ از این رو نمی‌تواند صدای کسی را بشنود؛ تا چه رسد به اینکه جواب دهد.

بر هیچ کس پوشیده نیست که هدف وهابیت از این سخن و اعتقاد، زیر سؤال بردن اعمال و رفتار تمام مسلمانان در زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر اولیاء و بندگان صالح خداوند است؛ به این دلیل که آن‌ها صدای ما را نمی‌شنوند و نمی‌توانند جواب دهند!

برای توضیح بیشتر لازم است به پاسخ گروه افتاء عربستان در جواب سؤالی که در این باره شده است، توجه نماییم:

سألت اللجنة الدائمة للإفتاء:

قرأت فی کتاب الحاوی للفتاوی للإمام السیوطی أن المیت یسمع کلام الناس، وثنائهم علیه، وقولهم فیہ، وكذلك یعرف من یزوره من الأحياء، وإن الموتی یتزاورون، فهل هذا حسن؟ فقد اعتمد علی بعض الأحادیث وبعض الآثار، وذلك فی ج ۲ / ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱.

از مجمع دائمی افتاء عربستان سؤال شد: در کتاب فتاوی امام سیوطی آمده است که مرده صدای مردم، مدح و ثنای مردم در باره مردگان و گفتار بازماندگان را در باره مرده‌ها، می‌شنود و هم چنین، مرده کسانی را که او را زیارت می‌کنند می‌شناسد و این که مردگان به زیارت همدیگر می‌روند. آیا این مطالب درست

است؟ سیوطی به برخی از روایات و آثار استدلال کرده است و این مطلب در جلد ۲ صفحه ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱ آمده است.

أجابت اللجنة الدائمة:

الأصل عدم سماع الأموات كلام الأحياء، إلا ما ورد فيه النص؛ لقول الله سبحانه يخاطب نبي صل الله عليه و آله «فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى (روم / ۵۲) الآية، وقوله سبحانه: « وَمَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنْ فِي الْقُبُورِ ». (فاطر / ۲۲) وبالله التوفيق وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم .

جواب گروه افتاء: اصل این است که مردگان صدای زندگان را نمی شنوند مگر در جایی که دلیل خاص وارد شده باشد دلیل ما بر نشنیدن مردگان، این آیه است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم را مخاطب قرار داده و می فرماید: «تو نمی توانی مردگان را بشنوانی»، و نیز می فرماید: «تو نمی توانی مردگان در قبرها را شنوا سازی»، و از خدا توفیق می خواهیم و درود و سلام خدا بر پیامبر ما حضرت محمد و آل و اصحابش باد. [۲]

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، عضو: عضو الرئيس

عضو: عبد الله بن قعود. عضو: عبد الله بن غديان. نائب رئيس اللجنة: عبد الرزاق عفيفي. الرئيس: عبد العزيز بن عبد الله بن باز. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع أحمد بن عبد الرزاق الدويش، ج ۹، ص ۷۸، الفتوى رقم ۹۲۱۶. با توجه به این فتاوی علمای وهابی، لازم است دیدگاه و ادله آنها را در این نوشتار در ضمن چند بخش مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

قبل از ذکر ادله و نقد آنها، به صورت اختصار به ریشه تاریخی این تفکر اشاره می‌کنیم:

### ریشه تاریخی این تفکر و هابیت

با بررسی روایات و تاریخ اسلام به این نتیجه می‌رسیم که این تفکر و هابیت ریشه در تفکر و اعمال حاکمان بنی امیه دارد و نمونه های بسیاری را می‌توان از رفتار و گفتار آنان در این باره ارائه داد.

### مروان بن حکم و منع از زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

حاکم نیشابوری و احمد بن حنبل نقل می‌کنند:

مروان بن حکم (متوفای ۶۱ هجری)، در مسجد نبوی، ابو ایوب انصاری، صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را می‌بیند که روی قبر حضرت نشسته و اظهار عشق و ارادت می‌کند، گردن او را گرفت و به او اعتراض کرد و او را از این کار باز داشت. متن گفتگوی او با این صحابه دلباخته رسول خدا صلی الله علیه و آله این است:

۸۵۷۱ حد ثنا أبو العباس محمد بن یعقوب ثنا العباس بن محمد بن حاتم الدوری ثنا أبو عامر عبد الملک بن عمر العقدی ثنا کثیر بن زید عن داود بن ابي صالح قال أقبل مروان یوما فوجد رجلا واضعا وجهه علی القبر فأخذ برقبته وقال أتدری ما تصنع قال نعم فأقبل علیه فإذا هو أبو ایوب الأنصاری رضی الله عنه فقال جئت رسول الله صلی

الله علیه وسلم ولم آت الحجر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا تبكوا على الدين إذا وليه أهله ولكن ابكوا عليه إذا وليه غير أهله هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه

داود بن ابی صالح نقل می کند که روزی مروان شخصی را دید که صورت بر قبر پیامبر گذاشته است ، گردنش را گرفت و گفت می دانی داری چه می کنی ، وقتی آمد جلوتر دید که ابویوب انصاری است ، جواب داد : بله آمدم نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم و نزد سنگ قبر نیامدم ، من از پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم شنیدم که می فرمود : بر دین گریه نکنید اگر به دست اهلیش باشد ، بر آن گریه کنید اگر به دست نا اهلان افتاد .

حاکم نیشابوری در پایان اعتراف به صحت روایت می کند:

این روایت صحیح السند است و شیخین آن را نیاوردند. [۳]

احمد بن حنبل یکی از ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت در کتاب مسند خود همین روایت را آورده است: [۴]

سمهودی از بزرگان اهل سنت نیز همین روایت را آورده و گفته که سندش حسن است :

قلت رواه أحمد بسند حسن. [۵]

حمزه الزین، محقق مشهور و معاصر اهل سنت که کتاب مسند احمد بن حنبل را تحقیق کرده است، این روایت را صحیح می داند و در ادامه کلام جالبی علیه ابن تیمیه و وهابی ها دارد که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود :



(23476) اسناد صحیح، کثیر بن زید وثقه احمد ورضیه ابن معین ووثقه ابن عمار الموصلی وابن سعد و ابن حبان، وصلحه ابو حاتم ورضیه ابن عدی لکن ضعفه النسائی ولینه ابو زرعه. وتمسک قوم بتضعیف النسائی وکلام ابی زرعه وترکوا کل هؤلاء لا لشیء الا لیضعفوا هذا الحدیث. وخطأ والحاکم والذهبی لانه صححاه فی المستدرک 515/4 علما بانهم یوثقون کثیر بن زید فی اماکن غیر هذا ومعنی ذلك ان التوثیق والاتهام یخضع للأهواء والمذاهب وهذه خیانة علمیة بحد ذاتها اما لماذا یضعفوه هنا؟ فهذه سقطه علمیة محسوبة علیهم یقولون ان فی هذا دلیل لمن یجوز التمسح بالقبور. وهل كان أبو ایوب یتمسح بقبر النبی؟ وهؤلاء عندهم عقده من أی خبر فیہ دنو من القبور وهذا اکبر دلیل علی بطلان مذهبهم، فماذا یرجى من خونه للعلم؟ ولا ندرى مذهب هؤلاء. انهم یدعون انهم حنابلہ تارہ ولا مذهبیة تارہ اخرى. فلا تبعوا الحنابلہ وقد خالفوا الذهبی وهو حنبلی ولا هم اثبتوا مذهباً واضحاً صریحاً یعرف لهم وانما فی مذهب کالحيه

سند روایت صحیح است، کثیر بن زرعه را احمد بن حنبل ثقہ دانسته است و ابن معین و ابن عدی او را قبول دارند، ابن عمار موصلی، ابن سعد، ابن حبان او را توثیق کرده اند. اما نسائی او تضعیف کرده است. و ابو زرعه او را سست می دانند و عده ای تمسک به تضعیف نسائی و ابو زرعه کردند و تمام این توثیقات را ترک کردند تا اینکه این روایات را تضعیف کنند. و قول تضعیف خطاست چونکه حاکم

و ذهبی [۶]، این روایت را صحیح‌السنند دانستند، با اینکه معلوم است اینهائی که روایت را تضعیف کردند خودشان در جاهای دیگر کثیر بن زید را توثیق کرده‌اند و معنای این کار این است که اینها بر طبق هوای نفسشان و به نفع مذهبشان توثیق و تضعیف می‌کنند و این کار در حد ذاتش خیانت علمی است، اما چرا این روایت را تضعیف کردند؟ می‌گویند که در این روایت دلیلی برای قائلین به جواز تمسح به قبور است و این سقوط علمی برای آنها محسوب می‌شود و آیا ابو ایوب انصاری خودش را به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کشید؟ اینها از هر روایتی که نزدیک شدن به قبر را ثابت کند، عقده و کینه دارند. و این روایت بزرگترین دلیل است بر بطلان مذهب آنان، و از خائنین علم‌انتظاری غیر از این نمی‌رود، مذهبشان معلوم نیست. اینها (وهابیها) گاهی می‌گویند حنبلی هستند و گاهی می‌گویند که لامذهب هستند. و اینها از حنابله پیروی نکردند و با ذهبی که حنبلی است مخالفت کردند و این طور نیستند که مذهب خاصی برای خودشان داشته باشند بلکه در مذهب مثل مار هستند. [۷]

### مرده باد گفتن حجاج بن یوسف بر زائران قبر مطهر نبوی صل الله علیه و آله

ابن ابی الحدید سنی ، اهانت حجاج بن یوسف ثقفی «متوفای ۹۵ هجری» به ساحت مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله را ذکر کرده و بزرگان اهل سنت مثل ابن عبد ربّه اندلسی ، أبو سعد منصور بن الحسین الآبی ، مبرد از پیشوایان

ادبیات عرب ، این جسارت حجاج را موجب تکفیر او توسط علماء و فقهاء اهل سنت دانسته‌اند :

حجاج بن یوسف ثقفی در ضمن خطبه‌ای در کوفه گفت:

وخطب الحجاج بالكوفه فذكر الذين يزورون قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم بالمدينه ، فقال : تبأ لهم إنما يطوفون بأعواد ورمه باليه هلا طافوا بقصر أمير المؤمنين عبد الملك ألا يعلمون أن خليفه المرء خير من رسوله .

حجاج بن یوسف ثقفی در کوفه خطبه‌ای خواند و یادی از زائران قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه کرد و گفت: مرگ بر این ها که بر اطراف استخوان های پوسیده پیامبر می چرخند - نستجیر بالله - چرا این ها نمی روند اطراف قصر عبدالملک بگردند، مگر نمی دانند که عبدالملک خلیفه خدا هست و بهتر از رسول و فرستاده خدا است. [۸]

اهانت و جسارت حجاج به مقام عظمای نبوی به حدی است که قلم از نوشتن آن شرم دارد و زبان از بیان آن خجالت می کشد. او با کمال بی شرمی، نه تنها بر زائران دلسوخته مقام نبوی مرگ باد می گوید و بدن شریفش را به استخوانهای پوسیده بی خاصیت تشبیه می کند؛ بلکه بالاتر از آن، مردم را به طواف دور خانه‌ای که از سنگ و کلوخ برای دشمن خدا و اهل بیت پیامبر و غاصب مسند خلافت رسول الله صلی الله علیه وآله ساخته شده، تشویق می کند و مقام پست او را بالاتر از مقام الهی نبوی می داند.

به خاطر همین جسارت های او است که علمای اهل سنت حجاج را کافر دانسته‌اند.

ابن عبد ربه اندلسی در عقد الفرید می نویسد که همین امر باعث تکفیر حجاج توسط علماء شده است :

ومما كُفرت به العلماء الحجاج قوله ورأى الناس يطوفون بقبر رسول الله صلى الله عليه وسلم ومنبره إنما يطوفون بأعواد ورمه.

از آن مواردی که علما حجاج را به خاطر آن کافر می دانند، سخن او وقتی دید که مردم مشغول طواف قبر و منبر پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) هستند گفت بر اطراف استخوان های پوسیده پیامبر می چرخند. [۹]

میرد ، از پیشوایان ادبیات عرب (متوفای ۲۸۶ هجری)، نیز می نویسد که همین امر باعث تکفیر حجاج توسط علماء شده است :

إنّ ذلك ممّا كُفرت به الفقهاء الحجاج ، وأنّه إنّما قال ذلك والناس يطوفون بالقبر. [۱۰]

از این رو، فقهاء حجاج را کافر می دانند، زیرا این سخن را در حالی گفت: که مردم پروانه وار دور قبر پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) می گشتند. پس منشاء این تفکر در صدر اسلام و از جانب بنی امیه و اتباعش به وجود آمده است و یک تفکر جدیدی نیست.

حال که ریشه و اساس این تفکر را دانستیم، ابتدا ادله آن ها را بررسی کرده و سپس به نقد آنها خواهیم پرداخت.

## ۱. ادله و هابیون و نقد آنها

در قسمت نخست، ادله قرآنی و هابیون را ذکر و سپس به نقد استدلال آنها می‌پردازیم:

### بررسی ادله این نظریه

قائلین به این نظریه، به آیات ذیل از قرآن استدلال کرده اند:

«فَأَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (روم/۵۲)

تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می‌گردانند برسانی.

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَالْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ».

(فاطر/۲۲)

و زندگان و مردگان برابر نیستند. خدا هر که را خواهد می‌شنواند. و تو نمی‌توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته‌اند برسانی.

### عائشه و استدلال به این آیه و سپس رجوع از نظر خویش

به نقل علمای اهل سنت، عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، به این آیه بر نشنیدن مردگان استدلال می‌کند:

و احتجاج عائشه رضی الله عنها بقوله تعالى: وما أنت بمسمع من في القبور

احتجاج عایشه رضی الله عنها به قول خداوند متعال : و تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند برسانی . [۱۱]

اما ابن حجر عسقلانی در فتح الباری می نویسد که عایشه از این نظر برگشته است :

فكأنها رجعت عن الإنكار لما ثبت عندها من رواية هؤلاء الصحابة لكونها لم تشهد القصة.

عایشه از نظریه اش که انکار شنیدن مردگان بود، برگشت بخاطر روایاتی که از صحابه در نزد عایشه ثابت شد؛ چونکه خودش در آن قضایا حاضر نبود [۱۲].

حتی اگر از این نظر نیز برگشته باشد ، علمای اهل سنت استدلال وی را به این آیات مردود می دانند .

تمیمی حنبلی می نویسد:

وقد رأيتهُ أخرج عن صحابيين جليلين ، هما ابن عمر ، وأبو طلحة النبي صلى الله عليه وسلم بأن أولئك الموتى يسمعون ما يقول لهم ، ورد عائشة لرواية ابن عمر بما فهمت من القرآن مردود كما سترى إيضاحه إن شاء الله تعالى .

و به تحقیق که بخاری از صحابه جلیل القدری مثل ابن عمر و ابوطلحه روایت نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمودند : آن مردگان (کشتگان بدر) کلام من را می شنوند ، و عایشه که روایت ابن عمر را رد کرده است به خاطر فهمش از قرآن بوده است و نظر او مردود است همانگونه که توضیح آن را خواهید دید . [۱۳]

جکنی شنیطی می نویسد:

تصریح النبی صلی الله علیه وسلم بأن أولئك الموتی یسمعون ما یقول لهم ، وردّ عائشہ لروایة ابن عمر بما فهمت من القرءان مردود ، کم ستری ایضاحه إن شاء الله تعالی

و تصریح رسول خدا (ص) به اینکه آن مردگان (کشتگان بدر) کلام من را می شنوند ، و عایشه که روایت ابن عمر را رد کرده است به خاطر فهمش از قرآن بوده است و نظر او مردود است همانگونه که توضیحش را خواهید دید [۱۴].

### پاسخ علمای اهل سنت از این آیات :

علمای اهل سنت از آیات مورد استدلال و هابیون، پاسخ های متعددی را ارائه کردند که در این قسمت به آنها اشاره می کنیم:

#### أ. هیچ یک از آیات قرآن صراحت در نشنیدن مردگان ندارد

حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر می نویسد:

وأنه لیس فی القرآن ما ینفی السماع الثابت للموتی فی الأحادیث الصحیحة .  
وإذا علمت به أن القرآن لیس فیہ ما ینفی السماع المذكور ، علمت أنه ثابت بالنص الصحیح ، من غیر معارض.

وبه تحقیق که در قرآن مطلبی که معارض باشد، با شنیدن مردگان که با احادیث صحیح ثابت شده است وجود ندارد ، و اگر دانستی که در قرآن آیه

ای نیست که با شنیدن مردگان منافات داشته باشد ، می‌دانید که شنیدن مردگان ثابت است با روایات صحیح بدون معارض . [۱۵]

### ب. مراد عدم قدرت زندگان بر شنوا ساختن مردگان به صورت استقلالی است ، و نه با واسطه قدرت خدا

علامه اهل سنت آلوسی می‌نویسد:

«وما أنت بمسمع من فی القبور» ترشیح لتمثیل المصرین علی الکفر بالأموات وأشباع فی إقناطه علیه الصلاة والسلام من إيمانهم والباء مزیده للتأکید ای وما أنت مسمع والمراد بالسمع هنا ما أريد به فی سابقه ولا یأبی إرادة السماع المعروف ماورد فی حدیث القلب لأن المراد نفی الأسماع بطریق العادة وما فی الحدیث من باب «وما رمیت إذ رمیت ولكن الله رمی» وإلی هذا ذهب البعض وقد مر الکلام فی ذلك فلا تغفل.

و آیه : تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی ، شرح می‌دهد مثال آوردن اصرارکنندگان بر کفر به مردگان و مبالغه در ناامیدی حضرت از ایمان آوردنشان و حرف باء (در بمسمع) زانده است برای تأکید یعنی تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و منظور از اسماع در اینجا آن معنای گذشته است و سماع نشنیدن معروف را رد نمی‌کند آن سماعی که در حدیث چاه بدر آمده است چون مراد از نفی سماع، نفی عادی و استقلالی آن است و حدیث از باب ، تو تیر نانداختی و خدا تیر انداخت ، و مثل این ، و بعضی قائل به آن شدند و کلام در این باره گذشت پس غفلت نکن . [۱۶]



## توضیح استدلال :

آیات فراوانی در قرآن کریم به این صورت آمده است که به مردم نشان دهد تنها خداوند مسبب الاسباب است .

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرَثُونَ <sup>۱۰۰</sup> أَلَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ. (الواقعه ۶۳/۶۴)

و آیا آنچه را کشت می کنید ملاحظه کرده اید؟! آیا شما آن را زراعت می کنید یا ما زراعت کننده ایم؟!

در این آیات، زراعت به خداوند متعال نسبت داده شده است و حال آنکه بر همه واضح است که کشاورز زراعت می کند ، پس چرا در این آیه زراعت به خداوند نسبت داده شده است؟ جواب این است که خداوند متعال می خواهد به همه بفهماند که مسبب اصلی خداست ، اوست که قدرت را به کشاورز می دهد .

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (الانفال/۱۷)

شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آنها را می کشت. و آن گاه که تیر می انداختی، تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت، تا به مؤمنان نعمتی کرامند ارزانی دارد. هرآینه خدا شنوا و داناست. (انفال/۱۷)

خداوند متعال در این آیات کشتن کافران و حتی تیر انداختن به طرف کفار را به خودش نسبت می دهد و حال اینکه واضح است که مسلمانان تیر می انداختند و کافران را می کشتند ، پس دلیل اینکه خداوند متعال این کار را

به خود نسبت می‌دهد این است که مسبب الاسباب و کسی که قدرت را به مسلمانان داده است خداست .

نمونه‌های زیادی از این قبیل در قرآن کریم وجود دارد ، در آیه (انک لا تسمع الموتی) یعنی اینکه تو بدون اجازه خداوند متعال و قدرت خداوند متعال نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و این دلیل بر نشنیدن مردگان نمی‌شود.

### ج. مردگان می‌شنوند ولی شنیدن سودی به حال مردگان ندارد

ابن عابدین از بزرگان اهل سنت می‌گوید: تشبیه کفار به مردگان در این آیات به این دلیل است که شنیدن سودی به آنان نمی‌رساند نه اینکه مردگان صدا را نمی‌شنوند:

ابن حجر از بزرگان اهل سنت می‌نویسد: منظور این است که سخن تو فایده‌ای برای مردگان نمی‌رساند؛ نه این که آنها نمی‌شنوند:

وَأَمَّا اسْتِدْلَالُهَا بِقَوْلِهِ تَعَالَى: فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى (الروم/۵۲). فقَالُوا: معانها لا تسمعهم سماعاً ينفعهم أو لا تسمعهم إلا أن يشاء الله.

و اما استدلال عایشه به فرمایش خداوند که فرموده: ( تو نمی‌توانی سخنت را به مردگان برسانی ) (روم/۵۲)، علما گفته اند: منظور این است که سخن تو فایده‌ای برای مردگان نمی‌رساند، یا نمی‌توانی سخنت را به آنها برسانی مگر

اینکه خدا بخواهد. [۱۷]

## د. مردگان می شنوند ولی سودی از امر و نهی پیامبر صل الله علیه و آله نمی برند

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می نویسد: منظور از شنیدن در این آیات شنیدن است که امثال به دنبال داشته باشد نه مطلق شنیدن ، پس این دلیل بر مدعای منکرین شنیدن مردگان نمی شود:

فإن المراد بذلك سمع القبول والامثال فان الله جعل الكافر كالميت الذي لا يستجيب لمن دعاه وكالبهائم التي تسمع الصوت ولا تَفْقَهُ المعنى فالميت وان سمع الكلام وفقه المعنى فإنه لا يمكنه إجابة الداعي ولا امثال ما أمر به ونُهي عنه فلا ينتفع بالأمر والنهي وكذلك الكافر لا ينتفع بالأمر والنهي وان مع الخطاب وفهم المعنى كما قال تعالى {ولو علم الله خيرا لأسمعهم} وأما رؤية الميت فقد روى في ذلك آثار عن عائشة وغيرها.

پس منظور از نفی شنیدن برای مردگان ، شنیدن است که امثال به دنبال داشته باشد ، خداوند در این آیه کافر را همانند مرده قرار داده است که به کسی که او را می خواند نمی تواند جواب دهد و همانند چهارپایان که سخن را می شنوند ولی معنی آن را نمی فهمند ، پس مرده اگر چه سخن را می شنود و معنی آن را می فهمد ولی نمی تواند جواب دهد و امر و نهی را امثال کند ، پس امر و نهی سودی به حال او نمی رساند ، همانگونه که کافر از امر و نهی فایده ای نمی برد اگر چه سخن را می شنوند و معنی آن را می فهمند ، همانطور که خداوند می فرماید : ( و اگر خدا خیری در آنان می یافت سخنش را به آنها

می‌رساند) و اما در مورد دیدن مردگان روایاتی از عایشه و دیگران وجود دارد [۱۸].

### ۵. بعضی از مردگان نمی‌شنوند و بعضی دیگر می‌شنوند:

ابن قتیبه از بزرگان اهل سنت می‌نویسد که این دو آیه دلالت بر عدم شنیدن همه مردگان نمی‌کند؛ چون منظور از مردگان در اینجا جاهلان و کفار از مردگان است:

وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى (الروم/۵۲). وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ، (فاطر/۲۲). فليس من هذا في شيء؛ لأنه أراد بالموتى ههنا الجهال، وهم أيضاً أهل القبور يريد إنك لا تقدر على إفهام من جعله الله تعالى جاهلاً ولا تقدر على إسماع من جعله الله تعالى أصم عن الهدى.

وفى صدر هذه الآيات دليل على ما نقول، لأنه قال: وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (فاطر/۱۹) يريد بالاعمى: الكافر، وبالبصير المؤمن.

(وَلَا الظُّلْمَتُ وَلَا النُّورُ). (فاطر/۲۰). يعنى بالظلمات: الكفر، وبالنور: الايمان.

(وَلَا الظِّلُّ وَلَا الحَرُّورُ). (فاطر/۲۱). يعنى بالظل: الجنة، وبالحرور: النار.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ يعنى بالآحياء: العقلاء، وبالاموات: الجهلاء.

ثم قال: إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ. (فاطر/۲۲)

يعنى: إنك لا تسمع الجهلاء الذين كأنهم موتى فى القبور، ومثل هذا كثير فى القرآن، ولم يرد بالموتى الذين ضربهم مثلاً للجهلاء شهداء بدر، فيحتج بهم علينا، أولئك عنده أحياء كما قال الله عزوجل.

و اما فرمایش خداوند متعال که فرمود: (تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی می گردانند برسانی). (روم/۵۲) و (تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند برسانی). (فاطر/۲۲)، دلیلی بر مدعای اینها نمی شود، چون منظور از مردگان در در اینجا جاهلان است، و این جاهلان نیز اهل قبور هستند، منظور این است که تو نمی توانی کسی که خداوند او را جاهل قرار داده را بفهمانی و صدایت را نمی توانی به کسی که خداوند او را کر نسبت به هدایت قرار داده است برسانی، و در صدر این آیات دلیلی بر قول ما است، چون خداوند فرمود: (نابینا و بینا برابر نیستند)، (فاطر/۱۹) منظور از ناب ینا: کافر و منظور از بینا: مؤمن است، (و نه تاریکی و روشنی)، (فاطر/۲۰) منظور از تاریکی: کفر و منظور از نور: ایمان است، (و نه سایه و حرارت آفتاب) (فاطر/۲۱) منظور از سایه: بهشت و منظور از حرارت آفتاب: جهنم است، (و زندگان و مردگان برابر نیستند) منظور از زندگان: صاحبان خرد و منظور از مردگان: جاهلان است. سپس فرمود: (و زندگان و مردگان برابر نیستند. خدا هر که را خواهد می شنواند. و تو نمی توانی سخن خود را به مردگانی که در گور خفته اند بشنوانی) (فاطر/۲۲) منظور این است که تو نمی توانی سخن خود را به جاهلانی که مانند مردگان در قبر هستند برسانی، و مانند این در آیات قرآن بسیار است، و منظور از مردگانی که مثال آورده آنها را برای جاهلان، شهدای بدر نیست تا اینکه بوسیله آن بر علیه ما استدلال شود چون شهداء

زنده هستند و نزد خدا روزی می خورند، همانگونه که خداوند فرموده است .

[۱۹]

نتیجه :

به اقرار علمای اهل سنت، این آیات به هیچ وجه نمی تواند کلام وهابیون را در باره این که «مردگان مطلقا نمی شنوند»، تایید کنند.

## ۲. مردگان علاوه بر قدرت شنیدن، پاسخ زندگان را نیز داده‌اند

مطلب مهم در این بحث این است که از دیدگاه آیات و روایات، مردگان علاوه بر این که قدرت بر شنیدن دارند، پاسخ سخنان زندگان زائر را نیز می‌دهند.

### الف: دلیل قرآنی

از دیدگاه قرآن، آیه ذیل، ناب‌ترین دلیل بر اثبات مطلب فوق است:

وَسْئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ.  
زخرف/۴۵

از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده‌ایم پرس: آیا جز خدای رحمان، خدایان دیگری را برای پرستش آنها قرار داده بودیم؟

در نگاهی که مفسران اهل سنت به تفسیر این آیه دارند ثابت می‌شود که پیامبرانی که از دنیا رفته‌اند صدا را می‌شنوند و می‌توانند پاسخ دهند.

قرطبی امام اهل سنت در تفسیرش داستان سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله را از محضر پیامبران در شب معراج و پاسخ آنان را با آوردن روایات نقل کرده و در پایان، این تفسیر را صحیح می‌داند:

قال بن عباس وبن زید: لما أسرى برسول الله صلى الله عليه وسلم من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى وهو مسجد بيت المقدس بعث الله له آدم ومن ولد من المرسلين وجبريل مع النبي صلى الله عليه وسلم فأذن جبريل صلى الله عليه وسلم ثم أقام الصلاة ثم قال: يا محمد تقدم فصل بهم فلما فرغ رسول الله

صلى الله عليه وسلم قال له جبريل صلى الله عليه وسلم : «سل يا محمد من أرسلنا من قبلك من رسلنا أجمعنا من دون الرحمن آلهة يعبدون فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : لا أسأل قد اكتفيت». قال بن عباس : وكانوا سبعين نبيا منهم إبراهيم وموسى وعيسى عليهم السلام فلم يسألهم لأنه كان أعلم بالله منهم في غير رواية عن بن عباس : فصلوا خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم سبعة صفوف المرسلون ثلاثة صفوف والنبيون أربعة وكان يلي ظهر رسول الله صلى الله عليه وسلم إبراهيم خليل الله وعلى يمينه إسماعيل وعلى يساره إسحاق ثم موسى ثم سائر المرسلين فأمهم ركعتين فلما انفتل قام فقال : إن ربي أوحى إلي أن أسألكم هل أرسل أحد منكم يدعو إلى عبادة غير الله فقالوا : يا محمد إنا نشهد إنا أرسلنا أجمعين بدعوة واحدة أن لا إله إلا الله وأن ما يعبدون من دونه باطل وإنك خاتم النبيين وسيد المرسلين قد استبان ذلك لنا بإمامتك إيانا وأن لا نبي بعدك إلى يوم القيامة إلا عيسى بن مريم فإنه مأمور أن يتبع أثرك وقال سعيد بن جبير في قوله تعالى : وأسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا قال : لقي الرسل ليلة أسرى به وقال الوليد بن مسلم في قوله تعالى : وأسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا قال : سألت عن ذلك خليل بن دعلج فحدثني عن قتادة قال : سألهم ليلة أسرى به لقي الأنبياء ولقي آدم ومالك خازن النار. قلت : هذا هو الصحيح في تفسير هذه الآية.

ابن عباس از زيد نقل می کند : در شب معراج وقتی پیامبر از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی (بیت المقدس) سیر داده شد ، خداوند حضرت آدم و بقیه پیامبران را فرستاد و جبرئیل همراه پیامبر بود ، پس جبرئیل اذان داد ، سپس به



من گفت ای محمد بیا جلو و امام جماعت باش ، بعد از نماز جبرئیل گفت: از پیامبران گذشته سؤال کن آیا غیر از خداوند الهی قرار دادیم که او را عبادت کنند پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: سؤال نمی کنم به تحقیق که من به حد کفایت دانستم ، ابن عباس می گوی: هفتاد پیامبر در آن جا بودند، از جمله ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام که پیامبر از آنها سؤال نکرد چونکه خودش علمش نسبت به خداوند از آنها بیشتر بود.

در روایتی دیگر از ابن عباس: هفت صف از پیامبران پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز خواندند، سه صف مرسلین و چهار صف نبیین و پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم ابراهیم خلیل الله و اسماعیل طرف راست و اسحاق طرف چپ ، سپس موسی و بقیه پیامبران پش سر حضرت ایستاده بودند ، پس دو رکعت به امامت رسول الله صلی الله علیه وسلم خواندند ، بعد از تمام شدن نماز حضرت فرمود : خداوند به من وحی کرد که آیا کسی از شما برای دعوت به غیر خدا فرستاده شده است ، پس همگی گفتند : ای محمد ما شهادت می دهیم که همگی برای دعوت به یک چیز فرستاده شدیم و آن کلمه ( لا اله الا الله ) هیچ معبودی جز الله نیست و هر معبودی جز او باطل است و تو خاتم انبیاء و سرور مرسلین هستی و این با امامت تو بر ما روشن شد و هیچ پیامبری بعد از تو تا روز قیامت نیست مگر عیسی بن مریم که مأمور است که از دین تو پیروی کند.

سعید بن جبیر در مورد این آیه: از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده ایم پیرس، می گوید : پیامبر شب معراج با پیامبران ملاقات کرد و ولید بن مسلم در مورد

این آیه می گوید: از خلید بن دعلج در مورد این آیه پرسیدم ، پس از قتاده برای من چنین نقل کرد: که شب معراج پیامبر با انبیاء ملاقات کرد، با حضرت آدم و مالک خزائن آتش ملاقات کرد .

نظر من این است که تفسیر صحیح این آیه همین است که ما ذکر کردیم [۲۰].

علمای دیگر نیز روایت ملاقات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با پیامبران گذشته در شب معراج و سؤال کردن از آنها را آوردند.[۲۱]  
نتیجه:

خداوند متعال به پیامبر خود دستور می دهد که از پیامبران گذشته سؤال کرد، در نتیجه اگر کسی بگوید که پیامبران گذشته از این دنیا که رفتند دیگر صدای ما را نمی شنوند باید ملتزم به این باشد که خداوند متعال دستور به یک کار بیهوده ای داده است و خداوند حکیم پاک و منزّه است از اینکه دستور به کار بیهوده دهد.

### ب: ادله روایی

روایات ذیل نیز در منابع اهل سنت، دلیل بر اثبات مطلب فوق است.  
شهدای احد از درون قبر جواب سلام دادند و زائر قبر صدا را شنید.  
بیهقی از علمای بزرگ اهل سنت می نویسد که زائران قبور شهدای احد سلام شهدا را از درون قبر شنیدند.

قال العطف وحدثنی خالتی أنها زارت قبور الشهداء قالت و لیس معی إلا غلامان یحفظان علی الدابة فسلمت علیهم فسمعت رد السلام وقالوا والله إنا

نعر فکم كما يعرف بعضنا بعضا قالت فاقشعررت وقلت يا غلام أذننى بغلتى فرکت.

عطاف می گوید خاله ام به من گفت که روزی به زیارت قبر شهدای احد رفتم و فقط دو غلامی که مرکب من را محافظت می کردند همراه من بودند ، پس بر قبر شهدا سلام کردم و جواب سلامشان را شنیدم و گفتند که ما شما را می شناسیم همانگونه که همدیگر را می شناسیم، گفت: پس مدهوش شدم و گفتم غلام قاطر من را بیار، پس سوار شدم.  
در صفحه دیگر کتاب آورده :

قال الواقدي وكانت فاطمة الخزاعية تقول لقد رأيتني وقد غابت الشمس بقبور الشهداء ومعى أختي فقلت لها تعالی نسلم على قبر حمزة فقالت نعم فوقفنا على قبره فقلنا السلام عليك يا عم رسول الله فسمعنا كلاما رد علينا وعليكم السلام ورحمة الله قالت وما قربنا أحد من الناس ....

أخبرنا أبو عبد الله الحافظ قال سمعت أبا يعلى حمزة بن محمد العلوى يقول سمعت هاشم بن محمد العمرى من ولد عمر بن على يقول أخذنى أبى بالمدينة إلى زيارة قبور الشهداء فى يوم جمعة بين طلوع الفجر والشمس وكنت أمشى خلفه فلما انتهى إلى المقابر رفع صوته فقال سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار قال فأجيب وعليك السلام يا أبا عبد الله قال فالتفت أبى إلى فقال أنت المجيب يا بنى فقلت لا قال فأخذ بيدي فجعلنى عن يمينه ثم أعاد السلام عليهم ثم جعل كلما سلم عليهم يرد عليه حتى فعل ذلك ثلاث مرات قال فخر أبى ساجدا شكرا لله عز وجل.

واقدی می گوید فاطمه خزاعیه می گفت که در کنار قبور شهدای احد بودم که خورشید غروب کرد و یکی از خواهرانم همراهم بود پس به او گفتم بیا به قبر حضرت حمزه سلام کنیم ، کنار قبر ایستادیم و گفتیم سلام بر تو ای عموی رسول خدا ، پس صدائی شنیدیم که جواب ما را داد و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته ....

عمر بن علی می گوید روز جمعه بین طوع فجر و طلوع خورشید پدرم من را به زیارت قبر شهدای احد برد و من پشت سر او راه می رفتم ، پدرم رو به شهدا گفت سلام بر شما بهترین جایگاه برای شماست بخاطر صبری که کردید ، پس جواب آمد علیک السلام ای ابا عبد الله ، پدرم رو به من کرد و گفت تو جواب دادی پسرم ، گفتم خیر ، پدرم دستم را گرفت و من را طرف راست خود قرار داد سپس دوباره به شهدا سلام کرد پس هر وقت سلام می کرد جواب سلامش را می دادند تا سه مرتبه این کار را تکرار شد سپس پدرم سجده شکر کرد. [۲۲]

سیوطی نیز تصریح می کند که روایت فوق را ابن جریر در تهذیب الآثار، ابن ابی الدنيا در «من عاش بعد الموت» و بیهقی در «دلائل النبوة» آورده اند:

۳۹ وأخرج ابن جریر فی تهذیب الآثار و ابن أبی الدنيا فی کتاب من عاش بعد الموت والبیهقی فی الدلائل عن العطف بن خالد قال حدثتني خالتي قالت رکت یوما إلى قبور الشهداء وکانت لا تزال تأتيهم قالت فنزلت عند قبر حمزة رضی الله عنه فضلیت عنده وما فی الوادی داع ولا مجیب فلما فرغت من صلاتی قلت السلام علیکم فسمعت رد السلام علی یخرج من تحت الأرض

أعرفه كما أعرف أن الله خلقتني و كما أعرف الليل والنهار فاقشعرت كل شعرة مني. [۲۳]

از آنجایی که این بزرگان اهل سنت، روایت فوق را در کتاب‌های معتبرشان نقل کرده‌اند، روشن می‌شود که روایت از نظر آنها معتبر و قابل استدلال است.

در نتیجه، از دیدگاه آیات و روایات، مردگان هم قدرت بر شنیدن دارد و هم می‌توانند پاسخ بدهند.

### ۳. ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و شنیدن و دیدن عالم

#### مادی:

مطلب دیگری که باید در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد، نقل ادله آگاهی مردگان به احوال زندگان و دیدن و شنیدن آنها است. این مطلب در آیات قرآن و روایات فراوان آمده است که در این قسمت به آن اشاره می‌کنیم:

#### ۱: ادله قرآنی

#### ۱. دیدار رسول خدا صل الله علیه و آله با حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ. (السجده/۲۳)

هرآینه به موسی کتاب دادیم پس از دیدار کردن با او در تردید مباش. و آن کتاب را هدایت‌گر بنی اسرائیل قرار دادیم.

خداوند متعال وعده دیدار با حضرت موسی را به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم داده است. مفسرین بزرگ اهل سنت می‌گویند این دیدار در دنیا بعد از رحلت حضرت موسی بوده است، پس حضرت موسی بعد از مردن حیات دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان ملاقات می‌کند و صحبت می‌کند.

بخاری در صحیح خودش می نویسد این دیدار رسول خدا با حضرت موسی و

نیز با حضرت عیسی علیهم السلام در شب معراج صورت گرفته است:

۳۰۶۷ حدثنا محمد بن بشار حدثنا عندر حدثنا شعبه عن قتادة وقال لي خليفه حدثنا يزيد بن زريع حدثنا سعيد عن قتادة عن أبي العالیه حدثنا بن عم نبيكم يعني بن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال رأيت ليلة أسرى بي موسى رجلاً آدم طوالاً جعداً كأنه من رجال شنوءة ورأيت عيسى رجلاً مربوعاً مربوع الخلق إلى الحمرة والبياض سبط الرأس ورأيت مالكا خازن النار والدجال في آيات أراهن الله إياه (فلا تكن في مرية من لقائه) قال أنس و أبو بكره عن النبي صلى الله عليه وسلم تحرس الملائكة المدينة من الدجال.

به نقل از ابن عباس از رسول الله صلی الله علیه و سلم که فرمودند: در شب معراج موسی را دیدم که قدش بلند و سبزه مثل مردان قبیله شنوءه بود و عیسی را دیدم که قد متناسب و سرخ و سفید بود و مالک خازن آتش و دجال را دیدم، در آیاتی که خداوند به پیامبرش نشان داد، پس از دیدار او در تردید مباش، انس و ابوبکره از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل کردند که فرشته‌ها مدینه را از شر دجال محافظت می کنند. [۲۴]

مسلم نیشابوری نیز در صحیحش همین روایت را آورده است:

۱۶۵ وحدثنا عبد بن حميد أخبرنا يونس بن محمد حدثنا شيان بن عبد الرحمن عن قتادة عن أبي العالیه حدثنا بن عم نبيكم صلى الله عليه وسلم يعني بن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مررت ليلة أسرى بي على موسى بن عمران عليه السلام رجلاً آدم طوالاً جعداً كأنه من رجال شنوءة ورأيت

عِيسَىٰ بن مَرِيَمَ مَرُوعَ الْخَلْقِ إِلَى الْحُمْرَةِ وَالْبِيَاضِ سَبَطَ الرَّأْسِ وَأَرَىٰ مَالِكًا خَازِنَ النَّارِ وَاللَّجَّالَ فِي آيَاتٍ أَرَاهُنَّ اللَّهُ إِيَّاهُ «فَلَا تَكُنْ فِي مَرِيئِهِ مِنْ لِقَائِهِ» قَالَ كَانَ قَتَادَةُ يُفَسِّرُهَا أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَد لَقِيَ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به نقل از ابن عباس از رسول الله صلی الله علیه و سلم که فرمودند: در شب معراج موسی را دیدم که قدش بلند و سبزه مثل مردان قبيله شنوءه بود و عیسی را دیدم که قد متناسب و سرخ و سفید بود و مالک خازن آتش و دجال را دیدم ، در آياتی که خداوند به پیامبرش نشان داد ، پس از دیدار او در تردید مباش ، ( قتاده اینگونه این آیه را تفسیر می کرد که پیامبر صلی الله علیه و سلم با موسی ملاقات کرد) [۲۵]

معظم مفسرین نیز این آیه را اینگونه تفسیر کرده اند و ما با ذکر روایت صحیح بخاری و مسلم که از اصح الکتب نزد اهل سنت است، احتیاجی به ذکر بقیه کتب نمی بینیم .

## ۲. خداوند، رسول خدا و مردگان اعمال زندگان را می بینند :

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (التوبة/۱۰۵)

بگو: عمل کنید ، که خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما به نزد دانای نهران و آشکارا باز گردانده می شوید و او از اعمالتان آگاهتان خواهد کرد.



در این آیه خداوند متعال می فرماید: پیامبر و مؤمنین اعمال ما را می بینند و این نشان می دهد که پیامبر بعد از رحلتش حیات دارد که می تواند اعمال را ببیند. با رجوع به روایات این مطلب روشن می شود .

روایت اول؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اعمال بندگان را می بیند: هیشمی از علمای بزرگ اهل سنت روایت عرضه شدن اعمال امت بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از وفات حضرت را آورده و می گوید که روایت صحیح است:

- باب ما يحصل لأمته صلی الله علیه وسلم من استغفاره بعد وفاته  
 عن عبدالله بن مسعود عن النبی صلی الله علیه وسلم قال إن لله ملائكة سياحين يبلغون عن أمتی السلام قال وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم حیاتی خیر لکم تحدثون وتحدث لکم ووفاتی خیر لکم تعرض علی أعمالکم فما رأیت من خیر حمدت الله علیه وما رأیت من شر استغفرت الله لکم.  
 رواه البزار ورجاله رجال الصحیح.

باب استغفار پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وفاتش برای امت خود:  
 به نقل از عبدالله بن مسعود به نقل از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم که فرمودند خداوند فرشته هائی دارد که سلام امت من را به من می رسانند و نیز فرمودند: زنده بودن من برای شما سود دارد با من حرف می زنید من هم با شما حرف می زنم و وفاتم نیز برای شما سود دارد کردار شما بر من عرضه می شود پس هر وقت کار خیری از شما بینم خدا را شکر می کنم و هر وقت کار شر از شما دیدم برای شما استغفار می کنم .

البزار این را روایت کرده و راویان روایت همه راویان صحیح بخاری هستند  
(پس روایت صحیح است) [۲۶]

روایت دوم؛ مؤمنین هم بعد از مرگ اعمال مردم را می بینند و حیات دارند و  
صداها را می شنوند :

امام اهل سنت احمد بن حنبل در مسندش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم  
روایت آورده که اعمال مردم بر نزدیکانشان که از دنیا رفته اند عرضه می شود:  
حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ حَدَّثَنِي أَبِي ثنا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ثنا سُفْيَانُ عَمَّنْ سَمِعَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ  
يَقُولُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ أَقَارِبِكُمْ  
وَعَشَائِرِكُمْ مِنَ الْأَمْوَاتِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا اسْتَبَشَرُوا بِهِ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ قَالُوا  
اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّهِمْ حَتَّى تَهْدِيَهُمْ كَمَا هَدَيْتَنَا.

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: اعمال شما بر نزدیکانتان که از دنیا رفتند  
عرضه می شود، اگر اعمال شما خیر باشد خوشحال می شوند، و اگر اعمالتان  
خیر نبود، می گویند خدایا آنها را نمیران تا اینکه هدایتشان کنی همانگونه که  
ما را هدایت کردی. [۲۷]

دیگر بزرگان اهل سنت همین روایت را آوردند [۲۸]  
ابو داود در کتاب «الزهد» روایت دیگری را با سندی که همه رجال آن موثق  
هستند نقل کرده و در آن تصریح شده است که اعمال بندگان بر عشیره و  
اقوام شان عرض می شود، آنها از اعمال صالح شاد و از اعمال زشت ناراحت  
می شوند:

حدثنا ابو داود قال: نا مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: نا ابْنُ الْمُبَارَكِ، قَالَ: انا صَفْوَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ نُفَيْرٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: أَلَا إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَى عَشَائِرِكُمْ، فَمُسَاءُونَ وَمُسْرُونَ، فَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَعْمَلَ عَمَلًا يَخْرَى بِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ وَهُوَ اخُوهُ مِنْ امَةِ. [۲۹]

این روایت در کتاب «المنامات» نیز آمده است. [۳۰]

حاکم در مستدرک روایتی دیگری را نقل کرده که اعمال ما بر اهل قبور عرضه می شود و در پایان به صحت روایت تصریح می کند:

أخبرنا أبو النضر الفقيه وإبراهيم بن إسماعيل القارئ قالاً ثنا عثمان بن سعيد الدارمي ثنا يحيى بن صالح الوحاظي ثنا أبو إسماعيل السكوني قال سمعت مالک بن أدي يقول سمعت النعمان بن بشير رضي الله عنهما يقول وهو على المنبر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ألا إنه لم يبق من الدنيا إلا مثل الذباب تمور في جوها فالله الله في إخوانكم من أهل القبور فإن أعمالكم تعرض عليهم .

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه .

نعمان بن بشیر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وسم شنیدم که فرمود: .... خدا را خدا را در باره اهل از برادران تان؛ چرا که اعمال شما بر آنها عرضه می شود.

این روایت صحیح است و لی مسلم و بخاری آن را نیاورده اند. [۳۱]

## ب: ادله روایی

## ۱. سخن گفتن پیامبر (ص) با کشتگان بدر:

بخاری در سه جای صحیحش آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشتگان بدر سخن گفت و عمر بن الخطاب به حضرت اعتراض کرد: حدثنی عبد الله بن مُحَمَّدٍ سمع رَوْحَ بنِ عُبَادَةَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بنِ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ قَالَ ذَكَرْنَا لَنَا أَنَسُ بنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ يَوْمَ بَدْرٍ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْ صَنَادِيدِ قُرَيْشٍ فَقَدَّفُوا فِي طَوِيٍّ مِنْ أَطْوَاءِ بَدْرٍ حَيْثُ مُخِبَّتْ وَكَانَ إِذَا ظَهَرَ عَلَى قَوْمٍ أَقَامَ بِالْعَرَصَةِ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَلَمَّا كَانَ يَبْدُرُ الْيَوْمَ الثَّلَاثِ أَمَرَ بِرَأْحَلَتِهِ فَشَدَّ عَلَيْهَا رَحْلَهَا ثُمَّ مَشَى وَاتَّبَعَهُ أَصْحَابُهُ وَقَالُوا مَا نُرَى يَنْطَلِقُ إِلَّا لِبَعْضِ حَاجَتِهِ حَتَّى قَامَ عَلَى شَفَةِ الرَّكِيِّ فَجَعَلَ يَنَادِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ يَا فُلَانُ بنِ فُلَانٍ وَيَا فُلَانُ بنِ فُلَانٍ أَيْسَرُكُمْ أَنْتُمْ أَطَعْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالَ فَقَالَ عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَكَلَّمُ مِنْ أَجْسَادٍ لَّا أَرْوَاحَ لَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ قَالَ قَتَادَةُ أَحْيَاهُمْ اللَّهُ حَتَّى أَسْمَعَهُمْ قَوْلَهُ تَوْبِيحًا وَتَضَعِيرًا وَنَقْمَةً وَحَسْرَةً وَنَدَمًا.

به نقل از ابی طلحه ، پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور داد که بیست و چهار نفر از بزرگان قریش را در چاله ای از چاله های بدر که خیلی کثیف و آلوده بود انداختند.... پیامبر صلی الله علیه و سلم در کنار آن چاله ای ایستاد و آن کشته ها را با اسم خودشان و پدرانشان صدا زد .... ما آنچه که پروردگاران

وعده کرده بود را حق یافتیم آیا شما وعده پروردگارتان را حق یافتید پس عمر گفت ای فرستاده خدا چرا با جسدهائی حرف می‌زنی که روح ندارند پس پیامبر صلی الله علیه وسلم جواب دادند: قسم به خدائی که جان من محمد در دست اوست شما شنوا به آنچه می‌گویم از آنها نیستید قتاده گفت خداوند آنها را زنده کرد تا قول پیامبر را بشنوند برای خوار کردن و توبیخ کردن و حسرت خوردن آنها بود. [۳۲]

مسلم نیشابوری در صحیح خود روایت حرف زدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشته‌های بدر و اعتراض عمر و جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنها شنواتر از شما هستند، را آورده است. [۳۳]

پس واضح است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کشتگان بدر صحبت کرده و عمر اعتراض کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب داد که آنها از شما شنواتر هستند، طبق این روایت ثابت می‌شود که مردگان می‌شنوند همانگونه که علمای اهل سنت به این روایت بر شنیدن مردگان استناد کردند.

*استدلال محمد بن عبد الوهاب به این روایت برای شنیدن مردگان:*

حتی ابن عبد الوهاب امام وهابیت به این روایت و روایت‌های دیگر بر شنیدن مردگان استدلال می‌کند:

أخرج أحمد وغيره عن أبي سعيد أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: إن الميت يعرف من يغسله ويحمله ومن يكفنه ومن يدليه في حفرة.

وَأَخْرَجَ أَبُو نَعِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ قَالَ : مَا مِنْ مَيِّتٍ يَمُوتُ إِلَّا رُوحُهُ فِي يَدِ مَلِكِ الْمَوْتِ يَنْظُرُ إِلَى جَسَدِهِ ، كَيْفَ يَغْسِلُ ، وَكَيْ فَيَكْفِنُ ، وَكَيْفَ يَمْشِي بِهِ ، وَيُقَالُ لَهُ وَهُوَ عَلَى سَرِيرِهِ : اسْمِعْ ثَنَاءَ النَّاسِ عَلَيْكَ .

وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي الدُّنْيَا مَعْنَاهُ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ التَّابِعِينَ بَلْفِظٍ : بِيَدِ مَلِكٍ . بِلَا إِضَافَةٍ .

وللشيخين عن أنس: أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على قتلى بدر فقال: يا فلان بن فلان يا فلان بن فلان هل وجدتم ما وعد ربكم حقاً؟ فإني وجدت ما وعدني ربي حقاً فقال عمر: يا رسول الله، كيف تكلم أجساداً لا أرواح فيها؟ فقال: ما أنتم بأسمع لما أقول منهم ، غير أنهم لا يستطيعون أن يردوا على شيئاً.

احمد بن حنبل و دیگران از ابی سعید خدری از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل کردند که فرمود: مرده شخصی که او را غسل می دهد و کسی که جنازه او را برمی دارد و کسی که او را کفن می کند و کسی که بدن را در قبر می گذارد، را می شناسد.

و ابو نعیم و دیگران از عمرو بن دینار نقل کرده اند که گفته: هر کس که بمیرد روحش در دست فرشته مرگ است و به جسدش نگاه می کند ، چگونه غسلش می دهند و چگونه کفنش می کنند و روی دوش می برند و در حالی که در تابوت است به او گفته می شود که: ثنای مردم را بر خودت بشنو .

و ابن ابی دنیا این روایت را به همین مضمون از جماعتی از تابعین با این لفظ نقل کرده است: بید ملک، بودن هیچ اضافه ای .

مسلم و بخاری از انس نقل می کنند: پیامبر صلی الله علیه وسلم کنار کشته های بدر ایستاد پس فرمود: ای فلان بن فلان، ای فلان بن فلان آیا آنچه که خدا به شما وعده داده بود را حق یافتید؟ همانا که من آنچه را که خداوند به من وعده داده بود را حق یافتم، پس عمر گفت: ای رسول الله، چگونه با اجسادی حرف می زنی که روح در آنها نیست؟ پس پیامبر فرمود: شماها شنواتر از آنها به آنچه می گویم نیستید، غیر از اینکه آنها نمی توانند پاسخ دهند. [۳۴]

عمومیت این روایت برای تمامی مردگان کفار با عث شده، علمای اهل سنت تصریح کرده اند که شنیدن و آگاهی، مخصوص کشتگان بدر نیست؛ بلکه شامل سایر مردگان نیز می شود.

تمیمی حنبلی:

وی بعد از نقل روایت نظر خودش را در باره تعمیم مفاد روایت این گونه می نویسد:

وهو نص صحیح صریح فی سماع الموتی، ولم یدکر صلی الله علیه وسلم فی ذلک تخصیصاً،

روایات شنیدن کشتگان بدر بعد از مرگ روایت صریحی در اثبات شنیدن مردگان است و پیامبر صلی الله علیه وسلم در شنیدن مردگان نفرموده که مختص به کشتگان بدر است. [۳۵]

جکنی شنیطی:

وی نیز بعد از نقل روایت فوق می نویسد:

وهو نص صحیح صریح فی سماع الموتی، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم فيه تخصيصًا. [۳۶]

او در جای دیگر بعد از نقل روایت قرع نعال که بعد از ذکر می‌کنیم، نیز بر شنیدن اموات تصریح کرده است:

وهو نص صحیح صریح فی سماع الموتی، وظاهره العموم فی کل مدفن وتوکل عن قومه، كما ترى. [۳۷]

## ۲. مرده صدای پای مردم را می‌شنود:

مسلم نیشابوری در صحیح خودش آورده است که مرده صدای نعلین مردم را هنگام رفتنشان از کنار قبر، می‌شنود:

وحدثنا محمد بن منْهَالِ الضَّرِيرُ حدثنا يَزِيدُ بن زُرَيْعٍ حدثنا سَعِيدُ بن أَبِي عَرُوبَةَ عن قَتَادَةَ عن أَنَسِ بن مَالِكٍ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إِنَّ أَلْمِيَّتَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهْ إِنَّه لَيَسْمَعُ خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا انْصَرَفُوا.

به نقل از انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: وقتی که مرده را در قبر می‌گذارند، مرده صدای نعلین مردم را هنگام رفتنشان از کنار قبر را می‌شنود. [۳۸]

بخاری در صحیحش همین روایت را با تفصیل بیشتر آورده است:

۶۶ باب أَلْمِيَّتُ يَسْمَعُ خَفَقَ النُّعَالِ [۳۹]

و در جای دیگر می‌نویسد:



حدثنا عِيَّاشُ بْنُ الْوَلِيدِ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى حَدَّثَنَا سَعِيدٌ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ حَدَّثَهُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ وَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرْعَ نِعَالِهِمْ ..... [۴۰]

استدلال ابن تیمیه به این روایت برای اثبات توانایی مردگان بر شنیدن :  
حتی ابن تیمیه رئیس تفکر وهابیت به این روایت بر شنیدن مردگان استدلال می کند:

فان الميت يسمع النداء كما ثبت في الصحيح عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال ( انه ليسمع قرع نعالهم ، وأنه قال ( ما أنتم بأسمع لما أقول منهم) وأنه أمرنا بالسلام على الموتى فقال: ما من رجل يمر بقبر الرجل كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه الا رد الله روحه حتى يرد عليه السلام (والله أعلم).

پس مرده صدا را می شنود همانگونه که در روایت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم : مرده صدای نعلین تشیع کنندگان را می شنود .... [۴۱]  
و در جای دیگر می گوید:

فلا ريب أن الموتى يسمعون خفق النعال كما ثبت عن رسول الله ( وما من رجل يمر بقبر الرجل كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه الا رد الله عليه روحه حتى يرد عليه السلام ( ۲ صح ذلك عن النبي إلى غير ذلك من الأحاديث.

بدون شك و تردید، مردگان صدای نعلین زندگان را می شنوند؛ چنانچه این مطلب در روایت رسول خدا ثابت شده است .... این روایت از رسول خدا صحیح است و روایات دیگر. [۴۲]

پس طبق روایات بخاری و مسلم که از صحیح ترین کتابها بعد از قرآن نزد اهل سنت هست ، ثابت می شود که مرده آهسته ترین صداها را هم می شنود حتی صدای پای تشیع کنندگان.

### ۳. سلام پیامبر به اموات:

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردگان و سلام کردن به آنها در قبرستان یکی دیگر از ادله توانایی مردگان بر شنیدن است ؛ به خصوص که در این روایات آمده است که رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم آنها را با ضمیر مخاطب «کم» خطاب قرار داده است ؛ و اگر آنها توانایی شنیدن نداشتند ، چنین کاری لغو و بیهوده بود :

۲۴۹ حدثنا قُتَيْبَةُ بن سَعِيدٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ يَعْنِي الدَّرَّاورِدِيَّ ح وحدثني إِسْحَاقُ بن مُوسَى الْأَنْصَارِيُّ حَدَّثَنَا مَعْنٌ حَدَّثَنَا مَالِكٌ جَمِيعًا عَنِ الْعَلَاءِ بن عبد الرحمن عن أبيه عن أبي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ إِلَى الْمَقْبَرَةِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ بِمِثْلِ حَدِيثِ إِسْمَاعِيلِ بن جَعْفَرٍ غَيْرَ أَنَّ حَدِيثَ مَالِكٍ فَلْيَدَاذَنَّ رِجَالٌ عَنِ حَوْضِي.

ابوهریره نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم خارج شد به سمت قبرستان پس فرمود : سلام بر شما اهل دیار مؤمنین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم ، مثل حدیث اسماعیل بن جعفر و حدیث مالک با این اضافه است که بعضی از اصحاب من روز قیامت از کنار حوض من رانده می شوند. [۴۳]

ابن تیمیه

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت اعتراف می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور به سلام کردن به مردگان داده است:

وقد ثبت عنه في الصحيحين من غير وجه أنه كان يأمر بالسلام على أهل القبور ويقول (قولوا السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين وأنا ان شاء الله بكم لاحقون ويرحم الله المستقدمين منا ومنكم والمستأخرين نسأل الله لنا ولكم العافية اللهم لا تحرمننا أجرهم ولا تفتنا بعدهم واغفر لنا ولهم ، فهذا خطاب لهم وإنما يخاطب من يسمع

و ثابت است روایت در صحیح بخاری و مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرق مختلف که دستور به سلام کردن بر مردگان داده است و می فرمود ( بگوئید سلام بر شما ای اهل دیار مؤمنین و مسلمین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم و خداوند مستقدمین و مستأخرین از ما و شما را رحمت کند و از خداوند برای ما و شما طلب عافیت داریم ، خدایا ما از اجر و پاداششان محروم نکن و ما و آنها را ببخش. و این خطاب به مردگان است و فقط کسی که می شنود مورد خطاب قرار می گیرد. [۴۴]

#### ۴. مردگان افراد زنده کنار قبر خود را می بینند

احمد بن حنبل امام اهل سنت در مسند خود می نویسد که عایشه اعتقاد دارد که عمر از درون قبر می بیند :

۲۵۷۰۱ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حماد بن أسامة قال أنا هشام عن أبيه عن عائشة قالت كنت أدخلُ بيتي الذي دُفِنَ فيه رسول الله صلى الله عليه وسلم وأبي فاضع ثوبي فأقولُ إنما هو زوجي وأبي فلما دُفِنَ عَمَرُ مَعَهُمْ فَوَاللَّهِ مَا دَخَلْتُ إِلَّا وَأَنَا مَشْدُودَةٌ عَلَى ثِيَابِي حَيَاءً مِنْ عُمَرَ.

عایشه می گوید: داخل خانه ام که پیامبر صلی الله علیه وسلم و پدرم در آن دفن بودند، می شدم و حجاب خودم را می گذاشتم کنار و می گفتم که پدر و شوهرم فقط اینجا هستند، پس وقتی که عمر با آنها دفن شد، به خدا قسم دیگر وارد نشدم مگر اینکه لباسهایم را به خودم می پیچیدم به خاطر اینکه از عمر خجالت می کشیدم. [۴۵]

حاکم نیشابوری در مستدرک همین روایت را آورده و تصریح می کند که این روایت صحیح است:

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه.

این حدیث صحیح است بر طبق شرایط صحت روایت در صحیح مسلم و صحیح بخاری و در کتابشان نیآورده اند. [۴۶]

همی نیز این روایت را ذکر می کند و می نویسد: تمام راویان آن، از راوت صحیح بخاری هستند.

رواه أحمد و رجاله رجال الصحيح.

احمد بن حنبل این روایت را نقل کرده و راویان این روایت، راویان صحیح بخاری است. [۴۷]

پس طبق این روایت نظر عایشه این است که عمری که مرده و دفن شده است از درون قبر او را می‌بیند و عایشه مجبور می‌شود که با حجاب کنار قبر برود.

### ۵. پاسخ مردگان به سلام زنده‌ها:

مرده از درون قبر به کسانی که در کنار قبر وی به او سلام می‌کنند نگاه می‌کند و جواب سلامشان را می‌دهد:

أخبرنا أبو عبد الله عبيد بن محمد قراءة مني عليه سنة تسعين وثلاثمائة في ربيع الأول قال أملت علينا فاطمة بنت الريان المستملى في دارها بمصر في شوال سنة اثنتين وأربعين وثلاث مئة قالت حدثنا الربيع بن سليمان المؤذن صاحب الشافعي قال حدثنا بشر بن بكير عن الأوزاعي عن عطاء عن عبيد بن عمير عن بن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «ما من أحد مر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فسلم عليه إلا عرفه ورد عليه السلام».

از ابن عباس به نقل از پیامبر صلی الله علیه وسلم: هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذرد که در دنیا او را می‌شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می‌شناسد و جواب سلام او را می‌دهد. [۴۸]

### تصحیح روایت توسط عینی:

بدر الدین عینی شارح صحیح بخاری می‌نویسد سند روایت صحیح است: وعند ابن عبد البر، بسند صحیح: «ما من أحد يمر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا عرفه ورد عليه السلام». ولما أخرج الترمذی

حدیث بریده ، قال : والعمل علی هذا عند أهل العلم : لا یرون بزیارة القبور بأسا . وهو قول ابن المبارک والشافعی وأحمد وإسحاق .

و از ابن عبد البر با سند صحیح روایت شده : هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذرد که در دنیا او را می شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می شناسد و جواب سلام او را می دهد ، و ترمذی وقتی که حدیث بریده را آورده گفته : اهل علم به این روایت عمل کردند : و علما زیارت قبور را جایز می دانند ، و این قول ابن مبارک و شافعی و احمد بن حنبل و اسحاق است . [۴۹]

### تصحیح روایت توسط ابن تیمیه:

ابن تیمیه می گوید که این روایت از پیامبر ثابت و صحیح است :  
 كما ثبت عن رسول الله «وما من رجل يمر بقبر الرجل كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه الا رد الله عليه روحه حتى يرد عليه السلام» صح ذلك عن النبي إلى غير ذلك من الأحاديث.

روایت ثابت است از پیامبر هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود بگذرد که در دنیا او را می شناخت پس به او سلام کند میت از درون قبر او را می شناسد و خدا روحش را برمی گرداند و جواب سلام او را می دهد و این روایت ثابت است از پیامبر و روایات دیگر هم وجود دارد . [۵۰]

### نقل تصحیح روایت توسط محمد بن عبد الوهاب:

حتی محمد بن عبد الوهاب امام وها بیت این روایت را آورده و می نویسد که عبد الحق روایت را تصحیح کرده است :

أخرج ابن عبد البر عن ابن عباس قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ما من أحد يمرّ بقبر أخيه المؤمن - كان يعرفه في الدنيا - فيسلم عليه ، إلا عرفه ورد عليه السلام صححه عبد الحق ، وفي الباب عن أبي هريرة وعائشة . [۵۱]

## ۶. جواب پیامبر (ص) در قبر به سلام حضرت عیسی علیه السلام

ابو یعلی موصلی در کتابش آورده که پیامبر فرمود: در زمانی که حضرت عیسی نازل می شود اگر کنار قبر من بایستد و مرا بخواند و من جوابش را می دهم:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي صَخْرٍ، أَنَّ سَعِيدَ الْمُقْبَرِيِّ أَخْبَرَهُ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) يَقُولُ: وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ، لَيُنزِلَنَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا مُقْسِطًا وَحَكَمًا عَدْلًا، فَلْيَكْسِرَنَّ الصَّلِيبَ، وَلْيَقْتُلَنَّ الْخَنْزِيرَ، وَلْيُصَلِحَنَّ ذَاتَ الْبَيْنِ، وَلْيَذْهَبَنَّ الشَّخَنَاءَ، وَلْيُعْرِضَنَّ عَلَيْهِ الْمَالَ فَلَا يَقْبَلُهُ، ثُمَّ لَيَنْ قَامَ عَلَيَّ قَبْرِي، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ لِأَجِيئَنَّهُ .

از رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نقل می کند که فرمود: به تحقیق عیسی بن مریم نازل می شود و حال اینکه امامی عدالت گستر و حاکمی عادل است، پس صلیب را می شکند و گراز را می کشد، و اختلافات و کینه و دشمنی را از بین می برد و اموال بر او عرضه می شود او قبول نمی کند، سپس وقتی که بر قبر من بایستد و بگوید: ای محمد، من جواب او را خواهم داد.

سند حدیث معتبر است، تمام راویان آن از روات بخاری و مسلم است، غیر از ابوصخر حمید که فقط از روات مسلم است و هر کس که از راویان مسلم و بخاری باشد در نزد اهل سنت ثقه است؛ چرا که همه، روایات بخاری و مسلم را صحیح می‌دانند و شک در آن را جایز نمی‌دانند.

حسین سلم أسد در ذیل این روایت می‌نویسد:

إسناده صحیح. [۵۲]

البانی این روایت را «روایت: ۲۷۳۳ - (الصحيحه)» آورده است: [۵۳]

السلسلة الصحيحه المجلدات الكامله طبق نرم افزار مکتبه شامله نیز این روایت را آورده و کلام البانی را درمورد روایت نقل می‌کند:

۲۷۳۳ - والذی نفس أبی القاسم بیده لینزلن عیسی ابن مریم إماما مقسطا و حکما عدلا ، فلیکسرن الصلیب و لیقتلن الخنزیر و لیصلحن ذات البین و لیذهبن الشحناء و لیعرضن علیه المال فلا یقبله ، ثم لئن قام علی قبری فقال : یا محمد لأجته . [۵۴]

أخرجه أبو یعلی فی مسنده ( ۴ / ۱۵۵۲ ) : حدثنا أحمد بن عیسی أخبرنا ابن وهب عن أبی صخر أن سعید المقبری أخبره أنه سمع أبا هریره یقول : سمعت رسول الله

صلی الله علیه وسلم : فذکره . قلت : و هذا إسناده جید رجاله کلهم ثقات رجال الشیخین غیر أبی صخر - و هو حمید ابن زیاد الخراط - فمن رجال مسلم وحده ، و قد تکلم فیهم بعضهم ، و صحح له ابن حبان و الحاكم و البوصیری ، و مشاه المنذری ،



بعد از نقل روایت گفته: و سند این روایت خوب است و همه روایانش تقه هستند و راویان صحیح بخاری و مسلم هستند غیر از ابی صخر که از روات مسلم است و ابن حبان و بوصیری و مشاه المنذی او را توثیق کردند. [۵۵]

هیثمی همین روایت را آورده و می نویسد که راویان آن از راویان صحیح بخاری و مسلم هستند:

رواه أبو یعلیٰ و رجاله رجال الصّحیح. [۵۶]

صالحی شامی روایتی آورده که پیامبر جواب سلام حضرت عیسی را می دهد و می گوید سند روایت صحیح است.

وروی محمد بن یحیی بن اُبی عمر - بر رجال ثقات - عن اُبی هریره - رضی الله تعالی عنه - أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: (إن عیسی ابن مریم یکون مارا بالمدينة حاجا أو معتمرا ولئن سلم علی لأردن علیه). [۵۷]

پس این روایت دلالت می کند بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از جان دادن هم صدای دیگران را می شنوند و هم می تواند جواب دهد و اختصاصی به حضرت عیسی ندارد همانطور که سیره صحابه و تابعین این بود که می آمدند و به حضرت سلام می دادند همانند روایت ابوایوب انصاری که در اول بحث آوردیم و روایات فراوانی که این مطلب را تأیید می کند.

## ۷. دستور رسول خدا (ص) به زیارت شهدای احد ، و کلام حضرت در مورد جواب سلام آنها

واقدی از علمای بزرگ اهل سنت این روایت را در کتاب مغازی آورده است :

ومر رسول الله صلى الله عليه وسلم على مصعب بن عمير فوقف عليه ، ودعا ، وقرأ : رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلاً ، أشهد أن هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة ، فأتوهم وزورهم وسلموا عليهم والذي نفسى بيده ، لا يسلم عليهم أحدٌ إلى يوم القيامة إلا ردوا عليه .

وكان أبو سعيد الخدري يقف على قبر حمزة فيدعو ويقول لمن معه : لا يسلم عليهم أحدٌ إلا ردوا عليه السلام ، فلا تدعوا السلام عليهم وزيارتهم .

وكان أبو سفيان مولى ابن أبي أحمد يحدث أنه كان يذهب مع محمد بن مسلمة وسلمة بن سلامة بن وقش في الأشهر إلى أحد ، فيسلمان على قبر وكانت أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وسلم تذهب فتسلم عليهم في كل شهر فتظل يومها ، فجاءت يوماً ومعها غلامها نبهان ، فلم يسلم فقالت: أى لكع ، ألا تسلم عليهم ؟ والله لا يسلم عليهم أحدٌ إلا ردوا إلى يوم القيامة .

وكان أبو هريرة يكثر الاختلاف إليهم . وكان عبد الله بن عمر إذا ركب إلى الغابة فبلغ ذباب ، عدل إلى قبور الشهداء فسلم عليهم ، ثم رجع إلى ذباب حتى

استقبل الطريق طريق الغابة ويكره أن يتخذهم طريقاً ، ثم يعارض الطريق حتى يرجع إلى طريقه الأولى .

و كانت فاطمة الخزاعية قد أدركت تقول: رأيتني وغابت الشمس بقبور الشهداء ومعى أختي لي ، فقلت لها: تعالي ، نسلم على قبر حمزة وننصرف. قالت: نعم . فوقفنا على قبره فقلنا: السلام عليك يا عم رسول الله . فسمعنا كلاماً رد علينا: وعليكما السلام ورحمة الله .

رسول الله صلى الله عليه وسلم بر مصعب بن عمير پس ایستاد و دعا کرد و این آیه را خواند: از مؤمنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند. بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکرده‌اند. (احزاب/۲۳) ، سپس فرمودند: نزد قبورشان بیایید و آنها را زیارت کنید و بر آنها سلام کنید، قسم به خدائی که جان من در دست قدرت اوست، کسی بر آنها سلام نمی کند تا روز قیامت مگر اینکه جواب سلام او را می دهند ،....[۵۸]

این روایت ، ثابت می کند که تعداد زیادی از صحابه و بزرگان اهل سنت به زیارت قبر شهدای احد رفته ، و سلام کرده و جواب سلام نیز گرفته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

ابوسعید خدری ؛ ابو سفیان مولی ابن ابی أحمد ؛ محمد بن مسلمة ؛ سلمة بن سلامة بن وقش ؛ ام المؤمنین أم سلمة زوج النبی صلی الله علیه وسلم ؛ أبو هريرة ؛ عبد الله بن عمرو ؛ فاطمة الخزاعية

محمد بن عبد الوهاب و نقل تصحیح این روایت:

محمد بن عبد الوهاب امام و هابیت می گوید حاکم نیشابوری روایت را صحیح می داند :

وللحاکم و صححه عن عبد الله بن أبي فروة أن النبي صلى الله عليه وسلم زار قبور الشهداء بأحد ، فقال : اللهم إن عبدك و نبيك يشهد أن هؤلاء شهداء ، وأن من زارهم أو سلم عليهم إلى يوم القيامة ردوا عليه .

و حاکم تصحیح کرده از عبد الله بن ابی فروه اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم قبرهای شهدای احد را زیارت کرده و فرموده : خدایا شاهد باش که بنده تو و پیامبر تو شهادت می دهد که اینها شهید هستند و هر کس که به زیارت آنان بیاید و به آنان سلام کند جواب او را می دهند تا روز قیامت . [۵۹]

آلوسی و تصحیح روایت:

علامه اهل سنت آلوسی می گوید روایت صحیح است :

وبما رواه البيهقي والحاكم و صححه وغيرهما عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على مصعب بن عمير وعلى أصحابه حين رجع من أحد فقال : أشهد أنكم أحياء عند الله تعالى فزوروهم وسلموا عليهم فوالذي نفسي بيده لا يسلم عليهم أحد إلا ردوا عليه إلى يوم القيامة وبما أخرج ابن عبد البر وقال عبد الحق الأشيلي إسناده صحيح . [۶۰]

### ۱. استحباب تلقین میت در قبر و میت تلقین را می شنود:

ابن حجر عسقلانی در کتاب تخلص الحیر در این باره می نویسد:

الطبرانی عن أبي أمامة إذا مات فاصنعوا بي كما أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم أن نضع بموتانا أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال إذا مات

أَحَدًا مِنْ إِخْوَانِكُمْ فَسَوَّيْتُمْ التُّرَابَ عَلَى قَبْرِهِ فَلَيْقُمْ أَحَدَكُمْ عَلَى رَأْسِ قَبْرِهِ ثُمَّ لَيْقُلُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَسْمَعُهُ وَلَا يُجِيبُ ثُمَّ يَقُولُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَسْتَوِي قَاعِدًا ثُمَّ يَقُولُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانَةَ فَإِنَّهُ يَقُولُ أَرْشِدْنَا يَرْحَمَكَ اللَّهُ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ فَلَيْقُلْ أذْكَرُ مَا خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّكَ رَضِيتَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ إِمَامًا فَإِنْ مُنْكَرًا وَتَكْبِيرًا يَا خُذْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِيَدٍ صَاحِبِهِ وَيَقُولُ أَنْطَلِقْ بِنَا مَا يُقْعِدُنَا عِنْدَ مَنْ لَقِّنَ حُجَّتَهُ قَالَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ أُمَّهُ قَالَ يُسَبِّهُ إِلَيَّ أُمَّهُ حَوَاءَ يَا فُلَانُ بْنُ حَوَاءَ.

وَإِسْنَادُهُ صَالِحٌ وَقَدْ قَوَّاهُ الضِّيَاءُ فِي أَحْكَامِهِ وَأَخْرَجَهُ عَبْدُ الْعَزِيزِ فِي الشَّافِي.

سعید بن عبد الله اودی ابا امامه را در هنگام جان دادن دیدم که می گفت اگر جان دادم همان کاری را انجام دهید که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است برای مردگانتان انجام دهید ، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور داد که اگر کسی از شما از دنیا رفت و او را دفن کردید و خاک روی او ریختید یکی بر سر قبرش بایستد و بگوید ای فلانی فرزند فلان زن پس آن مرده می شنود ولی جواب نمی دهد سپس می گوید ای فلانی فرزند فلان زن پس آن مرده می نشیند و می گوید من را ارشاد کن خدا رحمت کند ولی شما نمی شنوید پس ذکر کنید عقیده ای که در دنیا داشتی از شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاللَّهُ را به عنوان رب قبول داری و اسلام را به عنوان دین و محمد را به عنوان پیامبر و قرآن را به عنوان امام قبول دارم و پس نکیر و منکر دست همدیگر را می گیرند و می گویند برویم و نمی نشینیم نزد

کسی که حجتش را تلقین شده است و خدا حجت او می شود ، شخصی سؤال کرد ای رسول خدا اگر مادر میت را ندانیم کیست چه بگوییم فرمود: نسبتش دهید به حوا و گفته شود ای فلانی فرزند حوا .

سند این روایت صالح است و ضیاء المقدسی این روایت را در کتاب احکامش تقویت کرده و عبد العزیز آن را در شافی آورده است. [۶۱]  
شوکانی نیز همین روایت و کلام ابن حجر را نقل کرده است:

قال الحافظُ في التلخيصِ وإِسْنَادُهُ صَالِحٌ. [۶۲]

ابن جوزی می نویسد که ابن حجر گفته است: سند روایت صالح است و ضیاء این روایت را تقویت کرده است: [۶۳]

اول حافظ ابن حجر ره در کتاب تلخیص ذکر کرده است که حدیث ابا امامه که مرفوع است در تلقین میت بعد از دفن پس ابن حجر گفت سند روایت صالح و درست است و ضیاء در کتاب احکام این اروایت را تقویت کرده است . [۶۴]

صنعانی می نویسد:

قال المصنف إسناده صالح. [۶۵]

انصاری شافعی بعد از ذکر روایت می نویسد که سند آن هیچ مشکلی ندارد و حافظ ابو منصور آن را در جامع الدعاء الصحيح آورده است و امام احمد تلقین میت را جایز می داند :

إسناده لا أعلم به بأساً ( ۱۷۲۰ ) ، وذكره الحافظ أبو منصور في ( جامع الدعاء الصحيح ) ، وزاد بعد قوله : ( قد لقن حجه ) : ( ويكون الله حجه ) ( ۱۷۲۱ )

دونهما). قال: وقد أرخص الإمام أحمد بن حنبل في تلقين الميت، وأعجبه ذلك ( ۱۷۲۲ ) [۶۶]

ملا علی قاری می نویسد که ابن حجر می گوید: در این روایت اشاره ای به تلقین میت بعد از تمام شدن دفن و کیفیت آن مشهور است و تلقین میت سنت است بر آنچه مورد اعتماد است نزد اهل سنت خلاف کسانی که آن را بدعت دانسته اند و حدیث صریحی در جواز تلقین میت هست که به آن عمل می شود در مستحبات اتفاق دارند، بلکه این حدیث تقویت می شود بوسیله شواهدی و تا حد درجه حسن می رسد:

وقال ابن حجر: وفيه إيماء إلى تلقين الميت بعد تمام دفنه و کیفیت مشهوره وهو سنه علی المعتمد من مذهبنا خلافاً لمن زعم أنه بدعه كيف وفيه حدیث صریح يعمل به فی الفضائل اتفاقاً، بل اعتضد بشواهد یرتقی بها إلى درجة الحسن. [۶۷]

عمل علمای اهل سنت به این روایت:

امام اهل سنت نووی می نویسد که جماعت زیادی از علماء قائل به استحباب تلقین میت بعد از دفن هستند:

۴۷۰ وروينا في سنن البيهقي بإسناد حسن أن ابن عمر استحَب أن يقرأ علی القبر بعد الدفن أول سورة البقرة وخاتمتها

فصل وأما تلقين الميت بعد الدفن فقد قال جماعة كثيرون من أصحابنا باستحبابه وممن نص علی استحبابه القاضي حسين في تعليقه وصاحبه أبو سعد المتولى في كتابه التتمه والشيخ الإمام الزاهد أبو الفتح نصر بن إبراهيم بن نصر

المقدسی والإمام أبو القاسم الرافعی وغيرهم ونقله القاضي حسين عن الأصحاب وأما لفظه فقال الشيخ نصر إذا فرغ من دفنه يقف عند رأسه ويقول يا فلان بن فلان اذكر العهد الذي خرجت عليه من الدنيا شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمد عبده ورسوله وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور قل رضيت بالله ربا وبالإسلام ديناً وبمحمد صلى الله عليه وسلم نبياً وبالكعبة قبله وبالقرآن إماماً وبالمسلمين إخواناً ربى الله لا إله إلا هو وهو رب العرش العظيم هذا لفظ الشيخ نصر المقدسى فى كتابه التهذيب ولفظ الباقيين بنحوه وفى لفظ بعضهم نقص عنه ثم من هم من يقول يا عبد الله بن أمه الله ومنهم من يقول يا عبد الله بن حواء ومنهم من يقول يا فلان باسمه ابن أمه الله أو يا فلان بن حواء....

و در سنن بيهقى با سند حسن از ابن عمر روايت شده است كه خواندن اول و آخر سوره بقره بر قبر مستحب است ، فصل : جماعت زيادى از علماء قائل به استحباب تلقين ميت بعد از دفن هستند ، از كسانى كه قائل به استحباب شدند : قاضى حسين در تعليقش و ابوسعيد متولى در كتاب تتمه و شيخ و امام زاهد ابو الفتح نصر بن ابراهيم بن نصر مقدسى و امام ابو القاسم رافعى و ديگر علما... [۶۸]

اشيلى همين روايت را آورده و باب خاصى براى تلقين ميت بعد از دفن دارد :

الباب السابع تلقين الميت بعد الدفن والدعاء له وقراءة القرآن عنده وذكر محاسنه والسكوت عن مساوئه. [۶۹]



بهاء الدین جنیدی بعد از ذکر روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌نویسد به حکم این روایت تلقین میت در قبر واجب است:

ومن غریب ما آورده عن هانی مولى عثمان بن عفان بسند متصل أنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن القبر أول منزل من منازل الآخرة فمن نجا منه فما بعده أيسر منه ومن لم ينج فما بعده أشد قال وكان صلى الله عليه وسلم إذا فرغ من دفن الميت قال استغفروا لصاحبكم واسألوا الله تعالى له الثبیت فإنه الآن يسأل قال وفي هذا الحديث دليل على وجوب تلقين الميت إذا أُلحد بالشهادتين. [۷۰]

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می‌گوید تلقین میت جایز است :

وسئل «هل يشرع تلقين الميت الكبير والصغير أو لا»

فأجاب وأما تلقين الميت فقد ذكره طائفة من الخراسانيين من أصحاب الشافعي واستحسنوه أيضا ذكره المتولي والرافعي وغيرهما وأما الشافعي نفسه فلم ينقل عنه فيه شيء ومن الصحابة من كان يفعل كأبي أمامة الباهلي ووائله بن الإسقع وغيرهما من الصحابة ومن أصحاب أحمد من استحبه والتحقيق أنه جائز وليس بسنة راتبه والله أعلم.

سؤال «آیا تلقین میت بزرگ و کوچک جایز است یا نه ؟»

### جواب:

تلقین میت را گروهی از خراسانیها و اصحاب شافعی ذکر کردند و آن را حسن دانستند و همچنین متولی و رافعی و دیگران ذکر کردند ولی از شافعی چیزی در این باره ذکر نشده است و بعضی از صحابه تلقین را انجام می‌دادند مثل

ابامامه و واثبه بن الاسقع و دیگر صحابه و اصحاب احمد بن حنبل تلقین را حسن دانسته اند و قول تحقیق شده این است که تلقین میت جایز است و سنت نیست و الله اعلم. [۷۱]

زرعی دمشقی می نویسد:

عمل مسلمانان از قدیم تا الآن این بوده که مرده را تلقین می کردند و اگر مرده نمی شنید این کار عبث و بی فایده بود و از امام احمد در مورد تلقین میت در قبر سؤال شد گفت حسن است و بر عمل مسلمانان بر آن استدلال کرد:

فصل و یدل علی هذا أيضا ما جرى عليه عمل الناس قديما وإلى الآن من تلقين الميت في قبره ولولا أنه يسمع ذلك وينتفع به لم يكن فيه فائدة وكان عبثا وقد سئل عنه الإمام أحمد رحمه الله فاستحسنه واحتج عليه بالعمل. [۷۲]

حدادی عبادی حنفی می نویسد: تلقین میت در قبر نزد اهل سنت جایز است:

وَأَمَّا تَلْقِينُ الْمَيِّتِ فِي الْقَبْرِ فَمَشْرُوعٌ عِنْدَ أَهْلِ السُّنَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحْيِيهِ فِي الْقَبْرِ وَصُورَتُهُ أَنْ يُقَالَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَوْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَدُكْرُ دِينَكَ الَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ وَقَدْ رَضِيتَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا. [۷۳]

شقیطی می نویسد:

ابن قیم برای جواز تلقین میت در قبر ادله ای آورده است ، که از آن ادله ، حسن دانستن امام احمد و عمل مسلمانان که در همه زمانها بوده و متصل به زمان پیامبر است بدون انکار کسی از مسلمانان .

وقد رأيت ابن القيم استدللّ له بأدلة ، منها : أن الإمام أحمد رحم ه الله سئل عنه فاستحسنه. واحتجّ عليه بالعمل . ومنها : أن عمل المسلمين اتّصل به في سائر الأمصار والأعصار من غير إنكار . [٧٤]

## ۴. ادله حیات پس از مرگ

قسمت چهارم این نوشتار را به نقل ادله حیات پس از مرگ قرار می‌دهیم. بررسی این ادله از آن جهت اهمیت دارد که وقتی حیات پس از مرگ ثابت شود، دیگر لفظ «میت» که وهابیون روی آن تکیه فراوان داشتند از کار افتاده و شنیدن مردگان بعد از مرگ با همین استدلال ممکن می‌شود. ابن قتیبۀ می‌گوید:

وهذه أشياء مشهورة كأنها عیان فإذا جاز أن یكون هؤلاء الشهداء أحياء عند ربهم یرزقون و جاز أن یكونوا فرحین و مستبشرین فلم لا یجوز أن یكون أعداؤهم الذین حاربوهم و قتلوهم أحياء فی النار یعذبون و إذا جاز أن یكونوا أحياء فلم لا یجوز أن یكونوا یسمعون و قد أخبرنا رسول الله صلی الله علیه و سلم و قوله الحق.

سالم بودن اجساد شهدا و حیاتشان اینقدر مشهور است که گویا آشکار و ثابت است، پس اگر ثابت باشد که شهدا زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و خوشحال و مستبشر هستند؛ پس چرا جایز نباشد که دشمنان آنها که با آنها جنگیدند و آنها را کشتند در آتش جهنم زنده باشند و عذاب شوند و اگر جایز باشد که زنده باشد چرا جایز نباشد که بشنوند و حال این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدن آنها را به ما خبر داده است و حق فرمایش حضرت است. [۷۵]

بنا بر این ، اگر ثابت شود کسی بعد از مرگ زنده شده است ، دیگر نمی توان به صورت مطلق حکم به عدم سماع وی کرد.  
 ادله حیات پس از مرگ را از نظر قرآن و روایات بررسی می کنیم:

### ۱. آیاتی که دلالت بر حیات بعد از مرگ می کنند

آیات متعددی از قرآن کریم، بر حیات پس از مرگ دلالت دارند:

#### آیه اول؛ زنده بودن شهداء

خداوند متعال در قرآن کریم تصریح می کند که شهداء زنده و در نزد او متنعم هستند .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \*  
 فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ  
 أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا  
 يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ . (آل عمران / ۱۶۹-۱۷۱)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی گرداند، شادی می کنند.

در این آیات، بهره‌مندی شهیدان از نعمتهای الهی و خوشنودی از آنچه به دست آورده‌اند دلیل بر حیات و زندگی مجدد آنان است .

### سخنان علمای اهل سنت درباره این آیه

۱. احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱هـ):

احمد بن حنبل امام اهل سنت می‌گوید که شهداء زنده هستند:

الشهداء أحياء يرزقون ويقول إن الشهداء بعد القتل باقون يأكلون أرزاقهم.

شهداء زنده‌اند و روزی داده می‌شوند. شهداء بعد از کشته شدن باقی هستند

روزی خود را می‌خورند. [۷۶]

ابو یعلی حنبلی در کتاب «طبقات الحنابلة»، نیز عقیده احمد بن حنبل را بازگو می‌کند:

ويقول إن الشهداء بعد القتل باقون يأكلون أرزاقهم

وكان يقول إن الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون وأن الميت يعلم بزائره يوم

الجمعة بعد طلوع الفجر وقبل طلوع الشمس.

احمد بن حنبل می‌گوید: شهیدان بعد شهادت حیات دارند و روزی

می‌خورند و نیز می‌گفت که انبیاء در قبرهایشان زنده هستند و نماز می‌خوانند

و مرده از زائر قبرش در وقت طلوع فجر روز جمعه قبل از طلوع خورشید

آگاهی دارد. [۷۷]

۲. قرطبی (متوفای ۶۷۱هـ):

قرطبی امام اهل سنت بعد از نقل شأن نزول آیه می‌نویسد: بیشتر علماء بر این

عقیده هستند که شهداء زنده هستند :

فالذی علیہ المعظم هو ما ذکرناه وأن حياة الشهداء محققة.

آن مطلبی که معظم علماء به آن معتقد هستند این است که ما ذکر کردیم به این که زنده بودن شهدا ثابت شده است. [۷۸]

۳. نووی شافعی:

نووی از بزرگان اهل سنت و شارح صحیح مسلم این آیه را دلیل بر حیات مردگان می آورد:

لقول الله تعالى في الشهداء أحياء عند ربهم يرزقون والأحاديث السابقة أن أرواح الشهداء تأكل من ثمار الجنة.

قول خداوند متعال در مورد شهدا که زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می خورند و روایات گذشته که ثابت می کند ارواح شهدا از میوه های بهشتی می خورند. [۷۹]

۴. ادعای تواتر روایات این باب از فخر رازی:

فخر رازی از بزرگان اهل سنت در ذیل این آیه روایات مختلفی را مطرح می کند که دلالت بر زنده شدن دوباره شهدا بعد از مردن دارد و سپس این روایات را متواتر می داند :

وسئل ابن مسعود رضي الله عنه عن هذه الآية ، فقال : سألتنا عنها فقيل لنا ان الشهداء على نهر بباب الجنة في قبة خضراء ، وفي رواية في روضة خضراء ، وعن جابر بن عبد الله قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « ألا أبشرك أن أبأك حيث أصيب باحد أحياء الله ثم قال : ما تريد يا عبدالله بن عمرو أن فعل

بک فقال يا رب أحب أن تردني إلى الدنيا فأقتل فيها مرة أخرى» والروایات فی هذا الباب كانها بلغت حد التواتر ، فكيف يمكن انكارها.

و از ابن مسعود در مورد ای آیه سؤال شد ، جواب داد: ما در مورد این آیه سؤال کردیم گفتند شهیدان بر رودی کنار در بهشت در گنبد سبزی هستند ، و در روایتی دیگر گفته در باغی سرسبز هستند ، و به نقل از جابر بن عبد الله که پیامبر صل الله علیه و آله به پسر عبد الله بن عمرو فرمودند: بشارت بدهم به تو که پدرت وقتی در احد شهید شد خدا او را زنده کرد سپس فرمود: خدا به عبد الله بن عمرو فرمود که چه می خواهی؟ گفت خدایا دست دارم که مرا به دنیا برگردانی تا بار دیگر کشته شوم ، و روایات این باب که شهدا حیات دارند به حد تواتر رسیده است پس چگونه می شود آن را منکر شد؟ [۸۰]

#### ۵. آلوسی

علامه اهل سنت آلوسی می نویسد: حیات برزخی انبیاء برتر از حیات شهداء است که خداوند در مورد آنها فرموده: بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند، و این مطلب با احادیث صحیح ثابت است.

أما حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام الحياة البرزخية التي هي فوق حياة الشهداء الذين قال الله تعالى فيهم بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَأمر ثابت بالأحاديث الصحيحة. [۸۱]

#### ۶. سبکی

سبکی می گوید: حیات انبیاء و شهدا مثل حیاتشان در دنیا است:



قال الحلبي المتوفى ١٠٤٤: وروى أبو يعلى عن أبي هريرة رضى الله تعالى عنه  
 كَيُنزَلْنَ عيسى بن مريم عليه السلام ثم إن قام على قبرى وقال يا محمد لأجبتة  
 ومن ثم قال الإمام السبكي حياة الأنبياء والشهداء كحياتهم فى الدنيا ويشهد له  
 صلاة موسى عليه السلام فى قبره فإن الصلاة تستدعى جسدا حيا وكذا الصفات  
 المذكورة فى الأنبياء ليله الإسراء كلها صفات الأجسام [٨٢]

اقرار ابن تيميه : اين حيات پس از مرگ مختص شهيدان نيست.

ابن تيميه رهبر فكري وها بيت مي گويد حيات بعد از مرگ مختص به شهيدان  
 نيست و شامل ديگران مردگان هم مي شود :

وأما ما أخبر الله به من حياة الشهيد ورزقه وما جاء فى الحديث الصحيح من  
 دخول أرواحهم الجنة فذهب طوائف إلى أن ذلك مختص بهم دون الصديقين  
 وغيرهم والصحيح الذى عليه الأئمة وجماهير أهل السنة ان الحياة والرزق  
 ودخول الأرواح الجنة ليس مختصا بالشهيد كما دلت على ذلك النصوص  
 الثابتة ويختص الشهيد بالذكر لكون الظان يظن أنه يموت فينكل عن الجهاد  
 فأخبر بذلك ليزول المانع من الإقدام على الجهاد والشهادة.

واما خبر دادن خداوند متعال به حيات شهيد و روزى خوردنش و آنچه كه در  
 روايت صحيح آمده است كه ارواح شهداء داخل در بهشت مي شوند ،  
 گروهى گفتند كه اين حيات مختص شهداء است و شامل صديقين و ديگران  
 نمى شود ، ولى قول صحيحى كه ائمه و علمای اهل سنت بر آن هستند ، اين  
 است كه حيات و روزى و داخل شدن ارواح به بهشت مختص به شهداء  
 نيست ، همانگونه كه نصوص ثابت بر آن دلالت مي كند و اختصاص شهيد به

ذکر کردنش در قرآن برای این است که کسی فکر نکند که شهید می‌میرد و از جهاد کردن امتناع کنند و خبر دادن به حیات شهداء برای از بین بردن مانع جهاد و شهادت است. [۸۳]

قسمتی از سخنان علمای اهل سنت را بر این که حیات مخصوص شهداء و یا تنها کشتگان بدر نیست، در ذیل روایت سخن گفتن رسول خدا با کشتگان بدر، ذکر کردیم. و آن سخنان نیز بهترین دلیل بر این است که حیات پس از مرگ مخصوص شهیدان نیست.

### آیه دوم؛ حبیب نجار پس از شهادتش زنده است و روزی داده می‌شود

حبیب نجار در میان افراد قبیله و خویشاوندانش از شرایع آسمانی تبلیغ و دفاع می‌کرد، و در این راه آزار و اذیت فراوانی را به جان خرید، تا سرانجام بدست همان افراد به شهادت رسید.

حال بعد از شهادتش بلا فاصله به او گفته شد وارد بهشت شوید. قرآن کریم این مطلب را در آیه ذیل باز گو می‌کند:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ.

گفته شد وارد بهشت شوید.

از این جا به بعد آیه کریمه گفته‌های این مجاهد را بیان کرده که در باره قومش با خداوند در میان گذاشته است. او بعد از این که در بهشت قبرش قرار گرفت گفت:

قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ. (یس/۲۶)  
(۲۷/)

ای کاش ، قوم من می دانستند، که پرورد گارم چگونه مرا آمرزید و در زمره گرامی شدگان در آورد.

بزرگان اهل سنت گفته اند که حبیب نجار هم در حال حیات ، هم بعد از شهادت، قبیله خود را نصیحت کرده است. نصیحت قبل از حیات او را آیه قبل این گونه گزارش کرده است:

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَ اتَّخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بُضْرًا لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَ لَا يَنْقُدُونَ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ. (یس/۲۰-۲۵)

علمای اهل سنت گفته اند که حبیب نجار (حی یرزق)؛ یعنی زنده است و روزی می خورد :

ابن جریر طبری:

طبری از بزرگان اهل سنت می نویسد که حبیب نجار زنده است و روزی می خورد :

ذَلِكَ حَدَّثَنَا بِنِ حَمِيدٍ قَالَ ثنا سَلْمَةُ قَالَ ثَنِي بِنِ إِسْحَاقَ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بِنِ مَسْعُودٍ كَانَ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَدَخَلَهَا حَيًّا يَرْزُقُ فِيهَا قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَقَمَ الدُّنْيَا وَ حَزْنَهَا وَ نَصَبَهَا فَلَمَّا أَفْضَى إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ جَنَّتِهِ وَ كَرَامَتِهِ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

ابن مسعود می گوید: خداوند به حبیب نجار فرمود: وارد بهشت شوید؛ پس او وارد بهشت شد در حالی زنده است و به او روزی داده می شود، خداوند بیماری دنیوی و حزن را از وی برداشته است. هنگامی که خداوند او را به سوی رحمت خودش بر و در بهشت و رحمتش جای داد گفت: ای کاش قوم من می دانستند که خداوند مرا بخشیده و از جمله بندگان گرامی داشته خود قرار داده است. [۸۴]

این روایت را دیگر بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده اند. [۸۵]  
انصاری قرطبی:

قرطبی امام اهل سنت در کتاب الجامع لأحكام القرآن می نویسد که حبیب نجار زنده است و روزی داده می شود و بعد از مردن هم قوم خود را نصیحت کرد و سابقون امتهای سه نفر هستند که حتی یک لحظه به خدا کافر نشدند: علی بن ابی طالب که افضل آنهاست و مؤمن آل فرعون و صاحب یس (حبیب نجار) اینان صدیقین هستند:

قلت : والظاهر من الآية أنه لما قتل قيل له ادخل الجنة قال قتادة : أدخله الله الجنة وهو فيها حتى يرزق أراد قوله تعالى : ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون علي ما تقدم في بيانه والله أعلم قوله تعالى : (قال يا ليت قومي يعلمون) مرتب علي تقدير سؤال سائل عما وجد من قوله عند الفوز العظيم الذي هو (بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين) وقرىء من المكرمين وفي معنى تمنيه قولان : أحدهما أنه تمنى أن يعلموا بحاله ليعلموا حسن مآله وحميد عاقبته الثاني تمنى ذلك ليؤمنوا مثل إيمانه فيصيروا إلي مثل

حاله ..... وقال بن ابی لیلی : سباق الأمم ثلاثه لم یکفروا بالله طرفه عین : علی بن ابی طالب وهو أفضلهم ومؤمن آل فرعون وصاحب یس فهم الصدیقون. و از ظاهر این آیه به دست می آید که وقتی حبیب نجار کشته شد به او گفته شد وارد بهشت شوید ، قتاده می گوید : خداوند او را وارد بهشت کرد و او در بهشت زنده و متنعم است ، مرادش فرمایش خداوند است که فرمود : (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده میندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند) که در سوره آل عمران ذکرش گذشت ، و خداوند اعلم است به آن ، گفت: ای کاش ، قوم من می دانستند، در اینجا سؤال، سؤال کننده ای در تقدیر است که در مورد گفته او هنگام رستگاریش است ( که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره گرامی شدگان در آورد). و از گرامی شدگان شمرده شده است و در مراد از آرزویش دو قول است : قول اول این است که آرزو کرد که قومش از حالش آگاه شوند تا اینکه حسن عاقبتش را بدانند ، قول دوم : آن آرزو را کرد تا از حالش آگاه شوند و تا اینکه قومش به آنچه که ایمان آورده بود ایمان بیاورند و عاقبت بخیر شوند [۸۶].

### آیه سوم؛ زنده بودن و عذاب شدن کفار بعد از مرگ :

به شهادت آیاتی از قرآن کریم ، کفار پس از مرگ زنده و از عذاب الهی در امان نخواهند بود.

وَحَاقَ بِالِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. (غافر/ ۴۵ - ۴۶)

(و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت، هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می رسد که انواع [عذاب در آورید).

عذاب این گروه از کافران به دو بخش و زمان مستقل تقسیم شده است: بخش اول بعد از مردن و قبل از روز قیامت، که می فرماید: صبح و شام بر آتش عرضه می شوند.

بخش دوم روز قیامت است که شدیدترین عذابها در انتظار آنهاست؛ پس آنها بعد از مردن حیات دارند که عذاب می شوند و لازمه عذاب شدن حیات داشتن است.

و به اقرار علمای اهل سنت، عذاب فرع بر حیات است:

والتعذیب مشروط بالحياة. [۸۷]

### سخنان علمای اهل سنت در اثبات عذاب قبر و حیات کفار پس از مرگ در ذیل آیه

بزرگان علمای اهل سنت بر اثبات عذاب قبر برای کافران و حیات آنها پس از مرگ اعتراف کرده اند که به بخشی از سخنان آنان اشاره می کنیم:

۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش این آیه را در باب عذاب قبر آورده و درباره این مطلب به این آیه و آیات دیگر استدلال کرده است:

بَاب مَا جَاءَ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ وَقَوْلُهُ تَعَالَى «إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» هُوَ الْهُوَانُ وَالْهُونُ الرَّفْقُ وَقَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ «سُعْدِبْهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ» وَقَوْلُهُ تَعَالَى «وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ».[۸۸]

۲. محمد شوکانی:

شوکانی در فتح القدير نیز دلالت این آیه را بر عذاب در عالم برزخ واضح و آشکار می‌داند:

فإن قوله «ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب» يدل دلالة واضحة على أن ذلك العرض هو في البرزخ .

پس فرمایش خداوند: (و روزی که رستخیز برپا شود فریاد می‌رسد که عذاب در آورید) و در قصه نوح (به کیفر گناهانشان غرق شدند و به آتش رفتند و جز خدا برای خود یاوری نیافتند . با اینکه حضرت نوح در مورد قیامت به آنها خبر داده بود ، و خدا شما را چون نباتی از زمین برویند. باز شما را بدان باز می‌گرداند و باز از آن بیرون می‌آورد).[۸۹]

دیگر علمائی که این آیه را دلیل بر اثبات عذاب قبر آوردند [۹۰]

**آیه نهم: کفار بدر بعد از مرگ وارد عذاب خوار کننده ای می‌شوند**

نهمین دلیل بر حیات پس از مرگ این آیه است:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَكُمْ أَيُّومٍ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ. (انعام/۹۳)

اگر ببینی آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و فرشتگان بر آنها دست گشوده‌اند که جان خویش بیرون کنی، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می‌کنند، و این به کیفر آن است که درباره خدا به ناحق سخن می‌گفتید و از آیات او سرپیچی می‌کردید.

طبق نظر علمای اهل سنت، این آیه بر اثبات عذاب قبر ظالمان بعد مردن دلالت دارد. به سخنان تعدادی از این دانشمندان اشاره می‌کنیم:

محمد بن اسماعیل بخاری:

بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش این آیه را در «باب عذاب قبر» ذکر کرده است:

بَاب مَا جَاءَ فِي عَذَابِ الْقَبْرِ وَقَوْلُهُ تَعَالَى «إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَكُمْ أَيُّومٍ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» هُوَ الْهُونُ وَالْهُونُ الرَّفْقُ.

باب آنچه در عذاب قبر ذکر شده است و فرمایش خداوند متعال «آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و ملائکه بر آنها دست گشوده‌اند که: جان خویش بیرون کنی، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می‌کنند» هوان یعنی خواری... [۹۱]

حسین بغوی:



بغوی نیز این آیه را در کتاب «شرح السنه» در «باب عذاب القبر» آورده است. [۹۲]

ابن حزم اندلسی:

ابن حزم در کتاب «رساله فی حکم من قال إن أرواح أهل الشقاء معذبة إلى يوم الدين»، از این آیه نتیجه گرفته است که نفس انسان از موقع مردن تا قیامت، در حال عذاب است:

وقال تعالى (ولو ترى إذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة باسطو أيديهم أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون) (الأنعام: ۹۳) فصح أن النفس معذبة كما ترى من حين موتها إلى يوم القيامة دون الأجساد.

خداوند فرموده است: اگر ببینی آن گاه که این ستمکاران در سكرات مرگ گرفتارند و فرشتگان بر آنها دست گشوده‌اند که جان خویش بیرون کنی، امروز شما را به عذابی خوارکننده عذاب می‌کنند. پس صحیح این است که نفس انسان از هنگام مردنش تا روز قیامت گرفتار عذاب است نه بدن. [۹۳]

نظام الدین نیشابوری:

وی نیز در «تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، منظور از کلمه «اليوم» را در این آیه، از هنگام مردن تا عالم برزخ و قیامت است؛ پس انسان در عالم برزخ عذاب می‌شود:

(اليوم) يرید وقت الإمامة أو الوقت الممتد الذي يلحقهم فيه العذاب في البرزخ والقيامة (تجزون عذاب الهون).

مراد از یوم، وقت مردن، یا وقت ممتدی است که عذاب در برزخ و قیامت به آنها می‌رسد. [۹۴]

ابن تیمیه:

ابن تیمیه نیز این آیه را دلیل بر وقوع عذاب بعد از مردن می‌داند و می‌نویسد:  
 وقوله ( اليوم تجزون عذاب الهون ) دل علی وقوع الجزاء عقب الموت  
 وقال تعالی فی الأنفال (ولو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملائکة یضربون  
 وجوههم وأدبارهم وذوقوا عذاب الحریق ذلک بما قدمت أیدیکم وأن الله  
 لیس بظلام للعبید) وهذا ذوق له بعد الموت.

این آیه که می‌فرماید: امروز عقاب می‌شوید به عذاب خوار کننده، دلیل بر این است که جزاء بعد از مردن واقع می‌شود. و خداوند در سوره انفال فرموده: و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند): بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تأسف خواهی خورد)... این چشیدن عذاب، بعد از مرگ است. [۹۵]

ابن قیم الجوزیه:

ابن قیم الجوزیه شاگرد ابن تیمیه بعد از نقل آیه می‌نویسد:  
 فقول الملائکة اليوم تجزون عذاب الهون المراد به عذاب البرزخ الذی أوله  
 یوم القبض والموت ونظیره قوله تعالی ولو تری إذ یتوفی الذین کفروا  
 الملائکة یضربون وجوههم وأدبارهم وذوقوا عذاب الحریق، فهذه الاذاقه هی  
 فی البرزخ واولها حین الوفاة.

سخن فرشته که می گوید: امروز به عذاب سخت عقاب می شوید، مراد از آن عذاب برزخ است؛ همان برزخی که ابتدای آن روز قبض روح و مردن است. نظیر این آیه، آیه دیگر است که می فرماید: و اگر بینی کافران را هنگامی که فرشتگان .... این چشاندن در برزخ است که ابتدای آن زمان وفات است. [۹۶]

### ب: روایاتی که دلالت بر حیات پس از مرگ می کنند

علاوه بر آیات، روایات نیز بر حیات انسان پس از مرگ دلالت دارند که در این قسمت به این روایات اشاره می شود:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صدای عذاب شدن یهود از درون قبر را

می شنید:

بخاری در صحیح خود در باب «بَابُ التَّعْوُذِ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ» آورده است که صدای عذاب شدن یهود از درون قبر شنیده می شد؛ پس مردگان حیات دارند که صدای عذاب شدنشان می آمد:

حدثنا محمد بن المثنى حدثنا يحيى حدثنا شعبة قال حدثني عون بن أبي جحيفة عن أبيه عن البراء بن عازب عن أبي أيوب رضي الله عنهم قال خرج النبي صلى الله عليه وسلم وقد وجبت الشمس فسمع صوتا فقال يهود تُعَذَّبُ في قبورها وقال النضر أخبرنا شعبة حدثنا عون سمعت أبي سمعت البراء عن أبي أيوب رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم.

روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام غروب خارج شد، صدائی شنید، پس فرمود: عده‌ای از یهود هستند که در قبرهایشان عذاب می شوند... [۹۷]

مسلم نیز این روایت را در صحیح خود آورده است :

حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا وكيع ح وحدثنا عبيد الله بن معاذ حدثنا أبي ح وحدثنا محمد بن المثنى وابن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر كلهم عن شعبة عن عون بن أبي جحيفة ح وحدثني زهير بن حرب ومحمد بن المثنى وابن بشار جميعا عن يحيى القطان واللفظ لزهير حدثنا يحيى بن سعيد حدثنا شعبة حدثني عون بن أبي جحيفة عن أبيه عن البراء عن أبي أيوب قال خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم بعد ما غربت الشمس فسمع صوتا فقال يهودي تعذب في قبورها. [۹۸]

۲. صدای خواندن سوره تبارک میت از درون قبر شنیده شده است :

ترمذی در سنن خود (که یکی از صحاح سته است) روایت آورده که صدای خواندن سوره تبارک میت از درون قبر شنیده شده است بعد می گوید: این روایت معتبر است:

حدثنا محمد بن عبد الملك بن أبي الشوارب حدثنا يحيى بن عمرو بن مالك النكري عن أبيه عن أبي الجوزاء عن بن عباس قال ضرب بعض أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر وهو لا يحسب أنه قبر فإذا فيه إنسان يقرأ سورة تبارك الذي بيده الملك حتى ختمها فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله إني ضربت خيائي على قبر وأنا لا أحسب أنه قبر فإذا فيه إنسان يقرأ سورة تبارك الذي بيده الملك حتى ختمها فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم هي المأمنة هي المنجية تنجيه من عذاب القبر.

قال أبو عيسى هذا حديثٌ حسنٌ غريبٌ من هذا الوجهِ وفي الباب عن أبي هريرة.

ابن عباس می گوید بعضی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم خیمه‌ای بر قبر برپا کردند و نمی دانستند که قبر است و در درون قبر کسی سوره تبارک را می خواند و سوره را ختم کرد پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند آن صحابی گفت آقا جان من خیمه بر قبری زدم و نمی دانستم قبر است و در قبر شخصی سوره تبارک می خواند تا آن را ختم کرد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند سوره تبارک او را از عذاب نجات می‌دهد ، ابو عیسی می گوید روایت حسن و غریب است (مورد قبول است) [۹۹]

اقرار علمای اهل سنت به اعتبار سند روایت:

دیگر علمای اهل سنت که روایت را آوردند، نیز بر حسن بودن روایت تصریح کرده اند:

سیوطی می نویسد: ترمذی روایت را آورده است و گفته روایت حسن است و حاکم نیشابوری روایت را صحیح دانسته است:

وأخرج الترمذی وحسنه والحاکم وصححه والبيهقی عن ابن عباس قال ضرب بعض أصحاب النبي صلی الله علیه وسلم خباءه علی قبر وهو لا يحسب انه قبر فإذا فيه إنسان یقرأ سورة الملك حتی ختمها فأتانی النبي صلی الله علیه وسلم فأخبره فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم وهي المانعۃ هی المنجیۃ باب ما وقع فی حمراء الاسد من الآیات. [۱۰۰]

اشبیلی ازدی نیز سخن ترمذی را در تحسین روایت نقل کرده است:

قال أبو عيسى : هذا حديث حسن غريب من هذا الوجه . [۱۰۱]

قرطبی می نویسد :

قال حديث حسن غريب. [۱۰۲]

زرعی دمشقی می گوید :

قال الترمذی هذا حديث حسن غريب. [۱۰۳]

محمد بن عبد الوهاب نیز می گوید :

امام وهابیت روایت را آورده و می نویسد که ترمذی آن را آورده و گفته روایت حسن است :

وللترمذی وحسنه عن ابن عباس قال : ضرب بعض أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر ، وهو لا يحسب أنه قبر ، فإذا فيه إنسان يقرأ سورة الملك حتى ختمها ، فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فأخبره فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : هي المانع ، هي المنجية ، تنجيه من عذاب القبر . [۱۰۴]

از عبارات فوق ، روشن می شود که ناقلان تحسین ترمذی و تصحیح حاکم نیز به اعتبار سند این روایت اعتقاد داشته اند و گرنه تعلیقه ای بر آن می افزودند .

۳. عذاب شدن سخن چین در زمان پیامبر صل الله علیه و آله وسلم :

در صحیح بخاری باب خاصی برای عذاب قبر تحت عنوان «۸۷ باب عذاب القبر من الغيبة والبول» وجود دارد ، و هنگامی که عذاب ثابت شد ، حیات هم ثابت می شود :

حدثنا قُتَيْبَةُ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ طَاوُسٍ قَالَ قَالَ بَن عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى قَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ

وما يُعَذِّبان من كَبِيرٍ ثُمَّ قَالَ بَلَىٰ أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَسْعَىٰ بِاللَّيْمَةِ وَأَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ قَالَ ثُمَّ أَحَدًا عُوْدًا رَطْبًا فَكَسَرَهُ بِاَثْنَيْنِ ثُمَّ عَرَزَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى قَبْرِ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ يُخَفِّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسِئَا.

پيامبر صلی الله عليه وسلم بر دو قبر گذشت؛ پس فرمود این دو نفر دارند عذاب می شوند و به خاطر گناه کبیره عذاب نمی شوند سپس فرمود بله اما یکی از آن دو خبر چين بود و دیگری در جلوی مردم ادرار می کرد سپس حضرت یک چوب تر برداشت و دو قسمتش کرد و روی قبر شان گذاشت و فرمود بلکه خدا قبل از خشک شدن چوب در عذابشان تخفیف دهد. [۱۰۵]

۴. پناه بردن رسول خدا از عذاب قبر:

در صحیح بخاری باب خاصی برای پناه بردن به خدا از عذاب قبر «باب التَّعَوُّذِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» وجود دارد که خود رسول خدا صلی الله عليه وآله از عذاب قبر به خداوند پناه برده است و در این باره به دو روایت آن اشاره می کنیم.

روایت اول:

حَدَّثَنَا مُعَلَّى حَدَّثَنَا وَهَيْبٌ عَنْ مُوسَى بْنِ عُقْبَةَ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنَةُ خَالِدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ الْعَاصِ أَنَّهَا سَمِعَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَتَعَوَّذُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

از دختر خالد نقل می کند که از پیامبر صلی الله عليه وسلم شنید که حضرت از عذاب قبر به خدا پناه می برند. [۱۰۶]

روایت دوم:

حَدَّثَنَا مُسْلِمٌ بْنُ أَبِرَاهِيمٍ حَدَّثَنَا هِشَامٌ حَدَّثَنَا يَحْيَىٰ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُو اللَّهَ إِني أَعُوذُ

بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ.

ابوهریره گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم این گونه دعا می کردند: خدایا به تو پناه می برم از عذاب قبر و عذاب دوزخ و فتنه زنده شدن و مردن و فتنه مسیح دجال. [۱۰۷]

نتیجه این روایات این است که لازمه عذاب در قبر، حیات و زنده بودن در قبر است؛ چرا که عذاب بدون حیات امکان ندارد پس مرده در قبر حیات دارد.

#### ۵. سؤال پرسیدن از میت در قبر:

طبق روایت دیگر، رسول خدا صلی الله علیه وآله از سؤال در قبر سخن گفت و مسلمانان که این سخن را شنیدند ضجه زدند:

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمَانَ حَدَّثَنَا بَنُ وَهَبٍ قَالَ أَخْبَرَنِي يُونُسُ عَنْ بَنِ شَهَابٍ أَخْبَرَنِي عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ أَنَّهُ سَمِعَ أَسْمَاءَ بِنْتَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا تَقُولُ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطِيبًا فَذَكَرَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ الَّتِي يَفْتِنُ فِيهَا الْمَرْءُ فَلَمَّا ذَكَرَ ذَلِكَ ضَجَّ الْمُسْلِمُونَ ضَجَّةً زَادَ غَنْدَرُ عَذَابِ الْقَبْرِ حَقَّ.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه ای امتحان در قبر و اینکه از انسان در قبر سؤال می شود را ذکر کرد و مسلمانان در این هنگام ضجه زدند و گریه کردند، غندر اضافه کرد که عذاب قبر حق است. [۱۰۸]

#### ۶. شنیده شدن صدای عذاب شدن مردگان در قبر:



مسلم نیشابوری امام اهل سنت در صحیح خودش آورده است که صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شود شنید :

حدثنا محمد بن الْمُثَنَّى وَبن بَشَّارٍ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنْ لَا تَدَافِنُوا لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

از انس نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : اگر نمی‌ترسیدم که از دفن همدیگر امتناع کنید دعا می‌کردم تا صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شنیدید. [۱۰۹]

استدلال ابن تیمیه به شنیدن اموات:

حتی ابن تیمیه به این روایت بر شنیدن مردگان (که فرع بر زنده بودن آنها است) استدلال می‌کند :

و ثبت عنه فی الصحیح أنه قال لولا أن لا تدافنوا لسألت الله أن یسمعکم عذاب القبر مثل الذی أسمع و ثبت عنه فی الصحیح أنه نادى المشرکین یوم بدر لما ألقاهم فی القلیب وقال ما أنتم بأسمع لما أقول منهم والآثار فی هذا کثیرة منتشرة والله أعلم .

و ثابت است این روایت از پیامبر در صحیح مسلم که پیامبر فرمود : اگر نمی‌ترسیدم که از دفن همدیگر امتناع کنید دعا می‌کردم تا صدای عذاب شدن مردگان در قبر را می‌شنیدید همانطوری که من می‌شنوم و ثابت شده در صحیح بخاری و مسلم که پیامبر با کشته شدگان مشرکین وقتی که در چاه

بدر انداخت صحبت کرد و فرمود شما شنواتر آنها نیستید و روایات در این باره زیاد است و الله اعلم [۱۱۰]

#### ۷. حیات طفلان شیرخواره در بهشت

ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در بهشت مرضعه (دایه) دارد.

بخاری امام اهل سنت در صحیح خودش روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه نقل کرده است:

حدثنا أبو الوليد حدثنا شعبة عن عدي بن ثابت أنه سمع البراء رضي الله عنه قال  
لما توفي إبراهيم عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن له مرضعاً  
في الجنة.

براهیم می گوید: وقتی ابراهیم علیه السلام (فرزند پیامبر) از دنیا رفت ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: در بهشت کسی هست که ابراهیم را شیر می دهد. [۱۱۱]

پس حضرت ابراهیم زنده است و بعد از مردن حیات دارد.

عمومیت این حکم برای تمام اطفال مسلمان :

این روایت طبق نظر شارحین صحیح بخاری اختصاصی به ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ندارد و شامل اطفال مسلمانان می شود.

ابن بطال قرطبی می نویسد:

وعلی هذا القول جمهور علماء المسلمين أن أطفال المسلمين فى الجنة إلا المجبرة ، فإنهم عندهم فى المشيئة ، وهو قول مجهول مردود بإجماع الحجة الذين لا يجوز عليهم الغلط ، ولا يسوغ مخالفتهم .

و بنا بر این قول است که جمهور علماء مسلمانان عقیده دارند که اطفال مسلمانان وارد بهشت می شوند غیر از فرقه مجبره ... [۱۱۲]

بدر الدین عینی می نویسد:

حَدَّثَنَا أَبُو الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَبْدِ بْنِ ثَابِتٍ أَنَّهُ سَمِعَ الْبَرَاءَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ . قَالَ لَمَّا تُوفِّيَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لَهُ مَرْضِعًا فِي الْجَنَّةِ .

مطابقتیہ للترجمہ من حیث إن النبی ، صلی اللہ علیہ وسلم ، أخبر أن لأبنہ إبراهیم مرضعا فی الجنة ، وهذا يدل علی أن أولاد المسلمين الأطفال فی الجنة .

....طبق روایت ذکر شده بخاطر اینکه پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خبر داد کہ برای فرزندش ابراهیم مرضعه است در بهشت و این دلیل است بر اینکه اطفال مسلمانان در بهشت هستند. [۱۱۳]

اجماع اهل سنت ، بر حیات اطفال بعد از مرگ :

ابو بکر حدادی در پاسخ سؤالی گفته است: به اجماع اهل سنت تمام فرزندان آدم کہ دارای روح هستند در عالم قبر مورد سؤال واقع می شوند:

فَإِنْ قِيلَ هَلْ يُسْأَلُ الطِّفْلُ الرِّضِيعُ فَالْجَوَابُ أَنَّ كُلَّ ذِي رُوحٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَإِنَّهُ يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ بِإِجْمَاعِ أَهْلِ السُّنَّةِ لَكِنْ يَلْقَنَهُ الْمَلَكُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ رَبُّكَ ثُمَّ يَقُولُ

لَهُ قُلُ اللَّهُ رَبِّي ثُمَّ يَقُولُ لَهُ مَا دِينُكَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ قُلْ دِينِيَ الْإِسْلَامُ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ مَنْ نَبِيِّكَ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ قُلْ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ بَعْضُهُمْ لَا يُلْقَنُهُ بَلْ يُلْهِمُهُ اللَّهُ حَتَّى يُجِيبَ كَمَا أَلْهِمَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَهْدِ.

پس اگر گفته شود آیا از طفل شیرخوار سؤال می شود؟ جواب این است که به اجماع اهل سنت تمام ذی روح از فرزندان آدم در عالم قبر مورد سؤال قرار می گیرند، ولی فرشته به او تلقین می کند که پروردگارت خداوند و دینت اسلام و پیامبرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم است. برخی گفته است که فرشته به او تلقین نمی کند بلکه خداوند به او الهام می کند تا این که جواب بدهد همانگونه که به حضرت عیسی علیه السلام در گهواره الهام شد. [۱۱۴]

#### ۸. پرواز برخی افراد بهشتی با فرشتگان

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: جعفر بن ابی طالب را در بهشت دیدم با دو بال همراه فرشته پرواز می کند پس حضرت جعفر بعد از شهادت حیات دارد:

۶۴۶۴ حدثنا أحمد بن المقدم حدثنا عبد الله بن جعفر المدینی وکان خیرا من أیبه إن شاء الله حدثنا العلاء عن أیبه عن أیبه هریره قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم رأیت جعفر بن ابی طالب ملکا یطیر مع الملائکة بجناحین فی الجنة.

ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل می کند که فرمود: جعفر بن ابی طالب را در بهشت دیدم با دو بال همراه فرشته پرواز می کند. [۱۱۵]

همین روایت را حاکم نیشابوری در مستدرک آورده است و می گوید این روایت صحیح است:

أخبرني أحمد بن كامل القاضي ثنا الهيثم بن خلف الدوري ثنا محمد بن المثني حدثني عبيد الله بن عبد المجيد الحنفي ثنا ربيع بن كلثوم عن سلمة بن وهرام عن عكرمة عن بن عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دخلت الجنة البارحة فنظرت فيها فإذا جعفر يطير مع الملائكة وإذا حمزة متكئ على سرير.

صحیح الإسناد ولم يخرجاه هذه أحاديث تركها في الإملاء. [۱۱۶]

و در جای دیگر آورده است:

حدثنا أبو محمد المزني ثنا الهيثم بن خلف الدوري ثنا محمد بن المثني حدثني عبيد الله بن عبد المجيد الحنفي ثنا زمعة بن صالح عن سلمة بن وهرام عن عكرمة عن بن عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دخلت الجنة البارحة فنظرت فيه فإذا جعفر يطير مع الملائكة وإذا حمزة متكئ على سرير. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه. [۱۱۷]

بزرگان اهل سنت در کتابهای ذیل، این روایت را آورده اند. [۱۱۸]

پس طبق این روایت حضرت جعفر بن ابی طالب بعد از شهادت در بهشت متنعّم است و با دو بالی که خداوند به او داده است همراه فرشته ها پرواز می کند، و این بعد از شهادت است و در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده است.

۹. حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام در قبرش زنده است و نماز

می خواند.

امام اهل سنت مسلم نیشابوری در کتاب صحیح خود روایت آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج حضرت موسی را دید که در قبر خود نماز می خواند:

حَدَّثَنَا هَدَّابُ بْنُ خَالِدٍ وَشَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ قَالَا حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتِ الْبُنَانِيِّ وَسُلَيْمَانَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ آتَيْتُ وَفِي رِوَايَةٍ هَدَّابُ مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكَثِيبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ.

وحدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ خَشْرَمٍ أَخْبَرَنَا عَيْسَى يَعْنِي بِنَ يُونُسَ ح وَحَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا جَرِيرٌ كِلَاهِمَا عَنْ سُلَيْمَانَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَنَسِ ح وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا عَبْدُهُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ التَّمِيمِيِّ سَمِعْتُ أَنَسًا يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى وَهُوَ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ وَزَادَ فِي حَدِيثِ عَيْسَى مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي. [۱۱۹]

این روایت در کتابهای ذیل نیز آمده است [۱۲۰]

سیوطی: ادعای تواتر روایات این باب

سیوطی عالم بزرگ اهل سنت می نویسد: حیات پیامبران در قبر معلوم و در نزد ما علمی قطعی است به خاطر ادله و روایات متواتر در این باب.

فأقول حياة النبي صلى الله عليه وسلم في قبره هو وسائر الأنبياء معلومة عندنا علماً قطعياً لما قام عندنا من الأدلة في ذلك وتواترت الأخبار ، وقد ألف البيهقي جزءاً في حياة الأنبياء في قبورهم. [۱۲۱] السبكي:

عقیده ما این است که انبیاء در قبرهایشان زنده هستند  
ومن عقائدنا: أن الأنبياء أحياء في قبورهم فأين الموت؟ [۱۲۲]  
قسطلانی

حیات انبیاء ثابت و معلوم است  
ولا شك أن حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام ثابتة معلومة مستمرة ونبينا  
أفضلهم ، وإذا كان كذلك فينبغي أن تكون حياته أكمل وأتم من حياة  
سائرهم. [۱۲۳]

زینی دحلان  
زینی دحلان مفتی اعظم عربستان می نویسد: حیات انبیاء در نزد اهل سنت  
ثابت است.

وحياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام في قبورهم ثابتة عند أهل السنة بأدلة كثيرة  
ه منها حديث مررت على موسى ليلة أسرى بي صلى في قبره [۱۲۴]  
نتیجه:

با توجه به آیات و روایات فوق، روشن می شود که مردگان پس از رفتن از  
این دنیا زنده هستند و طبق نظر علمای اهل سنت، حیات پس از مرگ مختص  
به شهدا نیست؛ بلکه شامل تمامی اموات می شود.

۱۰. عذاب قبر حق است:

در روایت دیگر آمده است که عایشه از رسول خدا از عذاب قبر سؤال کرد، حضرت فرمود: عذاب قبر حق است:

حَدَّثَنَا عَبْدَانُ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ شُعْبَةَ سَمِعَتْ الْأَشْعَثَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ يَهُودِيَّةً دَخَلَتْ عَلَيْهَا فَذَكَرَتْ عَذَابَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ لَهَا أَعَاذُكَ اللَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَسَأَلَتْ عَائِشَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَقَالَ نَعَمْ عَذَابُ الْقَبْرِ حَقٌّ قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَمَا رَأَيْتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدُ صَلَّى صَلَاةً إِلَّا تَعَوَّذَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.

یک زن یهودی بر عایشه وارد شد پس از عذاب قبر سخن گفت و به عایشه گفت خدا تو را از عذاب قبر حفظ کند پس عایشه از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد عذاب قبر سؤال کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود عذاب قبر حق است، عایشه می گوید که پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از هر نماز از عذاب قبر به خدا پناه می برد. [۱۲۵]

۱۱. انبیاء درون قبر نماز می خوانند

ابو یعلی در مسند خود روایت کرده است که انبیاء درون قبر زنده هستند و نماز می خوانند:

حَدَّثَنَا أَبُو الْجَهْمِ الْأَزْرَقُ بْنُ عَلِيٍّ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بَكِيرٍ حَدَّثَنَا الْمُسْتَلِمُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الْحَجَّاجِ عَنْ ثَابِتِ الْبَنَانِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءٌ فِي قُبُورِهِمْ يَصَلُّونَ.



انس بن مالک می گوید پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: انبیاء در قبرهایشان زنده هستند و نماز می خوانند. [۱۲۶]

هیثمی می گوید که راویان این روایت همه ثقه هستند و روایت صحیح است.

رواه أبو یعلیٰ والبزار ورجال أبو یعلیٰ ثقات [۱۲۷]

ملا علی قاری می نویسد روایت صحیح است.

وصح خبر (الأنبياء أحياء في قبورهم ، يصلون) [۱۲۸]

مناوی می نویسد روایت صحیح است.

وهو حدیث صحیح [۱۲۹]

البانی نیز روایت را صحیح دانسته است. [۱۳۰]

تواتر روایات و اجماع علمای اهل سنت بر حیات انبیاء بعد از وفات

ابن حجر هیتمی از بزرگان اهل سنت می نویسد: علمای اهل سنت بر حیات

انبیاء بعد از مردن اجماع دارند و روایات متواتر بر این مطلب وجود دارد.

الْإِجْمَاعِ عَلَى حَيَاةِ الْأَنْبِيَاءِ كَمَا تَوَاتَرَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ. [۱۳۱]

پس روایت از نظر بزرگان اهل سنت صحیح است و ثابت می کند که انبیاء

بعد از مردن در قبر زنده هستند.

۱۲. رسول الله صل الله عليه و آله بعد از وفات جواب سلام را می دهد

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الله بن يزيد ثنا حيوة ثنا أبو صخر أن يزيد

بن عبد الله بن قسيط أخبره عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

قال ما من أحدٍ يسلم على إلا ردَّ الله عز وجل إلى روحى حتى أردَّ عليه السَّلامَ.

پیامبر صل الله علیه و آله فرمودند: هر کس که به من سلام می کند خداوند

روح من را برمی گرداند تا جواب سلامش را بدهم. [۱۳۲]

همین روایت در سنن ابی داود نیز آمده است. [۱۳۳]

تصحیح سند روایت توسط علمای اهل سنت:

نووی از بزرگان اهل سنت می گوید سند روایت صحیح است:

۳۳۴ وروینا فيه أيضا یاسناد صحیح عن أبی هریره أيضا أن رسول الله صلی الله

علیه وسلم قال ( ما من أحد یسلم علی إلا رد الله علی روحی حتی أورد علیه

السلام. [۱۳۴]

نووی: سند روایت صحیح است.

رواه أبو داود یاسناد صحیح [۱۳۵]

رواه أبو داود یاسناد صحیح. [۱۳۶]

ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می نویسد: این روایت بر طبق تصحیح مسلم

نیشابوری است و ائمه اهل سنت طبق آن فتوی دادند به جواز سلام کردن بر

قبر پیامبر صل الله علیه و آله :

وهذا الحدیث علی شرط مسلم [۱۳۷]

وعلی هذا الحدیث اعتمد الأئمة فی السلام علیه عند قبره صلوات الله وسلامه

علیه [۱۳۸]

انصاری شافعی می نویسد: سند روایت صحیح است.

قلت : رواه أبو داود ( ۱۳۵۰ ) یاسناد جید، [۱۳۹]

عمر بن علی بن أحمد الوادیاشی الأندلسی

رواه أبو داود بإسناد على شرط الصحيح [۱۴۰]

ابن حجر عسقلانی می گوید روایت صحیح است:

ورواته ثقات [۱۴۱]

الشربینی الخطیب الشافعی

رواه أبو داود بإسناد صحيح [۱۴۲]

الزرقانی

أخرجه أبو داود ورجاله ثقات [۱۴۳]

علمای اهل سنت: لازمه این روایت حیات علی الدوام و همشگی پیامبر صل  
الله علیه و آله و سلم است:

سیوطی از بزرگان اهل سنت می نویسد از این روایت حیات همیشگی برای  
پیامبر صل الله علیه و آله و سلم ثابت می شود :

روینا فی الترمذی قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ( ما من أحد يسلم  
على إلا رد الله على روحى حتى أرى عليه السلام ) يؤخذ من هذا الحديث أن  
النبي صلى الله عليه وسلم حى على الدوام وذلك أنه محال عادة أن يخلو  
الوجود كله من واحد مسلم على النبي صلى الله عليه وسلم فى ليل أو نهار فإن  
قلت : قوله عليه السلام : (إلا رد الله إلى روحى) لا يلتئم مع كونه حياً على  
الدوام بل يلزم منه أن تتعدد حياته ووفاته فى أقل من ساعة إذ الوجود لا يخلو  
من مسلم يسلم عليه كما تقدم بل يتعدد السلام عليه فى الساعة الواحدة كثيراً .  
فالجواب : والله أعلم أن يقال : المراد بالروح هنا النطق مجازاً فكأنه قال عليه  
السلام إلا رد الله إلى نطقى وهو حى على الدوام ،

در کتاب ترمذی روایت کردیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کس که به من سلام می کند خداوند روح من را برمی گرداند تا جواب سلامش را بدهم. از این حدیث استفاده می شود که پیامبر صل الله علیه و اله وسلم همیشه زنده است؛ زیرا محال است که در شبانه روز کسی نباشد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام نفرستد.

اگر گفته شود که این فرمایش حضرت، تناسبی با حیات همیشگی و علی الدوام ندارد؛ بلکه لازم می آید تعدد حیات و وفات پیامبر صلی الله علیه و اله در کمتر از یک ساعت؛ چون عالم خالی نمی شود از مسلمانی که بر پیامبر صل الله علیه و آله وسلم سلام می فرستد؛ بلکه در یک ساعت سلامهای متعددی بر حضرت می شود، جواب: منظور از روح در این حدیث مجازاً نطق و حرف زدن است پس اینگار پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده باشند که خدا قدرت حرف زدن را به من برمی گرداند و پیامبر صلی الله علیه و آله حیات همیشگی و علی الدوام دارد. [۱۴۴]

صالحی شامی [۱۴۵]

مناوی [۱۴۶]

سخاوی [۱۴۷]

پس طبق این حدیث حضرت حیات دارد و جواب سلام مسلمان را از درون قبر می دهد.

مسلمانان در هر نماز بر پیامبر صل الله علیه و اله سلام می دهند به سلام خطاب، السلام علیک ایها النبی و رحمه الله وبرکاته و حتی لجنه افتاء عربستان نیز به

آن فتوی داده است و ابن تیمیه رهبر فکری وهابیت می گوید: سلام خطابی به کسی می شود که صدا را می شنود.

جواب لجنة افتاء عربستان در مورد کیفیت تشهد و سلام نماز:

صفة التشهد الذی کان یقولہ رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) فی صلاتہ ویأمر أصحابہ بها ہی ما أخرجه الشیخان فی الصحیحین عن عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ قال : علمنی رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) کفی بین کفیه کما یعلمنی السورۃ من القرآن التحیات لله والصلوات والطیبات السلام علیک أیها النبی ورحمة اللہ وبرکاتہ السلام علینا وعلی عباد اللہ الصالحین أشهد أن لا إله إلا اللہ وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

وهذا هو الأصح لأن النبی (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) علمه أصحابه ولم یقل إذا مت فقولوا السلام علی النبی . . وبالله التوفیق وصلی اللہ علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم.

طریقه تشهد که رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) در نماز خود می خواند و به اصحابش دستور می داد، همان روایتی است که بخاری و مسلم در صحیحین از ابن مسعود : پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) به من تعلیم داد در حالی که دستم در دستش بود همانگونه که سوره ای از قرآن یادم می داد، السلام علیک أیها النبی ورحمة اللہ وبرکاتہ السلام علینا وعلی عباد اللہ الصالحین أشهد أن لا إله إلا اللہ وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

و این صحیح است چونکه پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به صحابه تعلیم داد و فرمود که اگر از دنیا رفتم بگوئید: السلام علی النبی .. وبالله التوفیق و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه وسلم. [۱۴۸]

ابن تیمیه رهبر فکری و هابیت:

وقد ثبت عنه فی الصحیحین من غیر وجه أنه کان یأمر بالسلام علی أهل القبور و یقول ( قولوا السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و انا ان شاء الله بکم لاحقون و یرحم الله المستقدمین منا و منکم و المستأخرین نسأل الله لنا و لکم العافیة اللهم لا تحرمننا أجرهم و لا تفتننا بعدهم و اغفر لنا و لهم ، فهذا خطاب لهم و إنما یخاطب من یسمع

و ثابت است روایت در صحیح بخاری و مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرق مختلف که دستور به سلام کردن بر مردگان داده است و می فرمود ( بگوئید سلام بر شما ای اهل دیار مؤمنین و مسلمین و ما انشاء الله به شما ملحق می شویم و خداوند مستقدمین و مستأخرین از ما و شما را رحمت کند و از خداوند برای ما و شما طلب عافیت داریم، خدایا ما از اجر و پاداششان محروم نکن و ما و آنها را ببخش. و این خطاب به مردگان است و فقط کسی که می شنود مورد خطاب قرار می گیرد. [۱۴۹]

۱۳. صلوات مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر عرضه می شود

روایت در مصنف ابن ابی شیبہ استاد بخاری، مسند احمد، سنن دارمی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، سنن نسائی و... آورده اند:

حدثنا حُسَيْنُ بن عَلِيٍّ عن عبد الرحمن بن جَابِرٍ عن أَبِي الأشْعَثِ الصَّنَعَانِيِّ عن أَوْسِ بن أَوْسٍ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ النَّفْخَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ فَاتَّكِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ يَعْنِي بَلَيْتَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ

رسول الله (صل الله عليه و آله وسلم) می فرماید: روز جمعه از برترین روزهاست در این روز حضرت آدم آفریده شده و دمیدن روح و نفخه صور در این روز است پس زیاد بر من در این روز درود بفرستید پس همانا که درود شما بر من عرضه می شود، پس شخصی گفت: ای پیامبر خدا چگونه بر شما عرضه می شود در حالی که بدن شما از بین می رود، پس حضرت فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیاء را از بین ببرد. [۱۵۰]

تصحیح روایت توسط علمای اهل سنت:

حاکم نیشابوری: این حدیث طبق شرایط صحت روایات صحیح بخاری و مسلم است.

هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه [۱۵۱]

ذهبی نیز در تعلیقه بر مستدرک: این حدیث طبق شرایط صحت روایات صحیح بخاری و مسلم است.

تعلیق الذهبی فی التلخیص: علی شرط البخاری و مسلم [۱۵۲]

البانی: سند روایت صحیح است. [۱۵۳]

نووی: این حدیث صحیح است، ابو داود و نسائی و دیگران با سند صحیح آن را آورده‌اند.

حدیث اوس بن اوس هذا صحیح ، رواه أبو داود والنسائی وغيرهما بأسانید صحیحه ، [۱۵۴]

رواه أبو داود یاسناد صحیح [۱۵۵]  
الحزامی

رواه أبو داود یاسناد صحیح . [۱۵۶]  
الزرعی

إسناده صحیح [۱۵۷]

ابن حجر عسقلانی: سند روایت صحیح است.

سنده صحیح [۱۵۸]

الأنصاری الشافعی

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَغَيْرُهُ بِأَسَانِيدٍ صَحِيحَةٍ [۱۵۹]

الصالحی الشامی

وروی ابن ماجه - برجال ثقات [۱۶۰]

الشربینی

رواه أبو داود وغيره بأسانید صحیحه [۱۶۱]

پس طبق این روایت صحیح ثابت می شود که صلوات مسلمانان بر پیامبر عرضه می شود و حضرت آن را درك می کند و بدن حضرت نیز سالم می ماند، این را اگر حیات نگوییم چه بگوییم.



## ۵. نظر علمای اهل سنت در مورد شنیدن مردگان

بخش پایانی این مقاله را با ذکر سخنان علمای اهل سنت را در باره شنیدگان مردگان به پایان می بریم:

۱. محمد بن اسماعیل بخاری:

بخاری در کتاب صحیح بخاری که اصح کتب نزد اهل سنت بعد از قرآن است باب خاصی در باره شنیدن مردگان صدایی پای تشیع کنندگان دارد:

۶۶ بَابُ الْمَيِّتِ يَسْمَعُ خَفَقَ النُّعَالِ. [۱۶۲]

و روایتش را قبلاً متذکر شدیم.

۲. مسلم بن الحجاج نیشابوری:

وی نیز در صحیح خودش می نویسد که مرده، حتی صدای پای تشیع کنندگان را که از کنار قبر برمی گردند، می شنود.

إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ إِنَّهُ لَيَسْمَعُ خَفَقَ نِعَالِهِمْ إِذَا أَنْصَرَفُوا [۱۶۳].

روایات این کتاب را نیز در بحث های قبلی متذکر شدیم.

۳. ابن تیمیه

ابن تیمیه رهبر فکری و هابیت به این آیات و روایات بر شنیدن مردگان استدلال کرده است:

سئل هل يتكلم الميت في قبره؟

فقال وأما سؤال السائل هل يتكلم الميت في قبره فجوابه أنه يتكلم وقد يسمع أيضا من كلمه كما ثبت في الصحيح عن النبي أنه قال إنهم يسمعون قرع نعالمهم وثبت عنه في الصحيح أن الميت يسأل في قبره فيقال له من ربك وما دينك ومن نبيك فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت فيقول الله ربي والإسلام ديني ومحمد نبي ويقال له ما تقول في هذا الرجل الذي بعث فيكم فيقول المؤمن هو عبد الله ورسوله جاءنا بالبينات والهدى فأما به واتبعناه وهذا تأويل قوله تعالى (يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة). (ابراهيم/۲۷).

از ابن تیمیه سؤال شد: آیا مرده در قبرش حرف می زند؟

جواب: و اما در مورد این سؤال که آیا مرده در قبرش حرف می زند؟ جواب این است که مرده هم حرف می زند و هم می تواند صدای کسی را که با او حرف می زند، بشنود، همانگونه که در حدیث صحیح از نبی مکرم آمده که فرمود: مردگان صدای نعلین را می شنوند و ثابت شده در حدیث صحیح که از مرده در قبر سؤال می شود، پس به او گفته می شود خدای تو کیست؟ دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس خدا مؤمنین را در گفتار استوار قرار می دهد، پس مؤمن جواب می دهد الله پروردگارا و اسلام دین و محمد پیامبر من است، پس از مؤمن سؤال می شود در مورد آقائی که به سوی شما مبعوث کردیم چه عقیده ای داری؟ پس مؤمن جواب می دهد که ایشان بنده و فرستاده خداست، با آیات آشکار و هدایت به سوی ما آمد پس ما ایمان آوردیم و از ایشان پیروی کردیم و این تأویل این آیه است. [۱۶۴]

همچنین در جای دیگر می گوید :

وسئل عن الأحياء إذا زاروا الأموات هل يعلمون بزيارتهم وهل يعلمون بالميت إذا مات من قرابتهم أو غيره؟

فأجاب الحمد لله نعم قد جاءت الآثار بتلاقيهم وتساؤلهم وعرض أعمال الأحياء على الأموات كما روى ابن المبارك عن أبي أيوب الأنصاري قال (إذا قبضت نفس المؤمن تلقاها الرحمه من عباد الله كما يتلقون البشير في الدنيا فيقبلون عليه ويسألونه فيقول بعضهم لبعض أنظروا أحاكم يستريح فإنه كان في كرب شديد قال فيقبلون عليه ويسألونه ما فعل فلان وما فعلت فلانه هل تزوجت) الحديث

وأما علم الميت بالحي إذا زاره وسلم عليه ففي حديث ابن عباس قال قال رسول الله (ما من أحد يمر بقبر أخيه المؤمن كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا عرفه ورد عليه السلام) قال ابن المبارك ثبت ذلك عن النبي صلى الله عليه وسلم وصححه عبد الحق صاحب الأحكام.

از ابن تیمیه سؤال شد وقتی زنده ها به زیارت قبرهای مردگان می روند ، آیا مردگان، زائر قبر را می شناسند؟ و آیا اگر کسی از خویشاوندانشان بمیرد از حال او آگاه می شوند؟

جواب داد : بعد از حمد و سپاس خدا ، بله ، روایت در اثبات ملاقات مردگان با هم و عرضه شدن اعمال زندگان بر آنها آمده است ، مثل روایت ابن مبارک از ابویوب انصاری که گفته : وقتی جان مؤمن گرفته می شود بندگان خدا به استقبال او می آیند همانگونه که در دنیا مردم به استقبال کسی می روند

که مژده آورده است و از او سؤال می کنند ، بعضی از آنان می گویند اجازه دهید برادر مؤمنان استراحت کند ، او در سختی و شدت بوده است ، سپس از او سؤال می کنند فلانی چکار کرد و آیا فلانی ازدواج کرد ؟ .....

و اما در مورد آگاهی مردگان به کسی که به زیارتشان می آید و به آنان سلام می کند ، در روایت ابن عباس از پیامبر آمده است ( هر کسی که به قبر برادر مؤمن خود که در دنیا او را می شناخت برود و به او سلام بدهد مرده او را می شناسد و جواب سلام او را می دهد ) ابن مبارک می گوید این روایت از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است و عبد الحق صاحب کتاب الاحکام این روایت را تصحیح کرده است . [۱۶۵]

۴. ابن قیم الجوزیه:

او نیز بر تواتر روایاتی که حاکی این مطلب که میت زائران قبرش را می شناسند ، تصریح کرده است

وقد تواترت الآثار عنهم بأن الميت يعرف زیارة الحی له ویستبشر به روایات متواتر است که مرده زائر قبرش را می شناسد و خوشحال می شود.

[۱۶۶]

۵. ابن کثیر دمشقی سلفی

ابن کثیر دمشقی سلفی از بزرگان اهل سنت در تفسیرش تصریح می کند که روایات متواتر وجود دارد که مردگان ، زائران قبرشان را می شناسند و با دیدن آنها خوشحال می شوند:

وقد تواترت الاثار عنهم بأن الميت يعرف بزيارة الحى له ويستبشر فروى ابن أبى الدنيا فى كتاب القبول عن عائشة رضى الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه و سلم ما من رجل يزور قبر أخيه ويجلس عنده إلا استأنس به ورد عليه حتى يقوم وروى عن أبى هريرة رضى الله عنه قال إذا مر الرجل بقبر يعرفه فسلم عليه رد عليه السلام

و به درستی که روایت متواتر از صحابه وجود دارد که مرده زائر قبرش را می شناسد و خوشحال می شود ، ابن ابی دنیا در کتاب قبول از عایشه روایت کرده که گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که به زیارت قبر برادر مؤمنش برود و در کنار قبرش بنشیند ، از درون قبر جوابش را می دهد و از آمدنش خوشحال می شود تا اینکه از کنار قبر برود ، و ابوهریره از پیامبر نقل می کند که فرمود : هر گاه که شخصی به قبر کسی گذر کند که او را می شناسد و سلام کند جواب سلامش را می دهد. [۱۶۷]

ع. ابن جریر طبری

محمد بن جریر طبری از بزرگان اهل سنت می نویسد که بیشتر علما قائل به شنیدن مردگان هستند و روایات این باب را تصحیح کرده اند:

فقال جماعة يكثر عددها بتصحيحها وتصحيح القول بظواهرها وعمومها وقالوا الميت بعد موته يسمع كلام الأحياء ولذلك قال النبي صلى الله عليه وسلم لأهل القليب بعدما ألقوا فيه ما قال قالوا وفى قوله لأصحابه إذ قالوا أتكلم أقواما قد ماتوا وصاروا أجسادا لا أرواح فيها فقال (ما أنتم بأسمع لما أقول منهم).

جماعت زیادی از علما روایات سماع مردگان در جنگ بدر را تصحیح کردند و عمل به ظاهر آن روایات کردند و قائل شدند که انسان بعد از مردن صدای زندگان را می شنود و بخاطر این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با کشتگان بدر صحبت کردند بعد از انداختنشان در چاه و فرمایش پیامبر به اصحابش وقتی اعتراض کردند و گفتند با مردگانی صحبت می کنید که جسد بون روح هستند پس حضرت جواب داد: شما شنواتر از آنها به حرفهای من نیستید [۱۶۸]

#### ۷. انصاری قرطبی

امام اهل سنت قرطبی می نویسد، اگر مرده نمی شنید به او سلام نمی شد؛ پس مرده می شنود و این مطلب واضح است و به تحقیق ما آن را در کتاب تذکره بیان کردیم .

وبأن الميت يسمع قرع النعال إذا انصرفوا عنه إلى غير ذلك فلو لم يسمع الميت لم يسلم عليه وهذا واضح وقد بيناه في كتاب التذكرة. [۱۶۹]

#### ۸. آلوسی بغدادی

آلوسی علامه اهل سنت می نویسد که قول حق این است که مردگان می شنوند:

والحق أن الموتى يسمعون في الجملة. [۱۷۰]

#### ۹. محیی الدین نووی

نووی شارح صحیح مسلم می نویسد که مرده صدای کسانی که کنار قبر هستند را می شنود:

اثبات فتنه القبر وسؤال الملکین وهو مذهب أهل الحق ومنها استحباب المكث عند القبر بعد الدفن لحظة نحو ما ذکر لما ذکر وفيه أن الميت يسمع حينئذ من حول القبر.

اثبات سؤال منکر و نکیر در قبر مذهب اهل حق است و به خاطر این است که بعد از دفن مستحب است که چند لحظه ای در کنار قبر بمانند و اینکه مرده صدای کسانی که دور قبر هستند را می شنود. [۱۷۱]

۱۰. ابن حجر هیثمی

وی در پاسخ سؤالی می گوید: مردگان کلام مردم را می شنوند:

هل يَسْمَعُ الْمَيِّتُ كَلَامَ النَّاسِ فَأَجَابَ بِقَوْلِهِ نَعَمْ لِحَدِيثِ أَحْمَدَ وَجَمَاعَةٍ إِنَّ الْمَيِّتَ يَعْرِفُ مَنْ يُغَسَّلُهُ وَيَحْمِلُهُ وَيُدْلِيهِ فِي قَبْرِهِ.

آیا مرده کلام مردم را می شنود، جواب: بله بخاطر روایت احمد بن حنبل و جماعتی از علما که مرده کسی را که او را غسل می دهد و جنازه اش را حمل می کند و کسی که او را در قبر می گذارد را می شناسد. [۱۷۲]

۱۱. محمد بن حسن شیبانی

وی نیز اجماع اکثر صحابه را بر شنیدن مردگان گزارش کرده است:

واجماع اکثر الصحابة عليه. [۱۷۳]

۱۲. ابن بطال بکری قرطبی

ابن بطلال نیز در شرح بخاری همچین سخنی دارد:

۵۲- بَابُ الْمَيِّتِ يَسْمَعُ حَقْقَ النَّعَالِ [۱۷۴]

۱۳. جلال الدین سیوطی

سیوطی بر شنیدن مردگان اعم از انبیاء و غیر آنها، تصریح دارد:

وأما الإدراکات کالعلم والسمع فلا شک أن ذلك ثابت لهم ولسائر الموتی.

و اما ادراکات مثل علم و شنیدن، شکی نیست که ثابت است برای انبیاء و

برای دیگر مردگان. [۱۷۵]

وی در پاسخ این پرسش که آیا میت سخن مردم و مدح و ثنای آن را

می شنوند؟ گفته است که مردگان می شنوند. متن استفتاء و جواب آن این

است:

وأما المسألة الثالثة : وهی هل یسمع المیت کلام الناس وثناءهم علیه وقولهم

فیه ؟ فنعم أيضاً ، أخرج الإمام أحمد فی مسنده ، والمروزی فی الجنائز ، وابن

أبی الدنيا ، وغیرهم من طریق أبی عامر العقدی عن عبد الملك بن الحسن

المدنی عن سعد بن عمرو بن سلیم عن معاویة أو ابن معاویة وعن أبی سعید

الخدري قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ( إن المیت يعرف من یغسله

ویحملة ویدلیه فی قبره ) وأخرجه الطبرانی فی الأوسط من طریق آخر عن أبی

سعید ،

و اما مسئله سوم : آیا مردگان کلام و ثناء زندگان را می شنوند ؟ بله احمد

حنبل در مسند خود و مروزی در کتاب جنائز و ابن ابی دنیا و دیگران از ابی



عامر از عبد الملک بن الحسن مدنی از سعد بن عمرو بن سلیم از معاویه یا ابن معاویه و از ابی سعید خدری نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: مرده کسی را که او را غسل می دهد و جنازه اش را حمل می کند و کسی که او را در قبر می گذارد را می شناسد. [۱۷۶]

۱۴. أحمد بن إدريس صنهاجی  
وی می نویسد که مردگان در قبرهایشان موعظه و قرآن و ذکر و تسبیح و تهلیل (سبحان الله و لاله الا الله) را می شنوند:

و كذلك الموتی یسمعون فی قبورهم المواعظ والقرآن والذکر والتسبیح والتهلیل ولا ثواب لهم فيه على الصحيح لأنهم غیر مأمورین بعد الموت ولا منہین فلا إثم ولا ثواب لعدم الأمر والنهی هذا أحد أسباب المثوبات.

و همچنین مردگان در قبرهایشان موعظه و قرآن و ذکر و تسبیح و تهلیل (سبحان الله و لاله الا الله) را می شنوند و بنابر قول صحیح ثواب و عقاب ندارند چون مردگان بعد از مردن مأمور و منهی نیستند و پس نه گناهی بر آنان است و نه ثوابی به خاطر نبود امر و نهی که از اسباب ثواب و عقاب است.

[۱۷۷]

۱۵. تمیمی حنبلی  
وی نیز در کتاب «الفواکه» بعد از نقل روایات مربوط به کشتگان بدر می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم في ذلك تخصيصاً ،

روایات شنیدن کشتگان بدر بعد از مرگ روایت صریحی در اثبات شنیدن مردگان است و پیامبر صلی الله علیه وسلم در شنیدن مردگان نفرموده که مختص به کشتگان بدر است. [۱۷۸]

۱۶. جکنی شنیطی

وی نیز در ذیل روایتی می نویسد:

وهو نص صحيح صريح في سماع الموتى ، ولم يذكر صلى الله عليه وسلم فيه تخصيصاً . [۱۷۹]

۱۷. محمد بن عبدالوهاب

ابن عبد الوهاب نیز اعتراف به شنیدن مردگان دارد :

أخرج أحمد وغيره عن أبي سعيد أن النبي صلى الله عليه وسلم قال : إن الميت يعرف من يغسله ويحمله ومن يكفنه ومن يدليه في حفرة .

وأخرج أبو نعيم وغيره عن عمرو بن دينار قال: ما من ميت يموت إلا روحه في يد ملك الموت ينظر إلى جسده ، كيف يغسل ، وكيف يكفن ، وكيف يمشی به ، ويقال له وهو على سريره: اسمع ثناء الناس عليك .

وأخرج ابن أبي الدنيا معناه عن جماعة من التابعين بلفظ: بيد ملك . بلا إضافة . وللشيخين عن أنس : أن النبي صلى الله عليه وسلم وقف على قتلى بدر فقال : يا فلان بن فلان يا فلان بن فلان هل وجدتم ما وعد ربكم حقاً ؟ فإني وجدت ما

وعدنی ربی حقاً فقال عمر: یا رسول الله، کیف تکلم أجساداً لا أرواح فیها؟ فقال: ما أنتم بأسمع لما أقول منهم، غیر أنهم لا يستطيعون أن یردوا علی شیئاً. احمد بن حنبل و دیگران از ابی سعید خدری از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل کردند که فرمود: مرده شخصی که او را غسل می دهد و کسی که جنازه او را برمی دارد و کسی که او را کفن می کند و کسی که بدن را در قبر می گذارد را می شناسد.

و ابو نعیم و دیگران از عمرو بن دینار نقل کردن که گفته: هر کس که بمیرد روحش در دست فرشته مرگ است و به جسدش نگاه می کند، چگونه غسلش می دهند و چگونه کفنش می کنند و روی دوش می برند و در حالی که در تابوت است به او گفته می شود که: ثنای مردم را بر خودت بشنو. و ابن ابی الدنیا این روایت را به همین مضمون از جماعتی از تابعین با این لفظ نقل کرده است: بید ملک، بودن هیچ اضافه ای.

مسلم و بخاری از انس نقل می کنند: پیامبر صلی الله علیه وسلم کنار کشته های بدر ایستاد پس فرمود: ای فلان بن فلان، ای فلان بن فلان آیا آنچه که خدا به شما وعده داده بود را حق یافتید؟ همانا که من آنچه را که خدایم وعده داده بود را حق یافتم، پس عمر گفت: ای رسول الله، چگونه با اجسادی حرف می زنی که روح در آنها نیست؟ پیامبر فرمود: شماها شنواتر از آنها به آنچه می گویم نیستید، غیر از اینکه آنها نمی توانند پاسخ دهند. [۱۸۰]

همچنین از بسیاری دیگر از علمای اهل سنت ، تصحیح روایات مربوط به شنیدن مردگان و پاسخ دادن آنها را آوردیم که به همین مقدار بسنده می کنیم

نتیجه گیری:

۱. به اقرار علمای اهل سنت ، آیاتی که وهابیون برای مقصود خویش به آن استدلال می کنند ، دلالت بر مدعای آنها ندارد .

۲. تنها کسی از بزرگان اهل سنت ، به وی قول به عدم سماع موتی نسبت داده شده است ، عائشه است و وی نیز از نظر خود برگشته است .

۳. آیات فراوانی وجود دارد که به اقرار علمای اهل سنت ، دلالت بر حیات برزخی اموات ، قدرت شنیدن آنها و پاسخگویی آنها دارد .

۴. اجماع اهل سنت بر حیات برزخی اموات ، و قدرت شنیدن آن و پاسخگویی آنها است .

۵. احادیث اهل سنت در حیات برزخی اموات ، و قدرت شنیدن آنها و پاسخگویی آنها متواتر و بسیاری از آنها صحیح و یا حسن است .

امام محمد غزالی نیز در کتاب احیاء علوم الدین جلد ۱ صفحه ۴۹۳ می گوید:  
و أما زیارة رسول الله صَلَّى الله عليه و سلم: فینبغی أن تقف بین یدیه کما وصفناه، و تزوره میتا کما تزوره حیا، و لا تقرب من قبره إلا کما کنت تقرب من شخصه الکریم لو کان حیا، و کما کنت تری الحرمة فی أن لا تمس شخصه و لا تقبله بل تقف من بعد ماثلا بین یدیه، فکذلک فافعل، فان المس و

التقییل للمشاهد عادة النصارى و اليهود. و اعلم أنه عالم بحضورك و قیامك و زیارتك، و أنه يبلغه سلامك و صلاتك. همان طور که می بینید در مورد پیامبر می گوید که آگاه باش که پیامبر به حضور تو و ایستادن تو و زیارت تو آگاه است.

والسلام علیکم ورحمه الله

با تشکر از <http://www.porseman.org/q/qservice.aspx> که ما را در پاسخگوئی یاری رساندند.

## پاورقی ها:

[١] <http://mohsenzade.com/index.php/component/content/article/-٢٩>

١٣-١١-١٦-٣١-٠٤-١٣٩٣-٣١٧٢/٣٩-٢٧-١٩-٠٨-٠٤-١٣٩٣

[٢] <http://www.alifta.net/fatawa/fatawaDetails.aspx?BookID=٣>

<http://www.startimes.com/f.aspx?t=٢٥١٣٣٢٨٥>

[٣] الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥ هـ)، المستدرک على الصحيحين،

ج ٤، ص ٥٦٠، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى،

١٤١١هـ-١٩٩٠م

[٤] الشيباني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١ هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٥، ص ٤٢٢، ناشر:

مؤسسة قرطبة - مصر.

[٥] علي بن عبد الله بن أحمد الحسنى السهمودى (المتوفى : ٩١١ هـ) الوفاة: ٩١١، خلاصة الوفا

بأخبار دارالمصطفى، ج ١، ص ٥٩. ابن عساكر الدمشقى الشافعى، أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة

الله بن عبد الله (متوفى ٥٧١ هـ)، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج ٥٧،

ص ٢٤٩، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمرى، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥

[٦] مستدرک، ج ٤، ص ٥١٥

[٧] المسند للإمام احمد بن حنبل، شرحه و صنع فهارسه حمزه احمد الزين ج ١٧، ص ٤٢، ص ٤٣،

طبع دارالحديث القاهرة.

[٨] ابن أبى الحديد المدائنى المعتزلى، ابو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد

(متوفى ٦٥٥ هـ)، شرح نهج البلاغة، ج ١٥، ص ١٤٢، تحقيق محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار

الكتب العلمية - بيروت/لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ-١٩٩٨م.

[٩] الأندلسى، احمد بن محمد بن عبد ربه (متوفى: ٣٢٨ هـ)، العقد الفريد، ج ٥، ص ٤٣، ناشر: دار

إحياء التراث العربى - بيروت / لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م.

الآبى، ابوسعد منصور بن الحسين (متوفى ٤٢١ هـ)، نثر الدر فى المحاضرات، ج ٥، ص ٢٣، تحقيق:

خالد عبد الغنى محفوظ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٤م. [١٠] الكامل في اللغة والأدب، ج ١، ص ٢٢٢، چاپ نهضت مصر.

[١١] الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ٤، ص ٨٥، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

الأصارى القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن ج ١٣، ص ٢٣٢، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

السهيلى، أبو القاسم وأبو زيد عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد بن اصبغ (متوفى ٥٨١هـ)، الروض الأنف شرح سيرة سيد ولد آدم المرسلين محمد (ص)، ج ٣، ص ٨٥، طبق برنامہ الجامع الكبير. السيواسى الحنفى، كمال الدين محمد بن عبد الواحد (متوفى ٦٨١هـ)، شرح فتح القدير، ج ٢، ص ١٠٤، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الثانية.

ابن عابدين الحنفى، محمد أمين بن عمر (متوفى ١٢٥٢هـ)، حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأصار فقه أبو حنيفة، ج ٣، ص ٨٣٦، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. - ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

الآلوسى نعمان بن محمود (متوفى ١٣١٧هـ)، الآيات البينات فى عدم سماع الأموات على مذهب الحنفية السادات، ج ١، ص ١٤، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانى، دار النشر: ، الطبعة: الثانية ١٣٩٥هـ [١٢] العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ٧، ص ٣٠٤، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبى بكر (متوفى ٩١١هـ)، شرح السيوطى لسنن النسائى، ج ٤، ص ١١١، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة، ناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م

الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ٤، ص ٨٥، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

التميمى الحنبلى، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب فى الرد على

- من لم يحكم السنّة والكتاب ج ٦، ص ٢٠٠، طبق برنامہ الجامع الكبير.
- [١٣] الجكنى الشقيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٥، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. ١٤١٥هـ-١٩٩٥م.
- [١٤] التميمى الحنبلى، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب فى الرد على من لم يحكم السنّة والكتاب، ج ٦، ص ٢٣٥، طبقرنامہ الجامع الكبير
- [١٥] الجكنى الشقيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٠، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. - بيروت. ١٤١٥هـ-١٩٩٥م.
- [١٦] الفواكه العذاب فى الرد على من لم يحكم السنّة والكتاب التميمى الحنبلى، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب فى الرد على من لم يحكم السنّة والكتاب، ج ٦، ص ١٣٩، طبق برنامہ الجامع الكبير.
- [١٧] الآلوسى البغدادى الحنفى، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ٢٢، ص ١٨٦، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- [١٨] العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ٣، ص ٢٣٤، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دارالمعرفة - بيروت.
- [١٩] ابن تيميه الحرانى الحنبلى، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه، ج ٢٤، ص ٣٦٣، ص ٣٦٤، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيميه، الطبعة: الثانية.
- [٢٠] الدينورى، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث، ج ١، ص ١٥٢، تحقيق: محمد زهرى لنجار، ناشر: دارالجيل - بيروت - ١٣٩٣هـ - ١٩٧٢م
- [٢١] الأنصارى القرطبى، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٦، ص ٩٤، ص ٩٥، ناشر: دارالشعب - القاهرة.
- [٢٢] النحاس المرادى المصرى، أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعيل (متوفى ٣٣٨هـ)، معانى



القرآن الكريم ، ج ٦، ص ٣٦٥، تحقيق: محمد على الصابوني ، ناشر : جامعه أم القرى - مكة المكرمة ، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩هـ.

البغوى، الحسين بن مسعود (متوفى ٥١٦هـ)، تفسير البغوى، ج ٤، ص ١٤١، تحقيق: خالد عبد الرحمن العكك، ناشر: دارالمعرفة-بيروت.

الزمخشري الخوارزمي، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفى ٥٣٨هـ)، الكشف عن حقائق التنزيل وغيون الأفاويل فى وجوه التأويل، ج ٤، ص ٢٥٨، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، بيروت، ناشر: دارإحياء التراثالعربي.

ابن الجوزى الحنبلى، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن على بن محمد (متوفى ٥٩٧هـ)، زاد المسير فى علم التفسير، ج ٧، ص ٣١٩، ناشر: المكتب الإسلامى - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٤هـ - الرازى الشافعى، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفى ٦٠٤هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ٢٧، ص ١٨٥، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

الثعالبي، عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف (متوفى ٨٧٥هـ)، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، ج ٨، ص ٩٤، ناشر: مؤسسة الأعليللمطبوعات-بيروت.

السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الإتقان فى علوم القرآن، ج ١، ص ٦٣، تحقيق: سعيد المنذوب، ناشر: دار الفكر - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م. السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الدر المنثور، ج ٧، ص ٣٨١، ناشر: دارالفكر-بيروت-١٩٩٣.

الحلبى، على بن برهان الدين (متوفى ١٠٤٤هـ)، السيرة الحلبية فى سيرة الأمين المأمون، ج ٢، ص ٨٢، ناشر: دارالمعرفة-بيروت-١٤٠٠.

الشوكانى، محمد بن على بن محمد (متوفى ١٢٥٥هـ)، فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، ج ٤، ص ٥٥٧، ناشر: دارالفكر-بيروت.

الألوسى البغدادي الحنفى، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، ج ٢١، ص ١٣٧، ص ١٣٨، ناشر: دار إحياء التراث العربى-بيروت.

[٢٢] البيهقى، أبى بكر أحمد بن الحسين بن على (متوفى ٤٥٨هـ)، دلائل النبوة، ج ٣، ص ٣٠٧،

- ص ٣٠٨، ص ٣٠٩، ناشر: دارالكتبة العلمية بيروت، الطبعة: الأولى.
- على بن عبد الله بن أحمد الحسنى السمهودى (المتوفى : ٩١١هـ) خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى ، ج ١، ص ٢٦٥، على طبق برنامج جامع الكبير .
- القرشى البغدادي، أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد ابن أبى الدنيا (متوفى ٢٨١هـ) ، من عاش بعد الموت، ج ١، ص ٣٩، تحقيق: محمد حسام بيضون، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة: الأولى ١٤١٣
- [٢٣] السيوطى، جلال الدين عبد الرحمن (متوفى ٩١١هـ)، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ج ١، ص ٢٠٧، تحقيق: عبد المجيد طعمة حلبى، دار النشر: دار المعرفة - لبنان، الطبعة: الأولى ١٤١٧هـ-١٩٩٦م
- [٢٤] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحیح البخارى، ج ٣، ص ١١٨٢، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.
- [٢٥] النيسابورى القشيري ، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ١، ص ١٥١، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- [٢٦] الهيثمى، ابو الحسن نور الدين على بن أبى بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٩، ص ٢٤، ناشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربى - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ
- [٢٧] الشيبانى، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٣، ص ١٦٤، ح ١٢٧٠٦، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.
- [٢٨] ابن كثير الدمشقى، ابو الفداء إسماعيل بن عمر القرشى (متوفى ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم، ج ٢، ص ٣٨٨، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠١هـ
- الطبرانى، ابو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب (متوفى ٣٦٠هـ)، المعجم الكبير، ج ٤، ص ١٢٩، تحقيق: حمدى بن عبد المجيد السلفى، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، ١٤٠٤هـ - ١٩٨٣م.
- الهيثمى، ابو الحسن نور الدين على بن أبى بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٢، ص ٣٢٨، ناشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربى - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ
- جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى الوفاة: ٩١١هـ، الفتح الكبير فى ضم الزيادة إلى

- الجامع الصغير، ج ١، ص ٢٧٢، دار النشر: دار الفكر - بيروت / لبنان - ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م، الطبعة: الأولى، تحقيق: يوسف النبهاني
- الهيثمي، ابو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر (متوفى ٩٧٣هـ)، الفتاوى الكبرى الفقهية، ج ٢، ص ٢٩، دار النشر: دار الفكر
- الهندي، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين (متوفى ٩٧٥هـ)، كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال، ج ١٥، ص ٣٢٦، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م
- [٢٩] الأزدي السُّجِسْتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو (متوفى ٢٧٥هـ)، الزهد لأبي داود، ج ١، ص ٢٢٧، دار النشر: طبق برنامهِ الجامع الكبير.
- [٣٠] القرشي البغدادي، أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد ابن أبي الدنيا (متوفى ٢٨١هـ)، المنامات، ج ١، ص ٩، تحقيق: عبد القادر أحمد عطا، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة: الأولى ١٤١٣-١٩٩٣
- [٣١] الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٣٤٢، ح ٧٨٤٩، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩٠م
- [٣٢] البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخاري، ج ٤، ص ١٤٦١، ح ٣٧٥٧، ص ١٤٧٦، ح ١٣٠٤، ج ١، ص ٤٦٢، ح ٣٨٠٢ تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.
- [٣٣] النيسابوري القشيري، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠٢ - ٢٢٠٣، ح ٢٨٧٤، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- [٣٤] محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦هـ)، أحكام تمنى الموت، ج ١، ص ٤٥٨، تحقيق: الشيخ عبد الرحمن بن محمد السدحان، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين، ناشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى.
- [٣٥] التميمي الحنبلي، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب في الرد على من لم يحكم السنة والكتاب، ج ٦، ص ١٩٥، طبق برنامهِ الجامع الكبير.

- [٣٦] الجكنى الشنقيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج٦، ص ١٣٠ تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر. -بيروت. -١٤١٥هـ-١٩٩٥م.
- [٣٧] أضواء البيان، ج٦، ص ١٣١
- [٣٨] النيسابورى القشيري، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠١، ح ٢٨٧٠ و ج ٤، ص ٢٢٠٠، ح ٢٨٧٠ تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى -بيروت.
- [٣٩] صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٤٨
- [٤٠] البخارى الجعفى، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٢، ح ١٣٠٨، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٩٨٧-١٤٠٧.
- [٤١] ابن تيميه الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٢٩٧، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- [٤٢] كتب ورسائل وفتاوى ابن تيمية فى الفقه، ج ٢٤، ص ١٧٣
- [٤٣] النيسابورى القشيري، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ١، ص ٢١٨، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى -بيروت.
- [٤٤] ابن تيميه الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٣٦٣، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- [٤٥] الشيبانى، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٦، ص ٢٠٢، ناشر: مؤسسة قرطبة -مصر.
- [٤٦] الحاكم النيسابورى، ابو عبد الله محمد بن عبد الله (متوفى ٤٠٥هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ٦٣، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ-١٩٩٠م

- [٤٧] الهيثمي، ابوالحسن نور الدين علي بن أبي بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٨، ص ٢٦، ناشر: دار الريان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ
- [٤٨] النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفى ٤٦٣هـ)، الاستذكار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار في ش رح الموطأ، ج ١، ص ١٨٥ تحقيق: سالم محمد عطا - محمد علي معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٠م.
- [٤٩] العيني الغيتابي الحنفي، بدر الدين ابو محمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج ٨، ص ٦٩، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- [٥٠] ابن تيمية الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨ هـ)، كتب و رسائل و فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ١٧٣ تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحرانى أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، قاعدة جلية فى التوسل والوسيلة، ج ١، ص ١٥٠ دار النشر: المكتب الإسلامى - بيروت - ١٣٩٠ - ١٩٧٠، تحقيق: زهير الشاويش أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحرانى أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، الرد على الأحنائى واستحباب زيارة خير البرية، ج ١، ص ٨٨ دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة، تحقيق: عبد الرحمن بن يحيى المعلمى اليمانى
- ابن تيمية الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨ هـ)، منهاج السنة النبوية، ج ٢، ص ٤٤٢، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسة قرطبة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦هـ
- [٥١] محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦ هـ)، أحكام منى الموت، ج ١، ص ٤٦، تحقيق: الشيخ عبد الرحمن بن محمد السدحان، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين، ناشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى.
- [٥٢] أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبى يعلى، ج ١١، ص ٤٦٢، ح ٦٥٨٤، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٩٨٤-١٤٠٤م.

[٥٣] السلسلة الصحيحة - (ج ١/٦ ص ٢٣٦)

[٥٤] قال الألبانى فى السلسلة الصحيحة ٥٢٤/٦

[٥٥] السلسلة الصحيحة المجلدات الكاملة ١-٩- (ج ٦، ص ٢٣٢)

[٥٦] الهيثمي، ابوالحسن نور الدين علي بن أبي بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٨، ص ٢١١، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ

ابن عساكر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله (متوفى ٥٧١هـ)، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج ٤٧، ص ٤٩٤، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، المطالب العالیه بزوائد المسانيد الثمانية، ج ١٥، ص ٢١١ و ج ١٨، ص ٤٠١، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشترى، ناشر: دار العاصمة/ دار الغيث، الطبعة: الأولى، السعودية - ١٤١٩هـ.

الآلوسی البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ٢٢، ص ٣٥، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الحاوي للفتاوى في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٥٤، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م. [٥٧] الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، ج ١٢، ص ٣٥٧، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

[٥٨] الواقدي، ابو عبد الله محمد بن عمر بن واقد (متوفى ٢٠٧هـ)، كتاب المغازى، ج ١، ص ٢٦٧، ص ٢٦٨، تحقيق: محمد عبد القادر أحمد عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٤م.

الأصبهاني، ابو نعيم أحمد بن عبد الله (متوفى ٤٣٠هـ)، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج ١، ص ١٠٨، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الرابعة، ١٤٠٥هـ

ابن أبي الحديد المدائني المعتزلي، ابو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفى ٦٥٥هـ)

- هـ، شرح نهج البلاغة، ج ١٥، ص ٢٥، تحقيق محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م.
- السيواسي الحنفي، كمال الدين محمد بن عبد الواحد (متوفى ٦٨١هـ)، شرح فتح القدير، ج ٣، ص ١٨٣، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الثانية.
- السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، جامع الاحاديث (الجامع الصغير) وزواده والجامع الكبير، ج ١، ص ٤٥٣، طبقتهمالجامعالكبير.
- الهندي، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين (متوفى ٩٧٥هـ)، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج ١٠، ص ١٧٣، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م.
- [٥٩] محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦ هـ)، أحكام تمنى الموت، ج ١، ص ٤٧، تحقيق: الشيخ عبد الرحمن بن محمد السدحان، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين، ناشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى
- [٦٠] الآلوسي البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ٢١، ص ٥٥، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت
- [٦١] العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، تلخيص الحبير في أحاديث الرافي الكبير، ج ٢، ص ١٣٦، تحقيق السيد عبدالله هاشم اليماني المدني، ناشر: - المدينة المنورة - ١٣٨٤هـ - ١٩٦٤م.
- [٦٢] الشوكاني، محمد بن علي بن محمد (متوفى ١٢٥٥هـ)، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، ج ٤، ص ١٣٩، ناشر: دار الجيل، بيروت - ١٩٧٣.
- [٦٣] الأول الحافظ ابن حجر رحمه الله تعالى ذكر في التخليص (١٣٥ \ ١ - ١٣٦) حديث أبي أمامة المرفوع في تلقين الميت على القبر بعد دفنه فقال إسناده صالح وقد قواه الضياء في أحكام.
- [٦٤] ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى ٥٩٧ هـ)، دفع شبه التشبيه بأكف التنزيه، ج ١، ص ٢٩٨، تحقيق: حسن السقاف، ناشر: دار الإمام النووي - الأردن، الطبعة: الثالثة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م.

- [٦٥] الأمير الصنعاني ، محمد بن إسماعيل (متوفى ١١٨٢هـ) ، سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام ، ج ٢، ص ١١٣ ، تحقيق : محمد عبد العزيز الخولي ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة:الرابعة، ١٣٧٩هـ
- [٦٦] الأنصاري الشافعي، سراج الدين أبي حفص عمر بن علي بن أحمد المعروف بابن الملقن (متوفى ٨٠٤هـ)، البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير، ج ٥، ص ٣٣٤، تحقيق: مصطفى ابوالغيث و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمال، ناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع -الرياض -السعودية، الطبعة:الأولى، ١٤٢٥هـ-٢٠٠٤م.
- [٦٧] ملا علي القاري، نور الدين أبو الحسن علي بن سلطان محمد الهروي (متوفى ١٠١٤هـ)، مرآة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج ١، ص ٣٢٧، تحقيق: جمال عيتاني، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة:الأولى، ١٤٢٢هـ-٢٠٠١م .
- [٦٨] النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ٦٧٤هـ)، الأذكار المنتخبة من كلام سيد الأبرار، ج ١، ص ١٢٩، دار النشر: دار الكتب العربي - بيروت-١٤٠٤هـ-١٩٨٤م.
- [٦٩] الإشبيلي أبو محمد عبد الحق بن عبد الرحمن بن عبد الله الوفاة: ٥٨١ ، العاقبة في ذكر الموت ، ج ١، ص ١٨٢، دار النشر: مكتبة دار الأقصى - الكويت - ١٤٠٦ - ١٩٨٦ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق :خضر محمد خضر:
- [٧٠] الجندی الكندی بهاء الدين محمد بن يوسف بن يعقوب الوفاة: قبل سنة ٧٣٢هـ ، السلوك في طبقات العلماء والملوك ، ج ١، ص ٢٨٢ ، ص ٢٨٣ ، دار النشر : مكتبة الإرشاد - صنعاء - ١٩٩٥م ، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد بن علي بن الحسين الأكوخ الحوال
- [٧١] ابن تيمية الحراني الحنبلي، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٢٩٩، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- ابن تيمية الحراني الحنبلي، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، الفتاوى الكبرى لشيخ الإسلام ابن تيمية ، ج ١، ص ٢٨٩، تحقيق : قدم له حسين محمد مخلوف ، ناشر : دار المعرفة - بيروت .



- [٧٢] الزرعى دمشقى أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد الوفاة: ٧٥١ هـ، الروح فى الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ج ١، ص ١٣ دار النشر: دارالكتبةالعلمية-بيروت-١٣٩٥-١٩٧٥
- [٧٣] الحدادى العبادى الحنفى، أبو بكر بن على بن محمد (متوفى ٨٠٠هـ)، الجوهرة النيرة شرح مختصر القدورى، ج ١، ص ٣٩٨، طبق برنامہ الجامع الكبير.
- [٧٤] الجكنى الشنقى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٨، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر-بيروت-١٤١٥هـ-١٩٩٥م.
- التيمى الحنبلى، احمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب فى الرد على من لم يحكم السنة والكتاب، ج ٦، ص ٢٠٣ طبق برنامہ الجامع الكبير
- [٧٥] الدينورى، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث، ج ١، ص ١٥١-١٥٢، تحقيق: محمد زهرى النجار، ناشر: دار الجبل - بيروت - ١٣٩٣هـ - ١٩٧٢م
- [٧٦] الشيبانى، أحمد بن محمد بن حنبل أبو عبد الله (متوفى ٢٤١هـ)، العقيدة رواية أبى بكر الخلال، ج ١، ص ١٢١، تحقيق: عبد العزيز عز الدين السيروان، دار النشر: دار قتيبة - دمشق، الطبعة: الأولى ١٤٠٨
- [٧٧] البغدادى الحنبلى، أبو الحسين محمد بن أبى يعلى بن الفراء (متوفى ٥٢١هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، ج ١، ص ٣٠٣، تحقيق: محمد حامد الفقى، ناشر: دارالمعرفة-بيروت.
- [٧٨] الأنصارى القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ٤، ص ٢٦٩، ناشر: دارالشعب-القاهرة
- [٧٩] النووى الشافعى، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ٦٧٦ هـ)، شرح النووى على صحيح مسلم، ج ١٣، ص ٦١، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الثانية، ١٣٩٢هـ
- [٨٠] الرازى الشافعى، فخر الدين محمد بن عمر التيمى (متوفى ٦٠٤هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ٩، ص ٧٤، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.
- [٨١] الآيات البيئات فى عدم سماع الأموات ج ١ ص ٣٩ لللاكوسى النعمان بن محمود

- [٨٢] السيرة الحلبية ج ٢، ص ٤٣٢، دار النشر: دار المعرفة - بيروت - ١٤٠٠، ٧.
- [٨٣] ابن تيمية أحمد عبد الحلیم الحراني أبو العباس (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٣٣٢، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي
- [٨٤] الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفى ٣١٠هـ)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ٢٢، ص ١٦١، ناشر: دار الفكر، بيروت - ١٤٠٥هـ.
- [٨٥] الآلوسی البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ٢٢، ص ٢٢٩، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- العمادي، أبو السعود محمد بن محمد (متوفى ٩٥١هـ)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم (تفسير أبي السعود)، ج ٧، ص ١٦٤، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ابن عادل الدمشقي الحنبلي، أبو حفص عمر بن علي (متوفى بعد ٨٨٠هـ)، اللباب في علوم الكتاب، ج ١٦، ص ١٩٦، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م
- الزمخشري الخوارزمي، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفى ٥٣٨هـ)، الكشاف عن حقائق التنزيل وعلوم القرآن في وجوه التأويل، ج ٤، ص ١٣، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، بيروت، ناشر: دار إحياء التراث العربي.
- السمعاني، أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار (متوفى ٤٨٩هـ)، تفسير القرآن، ج ٤، ص ٣٧٣، تحقيق: ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، ناشر: دار الوطن - الرياض - السعودية، الطبعة الأولى، ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م
- [٨٦] الأنصاري القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٥، ص ٢٠، ناشر: دار الشعب - القاهرة.
- [٨٧] الرازي الشافعي، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفى ٦٠٤هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ٩، ص ٧٣، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.
- [٨٨] البخاري الجعفي، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخاري، ج ١،

- ص ٤٦١، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.
- [٨٩] ابن تيمية الحراني الحنبلي، ابو العباس أحمد عبد الحليم (متوفى ٧٢٨ هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ام ابن تيمية، ج ٤، ص ٢٦٦، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- [٩٠] التفازاني، سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله (متوفى ٧٩١ هـ)، شرح المقاصد في علم الكلام، ج ٢، ص ٢٢٠، ناشر: دار المعارف النعمانية - باكستان، الطبعة: الأولى، ١٤٠١ هـ - ١٩٨١ م.
- النيسابوري، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين المعروف بالنظام الأعرج (متوفى ٧٢٨ هـ)، تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان، ج ١، ص ٤٣٩، تحقيق: الشيخ زكريا عميران، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ ق - ١٩٩٦ م.
- ابن عادل الدمشقي الحنبلي، ابو حفص عمر بن علي (متوفى بعد ٨٨٠ هـ)، اللباب في علوم الكتاب، ج ٣، ص ٢٢٠، ج ١٩، ص ٢٢٠، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م.
- [٩١] البخاري الجعفي، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦ هـ)، صحيح البخاري، ج ١، ص ٤٦١، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.
- [٩٢] البغوي، الحسين بن مسعود (متوفى ٥١٦ هـ)، شرح السنة، ج ٥، ص ٤٢١، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - محمد زهير الشاويش، ناشر: المكتب الإسلامي - دمشق - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.
- [٩٣] الأندلسي، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم (متوفى ٤٥٦ هـ)، رسالة في حكم من قال إن أرواح أهل الشقاء معذبة إلى يوم الدين، ج ٣، ص ٢١٩، تحقيق: د. إحسان عباس، دار النشر: المؤسسة العربية للدراسات والنشر - بيروت / لبنان، الطبعة: الثانية، ١٩٨٧ م.
- [٩٤] النيسابوري، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين المعروف بالنظام الأعرج (متوفى ٧٢٨ هـ)، تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان، ج ٣، ص ٤٢١، تحقيق: الشيخ زكريا عميران، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.

- [٩٥] ابن تيمية الحراني الحنبلي، ابو العباس أحمد عبد الحليم (متوفى ٧٢٨ هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٤، ص ٢٦٧، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- [٩٦] الزرعي، محمد بن أبي بكر أيوب أبو عبد الله (متوفى ٧٥١ هـ)، مفتاح دار ال سعادة و منشور ولاية العلم والإرادة، ج ١، ص ٤٣، دار النشر: دارالكتبة العلمية-بيروت
- [٩٧] البخاري الجعفي، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦ هـ)، صحيح البخاري، ج ١، ص ٤٦٣، ح ١٣٠٩، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٩٨٧-١٤٠٧.
- [٩٨] النيسابوري القشيري ، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١ هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠٠، ح ٢٨٦٩، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- [٩٩] الترمذى السلمى، ابو عيسى محمد بن عيسى (متوفى ٢٧٩ هـ)، سنن الترمذى، ج ٥، ص ١٦٤ تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت
- [١٠٠] السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١ هـ)، الخصائص الكبرى، ج ١، ص ٣٦٤، ناشر: دارالكتبة العلمية-بيروت-١٤٠٥ هـ-١٩٨٥ م.
- [١٠١] الاشيلي الأزدي ، أبو محمد عبد الحق بن عبد الرحمن بن عبد الله (معروف بابن الخراط) (متوفى ٥٨١ هـ) ، الأحكام الشرعية الكبرى ، ج ٤، ص ٣٤، ت حقيق : أبو عبد الله حسين بن عكاشة ، ناشر: مكتبة الرشد -السعودية/الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ-٢٠٠١ م .
- [١٠٢] الأنصارى القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى ٦٧١ هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٨، ص ٢٠٥، ناشر: دار الشعب-القاهرة.
- [١٠٣] أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعى الدمشقى الوفاة: ٧٥١ هـ ، الروح فى الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة ، ج ١، ص ٨٠ دار النشر : دارالكتبة العلمية-بيروت-١٣٩٥-١٩٧٥
- [١٠٤] محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦ هـ)، أحكام تمنى الموت ، ج ١، ص ٤٠، تحقيق : الشيخ عبد الرحمن بن محمد السدحان ، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين ، ناشر : مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى .

[١٠٥] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٤، ح ١٣١٢، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.

[١٠٦] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٣، ح ١٣١٠، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.

[١٠٧] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٣، ح ١٣١١، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.

[١٠٨] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٢، ح ١٣٠٧، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.

[١٠٩] النيسابورى القشبرى، ابو الحسن مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠٠، ح ٢٨٦٨، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

[١١٠] ابن تيمية الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٤، ص ٢٧٣، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.

[١١١] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٥، ح ١٣١٦، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧-١٩٨٧.

[١١٢] ابن بطال البكرى القرطبى، ابو الحسن على بن خلف بن عبد الملك (متوفى ٤٤٩هـ)، شرح صحيح البخارى، ج ٣، ص ٣٦٨، تحقيق: ابو تميم ياسر بن إبراهيم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ١٤٢٣هـ-٢٠٠٣م.

[١١٣] العينى الغيتابى الحنفى، بدر الدين ابو محمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج ٨، ص ٢١١، ح ٢٨٣١، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

[١١٤] الحدادى العبادى الحنفى ، أبو بكر بن على بن محمد (متوفى ٨٠٠هـ)، الجوهره ال نيره شرح مختصر القدورى، ج١، ص٣٩٨، طبق برنامہ الجامع الكبير.

[١١٥] أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى (متوفى ٣٠٧هـ)، مسند أبى يعلى، ج١١، ص ٣٥٠، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

[١١٦] الحاكم النيسابورى، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص٢١٧، ح٤٨٩٠، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمیة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ-١٩٩٠م

[١١٧] الحاكم النيسابورى، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ٤٠٥هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص٢٣١، ح٤٩٣٣، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمیة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ-١٩٩٠م

[١١٨] الذهبى الشافعى، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨هـ)، سير أعلام النبلاء، ج١، ص٢١٢، تحقيق: شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسى ، ناشر: مؤسسہ الرسالہ - بيروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣هـ.

ابن كثير الدمشقى، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشى (متوفى ٧٧٤هـ)، السيرة النبوية، ج٣، ص٤٦٧، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الهيثمى، ابوالحسن نور الدين على بن أبى بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج٩، ص٢٧٣، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربى - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ

العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج٧، ص٧٦، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

العينى الغيتابى الحنفى، بدر الدين ابومحمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، ج٨، ص٢٢، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.

الهندي، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين (متوفى ٩٧٥هـ)، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، ج٥، ص٢٨٧، تحقيق: محمود عمر الدمياطى، ناشر: دار الكتب العلمیة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ-١٩٩٨م.

- [١١٩] النيسابورى القشيري ، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٨٤٥، ح ٢٣٧٥، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- [١٢٠] [ابن أبى شيبة الكوفى، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفى ٢٣٥ هـ)، الكتاب المصنف فى الأحاديث والآثار، ج ٧، ص ٣٣٥، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩هـ.
- الصنعانى، ابوبكر عبد الرزاق بن همام (متوفى ٢١١هـ)، المصنف، ج ٣، ص ٥٧٧، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمى، ناشر: المكتب الإسلامى - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ.
- الشيبانى، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٣، ص ١٢٠، ناشر: مؤسسة قرطبة مصر.
- البيزار، ابوبكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفى ٢٩٢ هـ)، البحر الزخار (مسند البزار) ج ١٤، ص ١٢٠، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت المدينة الطبعة: الأولى، ١٤٠٩هـ.
- النسائى، ابوعبد الرحمن أحمد بن شعيب بن على (متوفى ٣٠٣ هـ)، السنن الكبرى، ج ١، ص ٤١٩، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١-١٩٩١.
- أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبى يعلى، ج ٧، ص ١٢٦، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.
- [١٢١] السيوطى، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبى بكر (متوفى ٩١١هـ)، الحاوى للفتاوى فى الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٣٩، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠ م.
- [١٢٢] طبقات الشافعية الكبرى، ج ٣، ص ٣٨٤، دار النشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع - ١٤١٣هـ الطبعة: ط ٢، تحقيق: د. محمود محمد الطناحى د. عبد الفتاح محمد الحلوى.
- [١٢٣] [المواهب اللدنيّة: ج ٣ ص ٤١٣.

[١٢٤] الدرر السنية في الرد على الوهابية، ص ١٣.

[١٢٥] البخارى الجعفى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٦٢، ح ١٣٠٦، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٩٨٧-١٤٠٧.

[١٢٦] أبو يعلى الموصلى التميمى، أحمد بن على بن المثنى (متوفى ٣٠٧هـ)، مسند أبى يعلى، ج ٦، ص ١٤٧، حديث ٣٤٢٥، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٩٨٤-١٤٠٤م.

[١٢٧] الهيمى، ابو الحسن نور الدين على بن أبى بكر (متوفى ٨٠٧هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٨، ص ٢١١، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربى - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧هـ

[١٢٨] ملا على القارى، نور الدين أبو الحسن على بن سلطان محمد الهروى (متوفى ١٠١٤هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج ٣، ص ٤١٥، تحقيق: جمال عيتانى، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ-٢٠٠١م.

[١٢٩] المناوى، محمد عبد الرؤوف بن على بن زين العابدين (متوفى ١٠٣١هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٣، ص ١٨٤، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ١٣٥٦هـ

[١٣٠] الألبانى، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ٢ ص ١٨٧-١٨٩، حديث رقم: ٦٢١.

[١٣١] الهيمى، ابو العباس أحمد بن محمد بن على ابن حجر (متوفى ٩٧٣هـ)، الفتاوى الكبرى للفقهاء، ج ٢، ص ١٣٥، ناشر: دار الفكر

[١٣٢] الشيبانى، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٢، ص ٥٢٧، حديث ١٠٨٢٧، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

[١٣٣] السجستانى الأزدى، ابو داود سليمان بن الأشعث (متوفى ٢٧٥هـ)، سنن أبى داود، ج ٢، ص ٢١٨، تحقيق: محمد محبى الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.

[١٣٤] الإمام النووى الوفاة: ٦٧٦هـ، الأذكار المنتخبة من كلام سيد الأبرار، ج ١، ص ٦٦ دار النشر: دار الكتب العربى - بيروت - ١٤٠٤هـ - ١٩٨٤م. [١٣٥] أبو زكريا يحيى بن شرف النووى الوفاة:

٦٧٦هـ، رياض الصالحين من كلام سيد المرسلين، ج ١، ص ٢٥٥، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٢١هـ-٢٠٠٠م، الطبعة: الثالثة



- النورى الشافعى، محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ٦٧٦هـ)، المجموع، ج ٨، ص ٢٠٠، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، التكملة الثانية.
- [١٣٦] يحيى بن مرى بن حسن بن حسين بن محمد بن جمعة بن حزام الحزامى، الحورانى، أبو زكريا، محيى الدين الدمشقى الشافعى الوفاة: ٢٤ / ٦٧٦هـ، خلاصة الاحكام فى مهمات السنن وقواعد الاسلام، ج ١، ص ٤٤١ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - بيروت - ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، الطبعة: الاولى، تحقيق: حقه وخروج احاديثه: حسين إسماعيل الجمل
- [١٣٧] أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة أصحاب الجحيم، ج ١، ص ٣٢٤، دار النشر: مطبعة السنة المحمدية - القاهرة - ١٣٦٩، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد حامد الفقى
- [١٣٨] أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، قاعدة جلييلة فى التوسل والوسيلة، ج ١، ص ٧١، دار النشر: المكتب الإسلامى - بيروت - ١٣٩٠ - ١٩٧٠، تحقيق: زهير الشاويش
- [١٣٩] الأنصارى الشافعى، سراج الدين أبى حفص عمر بن على بن أحمد المعروف بابن الملقن (متوفى ٨٠٤هـ)، البدر المنير فى تخريج الأحاديث والأثار الواقعة فى الشرح الكبير، ج ٥، ص ٢٩٠ تحقيق: مصطفى أبو الغيط و عبد الله بن سليمان وياسر بن كمال، ناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية، الطبعة: الاولى، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م.
- [١٤٠] عمر بن على بن أحمد الواديشى الأندلسى الوفاة: ٨٠٤، تحفة المحتاج إلى أدلة المنهاج، ج ٢، ص ١٩٠، دار النشر: دار حراء - مكة المكرمة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الله بن سعاف اللحيانى
- [١٤١] العسقلانى الشافعى، أحمد بن على بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢هـ)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، ج ٦، ص ٤٨٨، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.
- [١٤٢] الشربينى الخطيب الشافعى، شمس الدين محمد (متوفى ٩٧٧هـ)، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، ج ١، ص ٥١٢، ناشر: دار الفكر - بيروت.
- [١٤٣] الزرقانى، محمد بن عبد الباقي بن يوسف (متوفى ١١٢٢هـ) شرح الزرقانى على موطأ الإمام مالك، ج ٤، ص ٣٥٧، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ.

- [١٤٤] السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الحاوي للفتاوى في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٤٣، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م. [١٤٥] الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، ج ١٢، ص ٣٦٤، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ
- [١٤٦] المناوى، محمد عبد الرؤوف بن على بن زين العابدين (متوفى ١٠٣١هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٥، ص ٤٦٧، ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، ١٣٥٦هـ [١٤٧] السخاوى، القول البدع فى الصلاة على الحبيب الشفيح: ص ٢٤٣..
- [١٤٨] فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ٧، ص ٧، الفتوى رقم [١٤٩] ابن تيمية الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٢٤، ص ٣٦٣، تحقيق: عبد الرحمن بن محم د بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية.
- [١٥٠] [ابن أبي شيبة الكوفى، ابوبكر عبد الله بن محمد (متوفى ٢٣٥هـ)، الكتاب المصنف فى الأحاديث والآثار، ج ٢، ص ٢٥٣، حديث ٨٦٩٧، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩هـ
- الشيبانى، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفى ٢٤١هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ٤، ص ٨، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.
- الدارمى، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن (متوفى ٢٥٥هـ)، سنن الدارمى، ج ١، ص ٤٤٥، تحقيق: فواز أحمد زمرلى / خالد السبع العلمى، ناشر: دار الكتاب العربى - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧هـ
- السجستانى الأزدى، ابو داود سليمان بن الأشعث (متوفى ٢٧٥هـ)، سنن أبى داود، ج ١، ص ٢٧٥ تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر.
- القزوينى، ابو عبد الله محمد بن يزيد (متوفى ٢٧٥هـ)، سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٣٤٥، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر - بيروت.

النسائي، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (متوفى ٣٠٣ هـ)، السنن الكبرى، ج ١، ص ٥١٩، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١-١٩٩١.

[١٥١] الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن ن عبدالله (متوفى ٤٠٥ هـ)، المستدرک علی الصحيحين، ج ٤، ص ٦٠٤، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ- ١٩٩٠ م.

[١٥٢] المستدرک علی الصحيحين للحاكم مع تعليقات الذهبي في التلخيص - (ج ٤ / ص ٦٠٤) [١٥٣] وإسناده صحيح وأخرجه أبو داود (رقم ١٠٤٧ و ١٥٣١) والنسائي (١ / ٢٠٣ - ٢٠٤) والدارمي (١ / ٣٦٩) وابن ماجه (رقم ١٠٨٥ و ١٦٣٦) والحاكم (١ / ٢٧٨) وأحمد (٤ / ٨) (إرواء الغليل - (ج ١ / ص ٣٤)

سلسلة الأحاديث ال صحيحة: ج ٤ ص ٣٢، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض. الألباني، إرواء الغليل: ج ١ ص ٣٤-٣٥، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٤٠٥ - ١٩٨٥ م.

[١٥٤] النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ٦٧٦ هـ)، المجموع، ج ٤، ص ٤٦٩، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، التكملة الثانية. [١٥٥] أبو زكريا يحيى بن شرف النووي الوفاة: ٦٧٦ هـ، رياض الصالحين من كلام سيد المرسلين، ج ١، ص ٢٢١ دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م، الطبعة: الثالثة

[١٥٦] يحيى بن مرى بن حسن بن حسين بن محمد بن جمعة بن حزام الحزامي، الحوراني، أبو زكريا، محيي الدين الدمشقي الشافعي الوفاة: ٢٤ / ٦٧٦ هـ، خلاصة الاحكام في مهمات السنن وقواعد الاسلام، ج ١، ص ٤٤١ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - بيروت - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، الطبعة: الاولى، تحقيق: حقه وخارج احاديثه: حسين إسماعيل الجمل

[١٥٧] الزرعي الدمشقي الحنبلي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أبي بكر أيوب (مشهور به ابن القيم الجوزية) (متوفى ٧٥١ هـ)، جلاء الأفهام في فضل الصلاة على محمد خير الأنام، ج ١، ص ٨٠ تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط، ناشر: دار العروبة - الكويت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.

[١٥٨] العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى ٨٥٢ هـ)، فتح الباري شرح

- صحيح البخارى، ج ٦، ص ٤٨٨، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.
- [١٥٩] الأناضولى الشافعى، أبو يحيى زكريا (متوفى ٩٢٦هـ)، أسنى المطالب فى شرح روض الطالب، ج ١، ص ٢٦٨، تحقيق: د. محمد تامر، ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ-٢٠٠٠
- [١٦٠] الصالحى الشامى، محمد بن يوسف (متوفى ٩٤٢هـ)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ١٢، ص ٤٤٤، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ
- [١٦١] الشربىنى الخطيب الشافعى، شمس الدين محمد (متوفى ٩٧٧هـ)، مغنى المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، ج ١، ص ٢٩٥، ناشر: دار الفكر - بيروت.
- [١٦٢] البخارى الجعفى، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل (متوفى ٢٥٦هـ)، صحيح البخارى، ج ١، ص ٤٤٨، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ن اش: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧
- [١٦٣]. النسابورى القشبرى، ابو الحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، ج ٤، ص ٢٢٠١، ح ٢٨٧٠، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت
- [١٦٤] ابن تيميه الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه، ج ٤، ص ٢٧٣، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيميه، الطبعة: الثانية
- [١٦٥] ابن تيميه الحرانى الحنبلى، ابو العباس أحمد عبد الحلیم (متوفى ٧٢٨هـ)، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه، ج ٢٤، ص ٣٣١، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى النجدى، ناشر: مكتبة ابن تيميه، الطبعة: الثانية.
- [١٦٦] أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد الزرعى الدمشقى، الروح فى الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، ج ١، ص ٥، الوفاة: ٧٥١هـ، دار النشر: دار الكتب العلميه - بيروت - ١٣٩٥-١٩٧٥
- [١٦٧] ابن كثير الدمشقى، ابو الفداء إسماعيل بن عمر القرشى (متوفى ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٣٩، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠١هـ

- [١٦٨] الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفى ٣١٠هـ)، تهذيب الآثار، ج ٢، ص ٤٩١ تحقيق: محمود محمد شاكر، ناشر: مطبعة المدني - مصر، الطبعة: الأولى.
- [١٦٩] الأنصاري القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفى ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٣، ص ٢٣٣، ناشر: دار الشعب - القاهرة.
- [١٧٠] الآكوسى البغدادي الحنفي، أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود بن عبد الله (متوفى ١٢٧٠هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج ٢١، ص ٥٧، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- [١٧١] النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفى ٦٧٦هـ)، شرح النووي على صحيح مسلم، ج ٢، ص ١٣٩، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ١٣٩٢هـ.
- [١٧٢] ابن حجر الهيتمي (متوفى ٩٧٣هـ)، الفتاوى الكبرى الفقهية، ج ٢، ص ٢٩، دار النشر: دار الفكر
- [١٧٣] الشيباني، أبو عبد الله محمد بن الحسن (متوفى ١٨٩هـ)، الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير، ج ١، ص ٢٧٣، دار النشر: عالم الكتب - بيروت - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى
- [١٧٤] ابن بطال البكري القرطبي، ابو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك (متوفى ٤٤٩هـ)، شرح صحيح البخاري، ج ٣، ص ٣٢٠ تحقيق: ابو تميم ياسر بن إبراهيم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م.
- [١٧٥] السيوطي جلال الدين عبد الرحمن الوفاة: ٩١١هـ، شرح الصدور بشرح حال الموتى والقبور، ج ١، ص ٢٠٢، دار النشر: دار المعرفة - لبنان - ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد المجيد طعمة حلي
- [١٧٦] السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الحاوي للفتاوى في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج ٢، ص ١٦٢، تحقيق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.
- [١٧٧] أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجي القرافي الوفاة: ٦٨٤هـ، الفروق أو أنوار البروق في

- أنواء الفروق (مع الهوامش) ، ج ٤، ص ٣٩٢ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٨هـ -  
١٩٩٨م، الطبعة: الأولى، تحقيق: خليل المنصور
- [١٧٨] التميمي الحنبلي، حمد بن ناصر بن عثمان آل معمر (متوفى ١٢٢٥هـ)، الفواكه العذاب في الرد  
على من لم يحكم السنة والكتاب، ج ٦، ص ١٩٥، طبق برنامہ الجامع الكبير.
- [١٧٩] الجكنى الشنقيطى، محمد الأمين بن محمد بن المختار (متوفى ١٣٩٣هـ)، أضواء البيان فى  
إيضاح القرآن بالقرآن، ج ٦، ص ١٣٠ تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر للطباعة  
والنشر. -بيروت. -١٤١٥هـ-١٩٩٥م.
- [١٨٠] محمد بن عبد الوهاب (متوفى ١٢٠٦هـ) ، أحكام تمنى الموت، ج ١، ص ٤٥٨، تحقيق:  
الشيخ عبد الرحمن بن محمد السدحان ، والشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين ، ناشر: مطابع  
الرياض - الرياض ، الطبعة : الأولى.

کاری از پایگاه جامع فرق ، ادیان و مذاهب

---

[www.Adyannet.com/Book](http://www.Adyannet.com/Book)

---